



پایش و بهبود نظام کارآفرینی ایران

(گزارش اول: شناخت وضع موجود و مقایسه تطبیقی با کشورهای MENA)

معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال

دفتر توسعه کارآفرینی

پاییز ۱۳۹۵

اسناد بالادستی پشتیبان

سند چشم انداز ج.ا.ایران در افق ۱۴۰۴:

- ✓ برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی.
- ✓ دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری:

- بند ۱- تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.
- بند ۲۰ - تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.

سیاست های کلی اشتغال

- بند ۱- ترویج و تقویت فرهنگ کار، تولید، کارآفرینی و استفاده از تولیدات داخلی به عنوان ارزش اسلامی و ملی با بهره‌گیری از نظام آموزشی و تبلیغی کشور.
- بند ۵- بهبود محیط کسب و کار و ارتقاء شاخص‌های آن (محیط سیاسی، فرهنگی و قضایی و محیط اقتصاد کلان، بازار کار، مالیات‌ها و زیر ساخت‌ها) و حمایت از بخش‌های خصوصی و تعاونی و رقابت از راه اصلاح قوانین، مقررات و رویه‌های ذیربط در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

فهرست مطالب:

پیشگفتار.....	۵
بخش اول- درآمدی بر اکوسیستم کارآفرینی.....	۷
مقدمه.....	۸
۱-۱- مفهوم کارآفرینی.....	۸
۲-۱- اکوسیستم کارآفرینی.....	۹
۳-۱- سنجش کارآفرینی.....	۱۰
الف) سنجش‌های برون‌داد محور.....	۱۰
ب) سنجش‌های گرایش محور.....	۱۱
ج) سنجش‌های چارچوب محور.....	۱۱
۴-۱- شاخص جهانی کارآفرینی (GEI).....	۱۲
۱-۴-۱- اجزاء شاخص GEI.....	۱۳
۱-۴-۱-۱- گرایش کارآفرینانه (ATT).....	۱۳
۲-۴-۱-۲- توانایی کارآفرینانه (ABT).....	۱۵
۳-۴-۱-۳- اشتیاق کارآفرینانه (ASP).....	۱۶
۲-۴-۱-۴- روش شناسی GEI.....	۱۸
بخش دوم- عملکرد اکوسیستم کارآفرینی در ایران و مقایسه آن در سطح جهانی.....	۱۹
۱-۲- تحلیل وضع موجود.....	۲۰
۱-۲-۱- تصویر کلی وضعیت اکوسیستم کارآفرینی ایران در مقایسه با جهان و منطقه MENA.....	۲۰
۲-۲-۱- شاخص فرعی گرایش کارآفرینانه.....	۲۵
۱-۲-۱-۲- درک فرصت.....	۲۶
۲-۲-۱-۲- مهارت کسب و کارهای نوپا.....	۲۸
۳-۲-۱-۲- پذیرش ریسک.....	۳۰
۴-۲-۱-۲- شبکه سازی.....	۳۱
۵-۲-۱-۲- پشتیبانی فرهنگی.....	۳۳
۳-۲-۱-۲- شاخص فرعی توانایی کارآفرینانه.....	۳۴
۱-۳-۱-۲- راه اندازی کسب و کار نوپا مبتنی بر فرصت.....	۳۶
۲-۳-۱-۲- جذب فناوری.....	۳۸

۳۹	۳-۳-۱-۲- سرمایه انسانی
۴۱	۴-۳-۱-۲- رقابت
۴۳	۴-۱-۲- شاخص فرعی اشتیاق کارآفرینانه
۵۳	۲-۲- تحلیل حساسیت
۵۵	۳-۲- جمع بندی
۵۷	بخش سوم- سیاست کارآفرینی
۵۹	مقدمه
۶۰	۱-۳- سیاستهای موثر بر اکوسیستم کارآفرینی
۶۳	۲-۳- راهکارهای پیشنهادی
۶۳	۱-۲-۳- چارچوبهای قانونی
۶۴	۲-۲-۳- فناوری و R&D
۶۵	۳-۲-۳- قابلیتهای کارآفرینانه
۶۶	۴-۲-۳- دسترسی به منابع مالی
۶۷	۵-۲-۳- بازار
۶۸	۶-۲-۳- زیرساخت
۶۸	۷-۲-۳- فرهنگ
۶۹	۸-۲-۳- پشتیبانها
۶۹	۳-۳- جمع بندی
۷۱	پیوست الف- شرح متغیرهای مورد استفاده در محاسبه شاخص جهانی کارآفرینی
۷۷	پیوست ب- ارتباط GEI با ۶ مؤلفه توسعه اقتصادی

پیشگفتار

تغییرات سریع و گسترده فناوریها، شرایط متلاطمی را در بازارهای جهانی به ارمغان آورده و تابآوری و نوآوری بنگاهها را تبدیل به شروط لازم برای بقا و پایداری کسب و کارها و مشاغل کرده است. در چنین شرایطی، ایجاد محیط مساعد برای ظهور و رشد کسب و کارهای جدید نوآور و فعالیتهای کارآفرینانه وظیفه حیاتی سیاستگذاران کشور برای دستیابی به رشد و رونق اقتصادی است.

پویایی اقتصاد، حاصل فعالیتهای کارآفرینی مبتنی بر تشخیص فرصتها است، کارآفرینانی که با تکیه بر نوآوری و پذیرش مخاطره فعالیتهای نوآورانه خود، قادر به نفوذ آگاهانه در بازارهای غیرقابل پیش بینی، ایجاد فشار رقابتی در میان بنگاهها و بهبود عملکرد کلی اقتصاد هستند. گزارش ۲۰۱۶ شاخص جهانی کارآفرینی (GEI) شواهدی مبنی بر همبستگی شدید کارآفرینی با اهداف کلی تر رفاه انسانی، نظیر افزایش رشد اقتصادی، کاهش نابرابری درآمدی، بهبود کیفیت محیط زیست و پایداری سیاسی و امنیت ارائه کرده است و از این رو کارآفرینان را نیروی صلح، برابری و رفاه فراگیر انسانی معرفی می کند.

نیاز به کارآفرینی، دانش و نوآوری به خوبی در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، ابلاغی مقام معظم رهبری، تصریح شده است. این در حالی است که هم اکنون کشور ما با نرخ بالایی از بیکاری، بویژه در میان فارغ التحصیلان جوان دانشگاهی از سویی و نرخ پایین بهره وری نیروی کار از سوی دیگر روبرو است. مطابق با پیش بینی های انجام شده سازمان برنامه و بودجه تا سال ۱۳۹۹ لازم است سالانه ۹۵۵ هزار شغل جدید در کشور ایجاد شود^۱. ایجاد چنین حجمی از مشاغل در چنین بازه کوتاه زمانی تنها از طریق راه حل هایی نظیر جذب سرمایه گذاری خارجی، ایجاد محدودیت در واردات و یا تامین مالی بنگاههای راکد و نیمه فعال امکان پذیر نخواهد بود، بویژه آن که ماهیت متلاطم و نوآورانه اقتصاد جهانی اثربخشی راه حل های اخیر را مورد تردید قرار می دهد.

راه حل موازی، ایجاد سریع شغل توسط شرکتهایی است که رشد سریع دارند (کارآفرینان). با تشویق تاسیس شرکتهایی که از طریق ارائه خدمات یا محصولات جدید دارای مطلوبیت عام، قادر به رشد سریع باشند، می توان مشاغل موردنیاز را ایجاد کرد. چنین شرکتهایی معمولاً بوسیله بهره گیری از گوشه های جدید بازار^۲ و ارائه محصولات، خدمات یا فرآیندهای بدیعی که رقبا و یا جایگزینان اندک دارند، ایجاد می شوند. ترکیب محصولات بدیع، رقابتی بلاواسطه اندک و تقاضای بالایی که بوسیله بازارهای جدید ایجاد شده است، می تواند سطوح بالای سودآوری را پایدار نماید و سرمایه و انگیزه های گسترش سریع تولید و اشتغال را فراهم کند. چنین نگاهی، کارآفرینی را به عنوان راه حل مناسب برای ایجاد اشتغال و توسعه اقتصادی، جایگزین راه حل های سنتی می نماید؛ به نحوی که امروزه در ادبیات اقتصادی کشورهای توسعه یافته، گذار از اقتصاد مدیریت شده به اقتصاد کارآفرینانه، تبدیل به بحثی تأمل برانگیز شده است. همزمان، سیاست های سنتی صنعتی شدن در این کشورها جای خود را به سیاست های توسعه کارآفرینی داده اند.

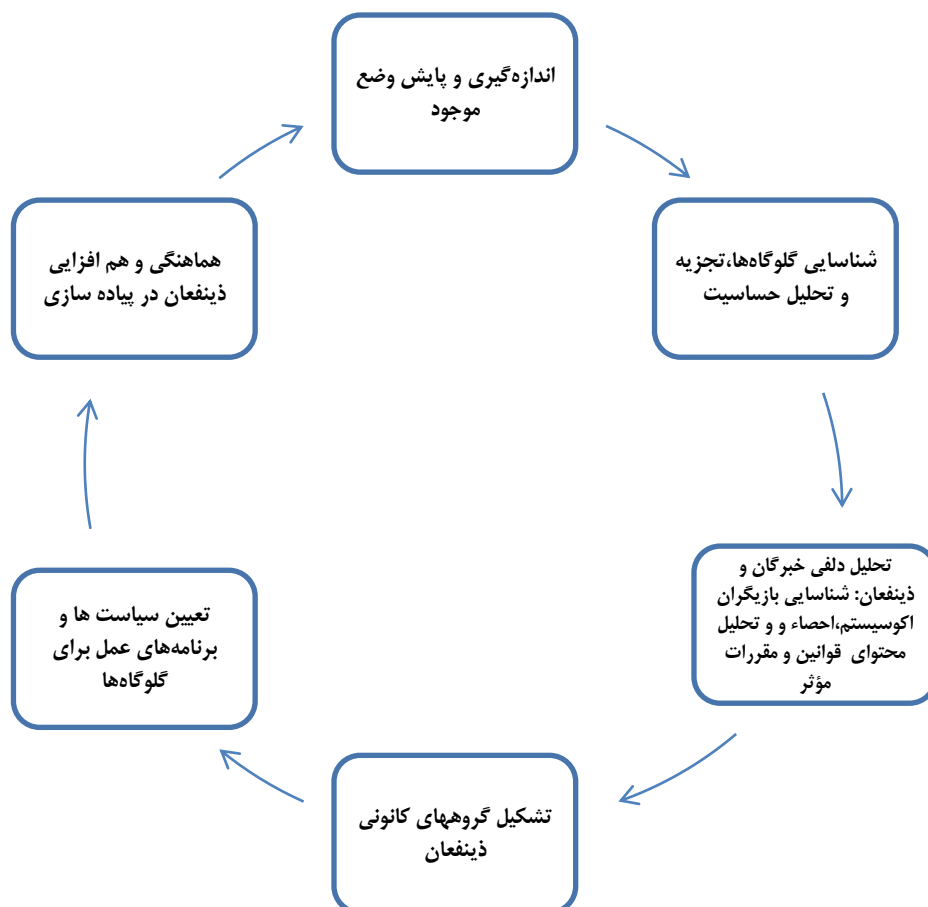
توجه سیاستگذاران به مقوله کارآفرینی در ایران، عمری کوتاه (کمی بیش از یک دهه) دارد. بدیهی است در این مدت کوتاه، ابزارها و سیاست های توسعه کارآفرینی آنگونه که شایسته است فرصت بلوغ نیافته اند و محدود هستند. این در حالی است که مطابق با گزارش ۲۰۱۶ شاخص جهانی کارآفرینی (GEI) اکوسیستم کارآفرینی ایران ضعیف است. امتیاز کلی کارآفرینی ایران در این شاخص تنها ۲۸٫۸٪ است و در میان ۱۵ کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا که در گزارش یاد شده بررسی شده اند، ایران رتبه ۱۴ را دارا است. لذا نیازمند طراحی سیاستها و پیاده سازی برنامه های مناسب و توجه جدی به مقوله کارآفرینی و پایش آن در کشور هستیم.

گزارش حاضر، اولین گزارش حاصل از مجموعه مطالعات پروژه "پایش و بهبود نظام کارآفرینی ایران" است که توسط معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در حال اجرا است. این گزارش، مراحل اول و دوم چرخه سیاستگذاری، شامل مراحل پایش وضع موجود و شناسایی گلوگاهها بوده (شکل ۱) و با استفاده از روش شناسی موسسه کارآفرینی و توسعه جهانی^۳، به تحلیل اکوسیستم کارآفرینی کشور در مقایسه با سایر کشورها پرداخته است.

^۱ - سند برنامه ششم توسعه ۱۳۹۵-۱۳۹۹ - سازمان برنامه و بودجه

^۲) Market niches

^۳) The Global Entrepreneurship and Development Institute



شکل ۱- چرخه سیاستگذاری اکوسیستم کارآفرینی ایران

هدف این گزارش، افزایش آگاهی از اکوسیستم موجود کارآفرینی در سطح ملی و فراهم‌آوری ورودی‌های لازم برای صورتبندی و پیاده‌سازی سیاست‌های کارآفرینی در کشور می‌باشد. مطابق با گزارش حاضر، عدم ارتباط بنگاه‌ها با بازارهای بین‌المللی، ترس از شکست، کمبود نوآوری در محصول و عدم وجود فرهنگ پشتیبان کارآفرینی، گلوگاه‌های اساسی توسعه‌نیافتگی کارآفرینی در ایران هستند. در بخش‌انتهایی گزارش، هرچند راهبردها و راهکارهایی برای بهبود اکوسیستم کارآفرینی در ایران پیشنهاد شده است، اما از آنجا که اکوسیستم کارآفرینی نظامی باز و پیچیده است، برای درک پیچیدگیها و ابعاد متنوع آن، علاوه بر پایش دائمی لازم است تا تنوعی از بازیگران و ذینفعان اکوسیستم در تعامل نزدیک با یکدیگر به درکی مشترک از چالشهای آن رسیده و برای بهبود آن هدفی مشترک یابند تا مداخلات طراحی شده اثربخشی لازم را داشته باشد. به عبارتی تدقیق سیاستها و برنامه‌ها نیازمند بررسی عمیق‌تر چالشها و پتانسیل‌های کارآفرینی در مناطق مختلف و هم‌اندیشی با متخصصان و بازیگران اکوسیستم کارآفرینی در سطوح منطقه‌ای و بخشی در چگونگی رفع موانع و استفاده بهینه از ظرفیتهای آنهاست که در مراحل بعدی انجام و گزارش خواهد شد.

بخش اول -

درآمدی بر اکوسیستم کارآفرینی

مقدمه

ایران کشوری است پهنور و غنی از دارایی‌های انسانی و طبیعی که در چشم‌انداز ده سال آتی، جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری را در منطقه برای خود متصور است. این در حالی است که علیرغم تلاشهای دولتها و جامعه، مطابق با سنجه‌های بین‌المللی، هنوز تا موقعیت مطلوب فاصله دارد. ایران در شاخص رقابت‌پذیری جهانی (۲۰۱۶-۲۰۱۵) رتبه ۷۴، در شاخص سهولت فضای کسب و کار (۲۰۱۵) رتبه ۱۳۰، در شاخص نوآوری جهانی (۲۰۱۶) رتبه ۷۸ و در شاخص جهانی کارآفرینی (۲۰۱۶) رتبه ۸۰ را کسب کرده است. عدم موفقیت در رقابت‌پذیری و کارآفرینی همراه با این واقعیت است که ایران از لحاظ تعداد فارغ‌التحصیلان رشته‌های مهندسی، که کارآفرینان بالقوه کشور محسوب می‌شوند، رتبه ۵ جهان (پس از هند، چین، روسیه و آمریکا) را دارا است. برای استفاده مناسب از این دارایی پُرارزش لازم است تا دولت در کنار توجه به سیاست‌های مساعد و تسهیل‌کننده کسب و کار، عنایت ویژه‌ای به کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای نوآورانه و پُررشد، که قادر به رقابت در سطح جهانی باشند، داشته باشد.

مطالعات تجربی کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که کسب و کارهای کارآفرینانه و پُررشد، علاوه بر سهم بالا در تولید ثروت، عامل ایجاد بیشترین میزان مشاغل جدید در این کشورها نیز بوده‌اند. لذا از آنجا که در حال حاضر ایران با معضل بیکاری بویژه در میان جوانان روبرو است، توجه به توسعه کارآفرینی اهمیتی دوچندان می‌یابد به نحوی که لازم است تا در اولویت سیاستی دولتمردان قرار گیرد. از آنجا که کارآفرینی پدیده‌ای مجرد نبوده و در متن اکوسیستم خاص خود (در محیط نهادی خاص و در تعامل بازیگران مختلف) اتفاق می‌افتد، بدیهی است که اولین قدم برای صورت‌بندی و پیاده‌سازی سیاستهای توسعه کارآفرینی، شناخت اکوسیستم کارآفرینی در سطوح مختلف ملی و استانی^۴ و تشخیص گلوگاههایی است که مزایای رقابتی کشور را فرسوده می‌کنند.

در بخش اول این گزارش، که گزارش شناخت نام گرفته است، از آنجا که در مورد تعاریف مرتبط با کارآفرینی اجماعی در میان سیاستگذاران وجود ندارد، تلاش می‌کنیم تا مفاهیم مرتبط با کارآفرینی را آنگونه که مورد استفاده در این گزارش است روشن سازیم. همچنین اشاره‌ای به روش‌های متداول سنجش کارآفرینی خواهیم داشت. از آنجا که در شناسایی گلوگاههای اکوسیستم کارآفرینی کشور از شاخص جهانی کارآفرینی (GEI) استفاده خواهیم کرد، شاخص و ارکان آن معرفی خواهند شد. در بخش دوم، اکوسیستم کارآفرینی ایران در مقایسه با سایر کشورها مورد بررسی قرار گرفته و گلوگاهها شناسایی می‌شوند. همچنین بازیگران و قوانین و مقررات مرتبط با ارکان کارآفرینی به طور اجمالی بررسی خواهد شد.

در بخش آخر گزارش، چرخه بهبود اکوسیستم کارآفرینی در ایران، سطوح سیاستی موثر بر این اکوسیستم و خط‌مشی‌هایی در جهت بهبود هر یک از سطوح، جمع‌بندی و پیشنهاداتی ارائه می‌شود. لازم است در مراحل بعدی پروژه، پیشنهادات ارائه شده ضمن بحث با ذینفعان و سیاستگذاران تدقیق شده تا تبدیل به بسته سیاستی توسعه کارآفرینی شوند.

۱-۱- مفهوم کارآفرینی

کارآفرینی پدیده‌ای است که در دهه‌های اخیر بسیار مورد توجه دولتمردان قرار گرفته و در مورد لزوم توسعه آن اجماع جهانی وجود دارد، لیکن یکی از بزرگترین موانع مطالعه و اتخاذ تصمیمات سیاستی برای آن، عدم وجود تعریف مورد اجماع از این پدیده است. بدیهی است تا توافقی بر "چیستی" و "چرایی" وجود نداشته باشد، نمی‌توان به "چگونگی" و ارزیابی و بواسطه آن، صورت‌بندی سیاست برای توسعه آن پرداخت.

قدیمی‌ترین تعریف از کارآفرینی در ادبیات موجود، به قرن ۱۸ میلادی بازمی‌گردد.^۵ در اوایل دهه ۱۷۰۰ ریچارد کانتیلون^۶ کارآفرینی را به صورت خوداشتغالی همراه با ریسک‌پذیری تعریف کرد. در سالهای ظهور انقلاب صنعتی، جین باپتیست^۷ کارآفرین را به عنوان سرمایه-

^۴ در اکوسیستم کارآفرینی علاوه بر نهادها و بازیگران پشتیبان کارآفرینی، عوامل فرهنگی و اجتماعی نقش مهمی دارند. به دلیل گستردگی کشور و تنوع بالای فرهنگی و محیطی، انتظار می‌رود اکوسیستم کارآفرینی در مناطق مختلف کشور تفاوت‌هایی داشته باشند.

^۵ Hoselitz, B.F. (1951). The early history of entrepreneurial theory. Explorations in Entrepreneurial History, 3(4), 193 - 220.

^۶ Richard Cantillon

^۷ Jean Baptiste

گذار یا تولیدکننده بزرگی که نقش اصلی آن گردهم‌آوری عوامل تولید است معرفی کرد. چند دهه بعد آلفرد مارشال، در پاسخ به ظهور طبقه مدیریت میانی (تخصصی)، کارآفرینی را مسیری برای جاگیری کارآفرینان در کسب و کار جدید متعلق به خودشان دانست.

در قرن بیستم، بواسطه تعریفی که شومپیتر از کارآفرین ارائه کرد، چرخشی متفاوت و تاثیرگذار در تعریف کارآفرینی بوجود آمد. وی کارآفرین را عامل تغییر در اقتصاد از طریق "تخریب خلاق" معرفی کرد: فرد (یا تیم) نوآوری که محصول خلاقانه خود را به بازار (رقابتی) وارد می‌کند و موجب خروج بنگاه‌های کمتر بهره‌ور از بازار می‌گردد. اقدام کارآفرینانه در صورت موفقیت مورد تقلید قرار گرفته و موجب تغییر (ساختار صنعت) در سطح گسترده می‌شود. فرد تاثیرگذار دیگر، فرانک نایت^۸ بود که سود را به عنوان پاداش اقدامات کارآفرینانه و تحمل ریسک مطرح کرد. پس از تحول ناشی از تعاریف نایت و شومپیتر، دانشمندان تفسیرهای متنوع و متعددی از کارآفرین ارائه دادند. آنچه مشخص است، تعریف کارآفرین طی زمان بر پایه نیاز اقتصاد تغییر کرده است: از خود اشتغال به تولیدکننده بزرگ و بالاخره نوآور، و چون همگی در عصر خود عامل تغییر و جهش اقتصادی بوده‌اند، ویژگی که در تمامی تعاریف پابرجا مانده است، "ریسک‌پذیری" کارآفرین است.

لذا با توجه به رویکرد کشور در حرکت به سوی اقتصاد مقاومتی و دانش‌بنیان و همچنین رشد اقتصادی بالا، در گزارش حاضر از ترکیبی از تعاریف شومپیتر - نایت استفاده می‌شود:

کارآفرین فردی است که با تکیه بر نوآوری، تشخیص فرصت‌ها و پذیرش مخاطره، ارزش جدید اقتصادی-اجتماعی بوجود می‌آورد.

تعریف یادشده نزدیک به آن چیزی است که در برخی دسته‌بندی‌ها تحت عنوان کارآفرین حسب فرصت (در مقابل کارآفرین حسب ضرورت یا اجباری)^۹ و یا کارآفرین مولد (در مقابل کارآفرین مخرب)^{۱۰} یاد می‌شود.

۱-۲- اکوسیستم کارآفرینی

از آنجا که در تعاریف اولیه کارآفرینی به نقش فرد تاکید شده و کارآفرینی نوعی نگرش و رفتار فردی دیده می‌شد، تلاش‌های اولیه دولتها برای توسعه کارآفرینی نیز محدود به سیاست‌های سطح فردی بود. فرض بر آن بود که با آموزش افراد و فرهنگ سازی و ایجاد وجهه مناسب برای کارآفرینان در جامعه، کارآفرینی بصورت کمی و کیفی توسعه خواهد یافت. لیکن تجربه نشان داد که وجود روحیه و انگیزه کارآفرینی در افراد کافی نیست بلکه بروز کارآفرینی نیازمند محیطی مساعد است. از آنجا که کارآفرینی به شدت وابسته به زمینه ای است که کارآفرین در آن فعالیت می‌کند (شامل اجتماع، محیط نهادی و محیط فیزیکی)، استفاده از اصطلاح اکوسیستم کارآفرینی در ادبیات سیاست‌گذاری کارآفرینی گسترش یافت. در حال حاضر، پژوهشگران حوزه سیاست‌گذاری کارآفرینی به این اجماع رسیده‌اند که کشورها نیازمند تعداد زیاد کارآفرین (به معنای کسب و کار جدید یا خوداشتغالی) نیستند بلکه نیازمند اکوسیستم کارآفرینی خوب و کیفی هستند تا به رشد و توسعه اقتصادی دست یابند.

کارآفرینی پدیده‌ای فرابخشی و چندوجهی است به نحوی که از یک سو متأثر از همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است و از سوی دیگر بر این ابعاد تاثیرگذار است. از این‌رو توسعه کارآفرینی در گرو توجه به موضوعات مختلف از زوایا و جنبه‌های متعددی می‌باشد که ضرورت به کارگیری رهیافت اکوسیستم را روشن می‌کند.

در مفهوم اکوسیستم کارآفرینی به عنوان روشی جدید برای تفکر و اقدام، جهت طراحی سیاست‌های کارآفرینی در سالهای اخیر به کار گرفته شده است. اکوسیستم کارآفرینی به افراد، سازمانها و نهادهایی اشاره دارد که محرک یا مانع تصمیم فرد برای کارآفرین شدن بوده و یا بر احتمال موفقیت او در صورت راه‌اندازی کسب و کار کارآفرینانه موثرند. OECD اکوسیستم را شامل چارچوب‌های تنظیمی، شرایط بازار، دسترسی به منابع مالی، تحقیق و توسعه و فناوری، فرهنگ و قابلیت‌های کارآفرینانه معرفی کرده است. اکوسیستم‌ها، محیطی را ایجاد

^۸) Frank Knight

^۹) کارآفرین حسب ضرورت (اجباری) به دلیل گریز از بیکاری به ایجاد یک کسب و کار می‌پردازد زیرا شغل مناسب برای خود نیافته است. چنین کسب و کاری معمولاً شبیه به سایر کسب و کارهای متداول بوده و بهره‌وری نیز مشابه سایرین دارد. لذا تخریب خلاق و رشد بالا در آن اتفاق نیفتاده و قادر به ایجاد تغییر نیست.

^{۱۰}) کارآفرینی غیرمولد یا مخرب هرچند منافع مالی برای فرد کارآفرین به همراه دارد اما جامعه را در شرایطی که هست (یا شرایط بدتر) رها می‌کند (نظیر رانت خواری یا فعالیت‌های غیرقانونی).

می‌کنند که لازم است عناصر آن هم‌نوا با یکدیگر برای شکوفایی بنگاه‌های نوآور و پررشد به نظم درآیند. این بنگاه‌ها نیازمند کارکنان ماهر هستند، لازم است تا دسترسی به فناوری داشته باشند، زیرساختی با کارکرد مطلوب لازم دارند، مشاوره تخصصی و پشتیبانی می‌خواهند، باید به منابع مالی دسترسی داشته باشند، محلی برای کسب و کار لازم دارند، و نیازمند یک چارچوب قانونی هستند که از آنها حمایت کند. در اکوسیستم کارآفرینی وجود ذینفعان و همکاری متقابل آنها با یکدیگر سبب ایجاد شرایط مناسب برای فعالیت‌های کارآفرینانه و توسعه کسب و کارهای جدید می‌شود. منظور از ذینفع هر نهادی است که به‌طور بالفعل یا بالقوه حامی و مشوق کارآفرینی است. ارگان‌های دولتی، دانشگاه‌ها، انجمن‌های کسب و کار، تشکل‌های بخش خصوصی، سرمایه‌گذاران، بانک‌ها، کارآفرینان، مراکز رشد، مراکز شتاب‌دهنده، رهبران اجتماعی، مراکز تحقیقاتی، نمایندگان نیروی کار، و کلا و غیره از ذینفعان اکوسیستم کارآفرینانه هستند. کارآفرین نیز هر چند حاصل اکوسیستم کارآفرینانه است اما خود نیز نقش فعال در ایجاد اکوسیستم و سلامت آن بازی می‌کند. تعامل و همکاری متقابل بین ذینفعان مختلف نیازمند تبادل رسمی و غیررسمی اطلاعات جهت هماهنگی میان فعالیت‌های آنان است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که نحوه ترکیب این عوامل که با گذشت زمان تکامل می‌یابند وابسته به شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و جغرافیایی است. بدیهی است که اکوسیستم‌های کارآفرینی یکتا و منحصر بفرد هستند زیرا نتیجه و برآیند تعاملات متقابل و پیچیده‌ی صدها عامل هستند که ریشه در نهادهایی شکل گرفته در طول تاریخ دارند؛ نهادهایی که برای کشورهای مختلف، در کنار مزیت‌های رقابتی منحصر بفرد، مجموعه‌ای خاص از چالش‌ها بوجود می‌آورند که باید بر آنها غلبه کرد. به همین سبب است که در این رویکرد، استفاده‌ی کورکورانه از الگوی توسعه‌ی کارآفرینانه‌ی یک کشور و اعمال آن برای کشور دیگر ناکاراست. از آنجا که تنها در اثر وجود ویژگی‌هایی همچون همگنی، تعادل و هم‌افزایی است که اکوسیستم توان پرورش کارآفرینان موفق را خواهد داشت، لازمه تشخیص و طراحی سیاست‌های مناسب برای توسعه کارآفرینی توجه به کلیه عناصر (کاستی‌ها یا نقاط قوت) اکوسیستم و شیوه تعاملات آنها است. در چنین نگاهی ضعف در یک زیرسیستم یا نهاد می‌تواند بر عملکرد کلی اکوسیستم تاثیر داشته و علیرغم وجود نقاط قوت، همانند یک گلوگاه عمل نماید.

۱-۳- سنجش کارآفرینی

طراحی هر برنامه و سیاست در بخش توسعه کارآفرینی مستلزم سنجش وضعیت موجود است. از سوی دیگر سنجش پتانسیل کارآفرینی یک کشور، به دلیل ماهیت سیستمی و پیچیده آن، کار ساده‌ای نیست. علیرغم افزایش توجه به کارآفرینی در میان سیاستگذاران، هنوز دانش در خصوص آنچه اقتصاد یک کشور و رفتار یک جامعه را کارآفرینانه می‌کند، اندک است. اکوسیستم‌های کارآفرینی باز و پیچیده هستند. هیچ شاخصی، هر چقدر کامل، نمی‌تواند پویایی اکوسیستم را به طور کامل آشکار سازد. با این وجود تلاش‌های دانشمندان این حوزه ادامه دارد و تاکنون سنجه‌هایی بوجود آمده که در حال آزمون و اصلاح هستند. به طور کلی سنجه‌های موجود برای تخمین سطح کارآفرینی کشورها را می‌توان در سه گروه "برونداد محور"، "گرایش محور" و "چارچوب محور" دسته‌بندی کرد.

الف) سنجه‌های برونداد محور

این گروه از سنجه‌ها عمدتاً منعکس‌کننده میزان تأسیس بنگاه‌های جدید و خوداشتغالی‌های تولید شده در واحد جمعیتی می‌باشند. در واقع در این نوع سنجش‌ها، خلق یک کسب و کار جدید و یا خوداشتغالی، نوآوری محسوب می‌شود. معروف‌ترین سنجه در این گروه، دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM) است که هر ساله نرخ خوداشتغالی و بنگاه‌های جدید را در تعداد زیادی از کشورها از جمله ایران تخمین می‌زند. داده‌های GEM از نوع داده‌های اولیه است که از طریق پیمایش و مصاحبه فردی از نمونه حداقل ۲۰۰۰ نفری، با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، در هر کشور به دست می‌آید.

برنامه نمایه‌های کارآفرینی OECD^{۱۱} (EIP) و پیمایش کارآفرینی بانک جهانی از سایر سنجه‌های مطرح برونداد محور هستند. این دو سنجه بر خلاف GEM بر آمارهای ثبتی کشورها تکیه دارند. نمایه بنگاه‌های پررشد OECD شاخص رواج بنگاه‌های

^{۱۱} - Entrepreneurship Indicators Program

پروژه را بر مبنای آمارهای ثبت شرکتها، آمارهای ثبتی اتاقهای بازرگانی و سایر آمارهای رسمی ارائه می‌کند. پیمایش کارآفرینی بانک جهانی نیز برای پایش ایجاد کسب و کارهای جدید در بخش رسمی اقتصاد، از داده‌های ثبت شرکتها استفاده می‌کند. روش دیده‌بان جهانی کارآفرینی دو نقطه قوت نسبت به رویکرد OECD و بانک جهانی دارد: اول آن که جمع-آوری همگن داده‌ها در GEM امکان مقایسه بین کشورها را فراهم می‌کند، در حالی که به دلیل تفاوت در رویه‌های ثبت شرکتها در کشورهای مختلف، مقایسه کشورها با رویکرد OECD و بانک جهانی چندان معنی‌دار نیست^{۱۲}. دومین نقطه قوت رویکرد GEM آن است که کسب و کارهای بخش غیررسمی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. این امر بویژه برای سنجش پتانسیل کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه، که در آنها بخش قابل توجهی از اقتصاد غیر-رسمی است، اهمیت بالایی دارد. در هر صورت استفاده از سنج‌های خروجی محور بنا به دلایل زیر برای استفاده در تصمیم‌گیری‌های سیاستی مناسب به نظر نمی‌رسند:

۱. از آنجا که ایجاد کسب و کار را، فارغ از کیفیت آن، خروجی مستقیم فعالیت کارآفرینانه فرض می‌کنند، در بهترین حالت تنها قادر به اندازه‌گیری جنبه‌های کمی کارآفرینی بوده و قادر به سنجش جنبه‌های کیفی آن (نوآوری و رشد بالا) نمی‌باشند.
۲. تأثیر عوامل زمینه‌ای و نهادی را بر کارآفرینی نشان نداده و تفاوت محیط کسب و کار در کشورها را در نظر نمی‌گیرند.

ب) سنج‌های گرایش محور

این نوع سنج‌ها، گستره‌ای از گرایش‌های مرتبط با کارآفرینی در افراد یک جامعه را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و شواهد بالارزشی در مورد امکان سنجی، مطلوبیت و مشروعیت کارآفرینی در جامعه و تصمیم ورود به کارآفرینی توسط افراد جامعه را فراهم می‌کنند. رجحان خوداشتغالی، دلایل رجحان/عدم رجحان، وجهه کارآفرینان (موفق/ناموفق) در میان افراد جامعه، خودتکایی و ادراک افراد از توانایی‌های خود ... از جمله مواردی است که در این سنج‌ها مورد توجه هستند. پیمایش Eurobarometer، سنج بین‌المللی پیمایش اجتماعی و GEM از جمله پیمایش‌هایی هستند که داده‌هایی برای گرایش کارآفرینی فراهم می‌آورند.

ج) سنج‌های چارچوب محور

این دسته از سنج‌ها به فعالیت کارآفرینانه افراد توجهی نداشته و به دنبال سنجش شرایط چارچوبی و سیاستی کارآفرینی در سطح ملی هستند، به عبارتی به دنبال آن هستند که پتانسیل محیطی کشورها را از نظر پشتیبانی از کارآفرینی ارزیابی نمایند. در این گروه از سه سنج اصلی می‌توان نام برد:

- ۱- "پیمایش خبرگان" دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM) با پرسش از تعداد محدودی از خبرگان، معیاری چندوجهی برای انعکاس شرایط محیطی کارآفرینی در کشورها ارائه می‌دهد.
- ۲- شاخص "سهولت کسب و کار" (EDB) محیط حقوقی و تنظیمی کشورهای مختلف را، برای ورود کسب و کارها به فعالیت‌های اقتصادی، با یکدیگر مقایسه می‌کند.
- ۳- برنامه نمایه‌های کارآفرینی OECD (EIP) نیز سنج چارچوبی جامع‌تری نسبت به دو سنج فوق ارائه کرده و بین شرایط چارچوب تنظیمی، عملکرد کارآفرینی و اثر محیط اقتصادی تمایز قائل شده است.

شاخص سهولت کسب و کار (EDB) که در کشور ما به شدت مورد توجه سیاستگذاران و نخبگان قرار گرفته است، داده‌ها را بر پایه محیط تنظیمی مرتبط با ثبت شرکت‌های جدید سهامی خاص با مسئولیت محدود جمع‌آوری می‌کند و تمرکز بر نمایه‌های بسیار محسوس در محیط تنظیمی کشورها دارد؛ نظیر تعداد رویه‌هایی که برای ثبت شرکت جدید لازم است، تعداد روزهایی که برای تکمیل ثبت یک شرکت لازم است، حداقل نیاز سرمایه مالی برای ثبت شرکت (بر حسب درصد GDP سرانه)، نرخ ترمیم اعتبار در صورت ورشکستگی

^{۱۲} (در بیشتر کشورها از جمله ایران، روز ثبت شرکت الزاما به معنی روز شروع فعالیت کسب و کار نیست. به عبارتی کسب و کار ثبت شده الزاما در فعالیت اقتصادی وارد نشده و ممکن است غیرفعال باشد. در برخی کشورها ثبت شرکت پس از شروع فعالیت اتفاق می‌افتد و لازم است تا کسب و کار به آستانه ای از گردش مالی یا اشتغال رسیده باشد. در این صورت بسیاری از کسب و کارهای خرد ثبت نمی‌شوند.

و نظایر آن. عدم توجه به خروجی فعالیت عملی ایجاد بنگاه جدید، از جمله انتقاداتی است که بر این شاخص وارد می‌شود. محدودیت دیگر آن توجه صرف به شرکتهایی است که در اولین ماه فعالیت دارای ۵ الی ۵۰ کارکن بوده و گردش مالی آنها ۱۰ برابر سرمایه راهاندازی باشد. در این صورت، EDB حجم بزرگی از جمعیت بنگاه‌های جدید بویژه در کشورهای در حال توسعه را نادیده می‌گیرد. در مقابل، برنامه نمایه‌های کارآفرینی (EIP) رویکرد جامع‌تری دارد و در مدل مورد استفاده خود، عملکرد کارآفرینی (یعنی تعداد شرکت‌های ثبت شده و میزان رشد آنها) را نیز در نظر گرفته است. هر چند پیوند عملی بین عملکرد و شرایط چارچوبی برقرار نکرده است. با وجودی که سنج‌ها و نماگرهای چارچوبی، برای الگوبرداری از شرایط تنظیمی و حقوقی مستولی بر اقتصاد کشورها مفید هستند اما از فقدان پیوستگی با عملکرد واقعی جوامع رنج می‌برند. در واقع سه نوع سنج یاد شده (سنج‌های خروجی که تنها به عملکرد توجه دارند، سنج‌های گرایش که به نهادهای فرهنگی و اجتماعی جوامع توجه دارند و سنج‌های چارچوبی که به نهادهای تنظیمی و حقوقی می‌پردازند) به تنهایی کامل نبوده و نیاز است تا در کنار یکدیگر دیده شوند. البته دیده‌بان جهانی کارآفرینی تلاش داشته تا با توجه به هر سه رویکرد (خروجی-گرایش-چارچوب) داده‌هایی را تهیه کند اما هنوز به طور عملی شاخصی ترکیبی که بتوان از آن در تصمیم‌گیری‌های سیاستی استفاده کرد، ایجاد و پیشنهاد نکرده است. بر پایه همین استدلال و مفهوم نظری نظام ملی کارآفرینی، در سال ۲۰۰۸ دو تن از اعضای GEM به نام‌های Szerb و Acs به منظور ارائه شاخصی مناسب اقدام به انجام پروژه‌ای تحقیقاتی کردند که حاصل آن معرفی سنج‌ای جدید به نام شاخص جهانی کارآفرینی (GEI) توسط موسسه کارآفرینی و توسعه جهانی (GEDI) است. از آنجا که این سنج در گزارش حاضر جهت ارزیابی اکوسیستم کارآفرینی ایران مورد استفاده قرار گرفته است، مفصلتر بررسی خواهد شد.

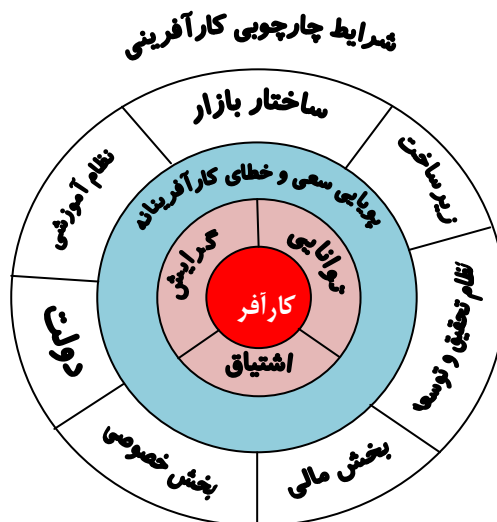
۱-۴- شاخص جهانی کارآفرینی (GEI)

شاخص GEI، متمایز از شاخص‌های کارآفرینی خروجی محور (نظیر تعداد بنگاه‌های جدید) و شاخص‌های چارچوب محور (نظیر مقایسه سیاست‌ها و مقررات کشورها)، برای به تصویر کشیدن اکوسیستم‌های کارآفرینانه طراحی شده است. GEI نه یک شمارش ساده خروجیها نظیر تعداد بنگاه‌های ثبت شده جدید است و نه یک محک‌زنی سیاستی است. این شاخص تنها بر کارآفرینی پُررشد تمرکز نمی‌کند، بلکه ویژگی‌هایی از کارآفرینی را مدنظر قرار می‌دهد که بهره‌وری را بهبود می‌بخشند: نوآوری، گسترش بازار، رشد محور بودن، و بینش بین-المللی داشتن. از آنجا که کارآفرینی می‌تواند هر دو پیامد اقتصادی و اجتماعی را برای افراد داشته باشد، GEI تعاملات پویا و نهادینه شده بین گرایش‌ها، توانایی‌ها و اشتیاق را، که محرک کارآفرینی مولد هستند، هم در سطح فردی و هم در سطح نهادی مورد توجه قرار داده است.

فرض بنیادی در تهیه این شاخص آن است که کارآفرینی هر چند ماهیت رفتاری دارد اما تنها در صورتی امکان بروز می‌یابد که محیط به فرد اجازه بروز آن را بدهد. به عنوان مثال اگر نیروی انسانی تحصیلکرده و دارای مهارت لازم برای بکارگیری در کسب و کار مبتنی بر فرصت شناسایی شده توسط کارآفرین، در مکان موردنظر وجود نداشته باشد، کارآفرینی اتفاق نخواهد افتاد. به عبارتی پویایی کارآفرینی در هر کشور علاوه بر خصلت‌ها و ویژگی‌های افراد جامعه، در گرو محیط نهادی آن است. از این رو می‌توان گفت شاخص جهانی کارآفرینی، تلاش دارد تا نگاهی دقیق به سلامت اکوسیستم‌های کارآفرینانه کشورها بیاندازد. مزیت این شاخص نسبت به سایر روش‌های سنجش در این است که این شاخص، از طریق توجه به تعاملات سطح فردی و سطح نهادی کارآفرینی، چشم‌اندازی نسبتاً دقیق‌تر از قوت‌ها و تنگناهای اکوسیستم کارآفرینی در کشورها ارائه می‌دهد. زمینه نهادی، تنظیم‌کننده کیفیت و خروجی اقدامات فردی است و برای درک اکوسیستم کارآفرینی لازم است تا هم به تعاملات درونی و هم میان این دو سطح توجه شود. در نظر نگرفتن هرکدام از این عناصر موجب تعبیر نادرست از اکوسیستم کارآفرینی خواهد شد. GEI ضمن تشخیص تفاوت معانی کارآفرینی در زمینه‌های متفاوت اقتصادی و نهادی، داده‌های در سطح فردی را با داده‌های توصیفگر نهادهای ملی و همچنین ساختارهای اقتصادی و جمعیتی ترکیب می‌کند تا بتواند دیدگاهی نهادی از پیشران‌های کارآفرینی مولد ارائه دهد.

شاخص جهانی کارآفرینی (GEI) بر پایه مدل چارچوبی اکوسیستم طراحی شده است. در این مدل مفهومی، اقداماتی که توسط افراد (یا بنگاهها) در سطح فردی انجام می‌شود با چارچوب نهادی ترکیب می‌شود. چارچوب نهادی دارای عناصر گسترده‌ای از جمله منابع (مالی، سرمایه انسانی، شبکه‌ها)، زیرساخت‌های فیزیکی (زیرساخت‌های ارتباطی، زیرساخت‌های حمل و نقل، محل استقرار کسب‌وکار)،

زیرساخت‌های خدماتی (خدمات تحقیق، خدمات آموزشی، خدمات کسب و کار)، نهادهای رسمی (حکومت، قوانین) و نهادهای غیررسمی (هنجارهای اجتماعی و گرایش‌ها) می‌باشد.



شکل ۱-۱- مدل مفهومی شاخص GEI

۱-۴-۱- اجزاء شاخص GEI

موسسه کارآفرینی و توسعه جهانی (GEDI)، کارآفرینی را به عنوان "تعاملی نهادین و پویا میان گرایش کارآفرینانه، توانایی کارآفرینانه و اشتیاق کارآفرینانه توسط افراد، که محرک تخصیص منابع از طریق ایجاد و عملیاتی کردن سرمایه‌گذاری‌های مخاطره آمیز جدید می‌شود" تعریف می‌کند.

GEI از سه جزء اصلی یا شاخص فرعی تشکیل می‌شود (3A): "گرایش"^{۱۳} کارآفرینانه، "توانایی"^{۱۴} کارآفرینانه و "اشتیاق"^{۱۵} کارآفرینانه. این سه شاخص فرعی برپایه ۱۴ رکن قرار دارند، که هر کدام از آنها شامل یک متغیر فردی و یک متغیر نهادی است که با جنبه‌های سطح خرد (فرد/بنگاه) و سطح کلان کارآفرینی (نهادهای) مطابقت دارند (جدول ۱-۱). هر کدام از این سه مجموعه عناصر بنیادی کارآفرینی بر دو مجموعه دیگر تاثیر می‌گذارد. برای مثال، گرایش کارآفرینی بر توانایی و اشتیاق کارآفرینی تاثیر می‌گذارد در حالی که اشتیاق و توانایی نیز بر گرایش تاثیرگذارند.

برخلاف سایر شاخص‌ها که از آمیختن متغیرهای فردی به تنهایی یا متغیرهای نهادی به تنهایی ساخته می‌شوند، ارکان GEI شامل هر دو نوع است. این ارکان تلاشی جهت نمایش ماهیت باز و قابل بحث کارآفرینی هستند؛ با تحلیل آنها می‌توان نگرشی عمیق از نقاط قوت و ضعف مواردی که در شاخص مورد توجه قرار گرفته به دست آورد. در ادامه به تفصیل ارکان هر شاخص فرعی تبیین می‌شوند:

۱-۴-۱-۱- گرایش کارآفرینانه (ATT)

شاخص فرعی گرایش کارآفرینانه، گرایش جمعیت یک کشور نسبت به کارآفرینی را سنجیده و بیانگر دیدگاه عموم مردم در خصوص کارآفرینی و کارآفرینان است. حضور افراد دارای توان درک فرصت‌های کارآفرینی و مهارت‌های لازم برای بهره‌برداری از آنها

^{۱۳}) Attitudes

^{۱۴}) Abilities

^{۱۵}) Aspirations

برای جامعه سودمند است. معیار، آنهایی هستند که می توانند (۱) فرصت های ارزشمند کسب و کار را شناسایی کنند، (۲) مهارت های لازم برای بهره برداری از فرصت ها را دارند، (۳) برای کارآفرینان منزلت اجتماعی قائلند و به آنها احترام می گذارند، (۴) از عهده ریسک راه اندازی کسب و کار برمی آیند و (۵) کارآفرینان را می شناسند (به عنوان مثال؛ شبکه یا الگوی نقش دارند). چنین افرادی می توانند حمایت فرهنگی، منابع مالی، و امکان شبکه سازی برای کسانی که هم اکنون کارآفرین هستند یا می خواهند کسب و کاری را شروع کنند، فراهم نمایند. گرایش کارآفرینی تحت تاثیر ارکانی نظیر "درک فرصت، مهارت شرکت های نوپا، پذیرش ریسک، شبکه سازی و پشتیبانی فرهنگی" قرار دارد:

رکن ۱: درک فرصت.

این رکن قابلیت درک فرصت توسط جامعه را با توجه به اندازه بازار داخلی و سطح شهرنشینی کشور در اختیار می گذارد. قابلیت درک فرصت توسط یک جامعه، عامل سازنده کسب و کارهای نوپا و کارآفرینانه است. این رکن از دو متغیر فردی "تشخیص فرصت" و متغیر نهادی "تراکم بازار" تشکیل شده است. "تشخیص فرصت" درصد جمعیتی را اندازه می گیرد که می توانند فرصت های خوب برای شروع یک کسب و کار را، در منطقه ای که زندگی می کنند، تشخیص دهند. لکن، ارزش این فرصت ها بستگی به اندازه بازار هم دارد. متغیر نهادی "تراکم بازار" شامل دو متغیر کوچک تر است: "اندازه بازار داخلی" و "شهرنشینی". متغیر شهرنشینی، این بحث را مورد توجه قرار می دهد که فرصت ها در نواحی توسعه یافته شهری آینده بهتری نسبت به نواحی روستایی فقیرتر دارند. تراکم بازار از حاصلضرب اندازه بازار داخلی و درصد جمعیتی که در مناطق شهری زندگی می کنند، بدست می آید.

رکن ۲: مهارت کسب و کارهای نوپا.

راه اندازی یک فعالیت تجاری مخاطره آمیز موفق، نیازمند کارآفرینان بالقوه ای است که مهارت های راه اندازی کسب و کار (استارت آپ) را دارند. رکن "مهارت کسب و کارهای نوپا"، درصد جمعیتی را می سنجد که باور دارند به اندازه کافی مهارت های شروع کسب و کار را دارند. بیشتر مردم در کشورهای در حال توسعه فکر می کنند که مهارت های لازم برای شروع یک کسب و کار را دارند. اما معمولاً مهارت های آنان از طریق آزمون و خطا در محل کار و در فعالیت های کسب و کار نسبتاً ساده بدست آمده است. در کشورهای توسعه یافته، شکل گیری کسب و کار، عملیات اجرایی، مدیریت و غیره نیازمند فعالیت هایی است که از طریق آموزش های رسمی و آموزش های حین کار کسب می شوند. از اینرو آموزش، بویژه "آموزش عالی" نقش حیاتی در آموزش و توسعه مهارت های کارآفرینی ایفا می نماید.

رکن ۳: پذیرش ریسک.

در میان ویژگی های فردی کارآفرینانه، ترس از شکست یکی از مهم ترین موانع برای شروع یک کسب و کار است. پرهیز از راه اندازی بنگاه های پرریسک می تواند تولد کارآفرینی را به تاخیر اندازد. متغیر فردی "درک ریسک" به عنوان درصدی از جمعیت که باور ندارند که ترس از شکست آنها را از شروع یک کسب و کار باز خواهد داشت، تعریف شده است. متغیر نهادی "ریسک کسب و کار"، امکان دسترسی و قابلیت اطمینان اطلاعات مالی شرکت ها، حمایت قانونی از بستانکاران و پشتیبانی نهادی از مبادلات بین شرکتی را انعکاس می دهد.

رکن ۴: شبکه سازی.

این رکن، شبکه شخصی کارآفرینان را با توانایی آنان در بکارگیری اینترنت برای اهداف کسب و کار ترکیب می کند. این ترکیب به عنوان یک استعاره از شبکه سازی بکار گرفته می شود که عامل مهمی در کارآفرینی و موفقیت در ایجاد کسب و کارهای مخاطره آمیز است. کارآفرینانی که شبکه های اجتماعی بهتری دارند، موفق تر هستند، فرصت های مناسب تری را شناسایی می نمایند و می توانند به منابع بیشتر و بهتری دسترسی یابند. امکان بالقوه شبکه سازی اولیه یک کارآفرین احتمالی، توسط درصد جمعیتی که شخصاً کارآفرینی را می شناسند که طی دو سال اخیر کسب و کاری را شروع کرده است، تعریف شده است (متغیر "پیوند با کارآفرینان"). ارتباط از طریق فضای مجازی با بقیه جهان، بُعد دیگری به شبکه سازی اضافه می کند و فرصت های بسیار بیشتری را نسبت به قبل بوجود می آورد (متغیر "کاربری اینترنت").

رکن ۵: پشتیبانی فرهنگی.

این رکن، سنجش ترکیبی از نگاه ساکنین یک کشور به کارآفرینی است که بر حسب موضوع منزلت و انتخاب مسیر شغلی و همچنین میزان تاثیر سطح فساد در کشور بر این نگاه، محاسبه می شود. بدون حمایت فرهنگی قوی، بهترین و باهوش ترین کارآفرینان

تمایل به تن دادن به مسئولیت کارآفرینی ندارند و تصمیم می‌گیرند تا وارد حرفه‌های سنتی گردند. "باور به مسیر شغلی"، درصد میانگینی از جمعیت ۶۴-۱۸ ساله است که اذعان دارند: کارآفرینی یک انتخاب شغلی خوب است و منزلتی والا دارد. متغیر نهادی مرتبط با این رکن، سطح "فساد" را در کشور اندازه می‌گیرد. سطوح بالای فساد می‌تواند منزلت بالا و مسیر شغلی پایدار کارآفرینان مشروع را تضعیف نماید.

۱-۴-۲- توانایی کارآفرینانه (ABT)

شاخص فرعی توانایی کارآفرینانه، وظیفه اندازه‌گیری بعضی ویژگی‌های مهم کارآفرینی و بنگاه‌های نوپا که دارای پتانسیل رشد بالا هستند را برعهده دارد. شاخص توانایی بالا برای کارآفرینی با شرکت‌های نوپا (استارت‌آپ‌ها)ی بخش‌های فناوری بالا یا متوسط که توسط کارآفرینان تحصیل کرده ایجاد و راه اندازی می‌گردند، پیوند خورده است؛ زیرا انگیزه فرصت در محیطی که چندان رقابتی نیست وجود ندارد. اختلاف کیفیت در شرکت‌های نوپا توسط انگیزه و سطح تحصیلی کارآفرینان، یگانگی محصول یا خدمت، و سطح رقابت، کمی شده است. ارکان مرتبط با این شاخص عبارتند از: "کسب و کار نوپا مبتنی بر فرصت، جذب فناوری، سرمایه انسانی و رقابت".

رکن ۶: کسب و کار نوپا مبتنی بر فرصت.

این رکن، سنجه‌ای از کسب و کارهای نوپایی است که توسط افرادی که یک فرصت آنها را ترغیب کرده، ایجاد شده‌اند. انگیزه یک کارآفرین برای شروع کسب و کار نشانه‌ای از کیفیت است. باور بر این است که کارآفرینانی که به دلیل تشخیص یک فرصت کسب و کاری را ایجاد کرده‌اند (کارآفرین حسب فرصت)، آمادگی بیشتری برای داشتن مهارت‌های عالی و کسب درآمد، نسبت به آنهایی که به دلیل ضرورت و اجبار (بیکاری) روی به کارآفرینی آورده‌اند، دارند. "انگیزه فرصت" با استفاده از سنجه فعالیت کارآفرینی کلی (TEA) در GEM تعریف شده است: درصد کسب و کارهایی که برای بهره‌برداری از یک فرصت خوب، به منظور افزایش درآمد، یا برآورده کردن اهداف شخصی آغاز شده، در مقابل کسب و کارهایی که توسط افرادی شروع شده است که هیچ گزینه دیگری برای کار نداشته‌اند. متغیر نهادی استفاده شده در این رکن، "آزادی کسب و کار"^{۱۶} است، که شاخصی فرعی از شاخص آزادی اقتصادی^{۱۷} می‌باشد. متغیر آزادی اقتصادی کارایی قوانین و مقررات دولتی موثر بر شروع و فعالیت‌های کسب و کار را به نمایش می‌گذارد.

رکن ۷: جذب فناوری.

در اقتصاد دانشی مدرن، اطلاعات و فناوری ارتباطات (ICT) نقشی حیاتی در توسعه اقتصادی بازی می‌کند. تمام بخش‌ها، شانس یکسانی برای بقاء و یا رشد بالقوه کسب و کارها فراهم نمی‌کنند. متغیر "سطح فناوری"، سنجه‌ای از کسب و کارهایی است که در بخش‌های فناوری فعالیت دارند. متغیر نهادی "جذب تکنولوژی"، سنجه ظرفیت یک کشور برای جذب فناوری در سطح بنگاه اقتصادی است که توسط اجلاس جهانی اقتصاد گزارش می‌شود. انتشار فناوری جدید و قابلیت جذب آن، برای شرکت‌های نوآور با قابلیت رشد بالا حیاتی است.

رکن ۸: سرمایه انسانی.

دسترسی به سرمایه انسانی ماهر برای شرکت‌های مخاطره پذیر بسیار نوآور، به شدت حیاتی است. این شرکت‌ها نیاز به نیروی کار با تجربه، تحصیل کرده و سالم برای ادامه رشد دارند. یکی از ویژگی‌های مهم شرکت مخاطره‌پذیر پُررشد، سطح تحصیلات کارآفرینان آنها می‌باشد. متغیر "سطح تحصیلات"، کیفیت کارآفرینان را نشان می‌دهد؛ مشخص شده است که کارآفرینان با سطح تحصیلی بالاتر، قابلیت و توانایی بیشتری برای راه‌اندازی و مدیریت کسب و کارهای پُررشد دارند. کیفیت کارکنان نیز بر توسعه کسب و کار، نوآوری و پتانسیل رشد آن تاثیر دارد. متغیر نهادی "آموزش کارکنان"، میزان سرمایه‌گذاری یک کشور در آموزش‌های ضمن خدمت و ارتقاء کارکنان را نشان می‌دهد. می‌توان انتظار داشت که سرمایه‌گذاری سنگین بر کارکنان سودآور بوده و کیفیت کارکنان را افزایش دهد.

رکن ۹: رقابت.

رقابت، سنجه‌ای از محصول یا یگانگی یک کسب و کار در بازار است که با قدرت بازار کسب و کارهای موجود و گروه‌های کسب و کار آمیخته شده است. متغیر "رقبا" به عنوان درصدی از کسب و کارهای کارآفرینانه (TEA) که تعداد رقبای آنها، که همان محصول و یا

^{۱۶}) Business Freedom

^{۱۷}) Economic Freedom

خدمات را ارائه بدهند اندک است، تعریف شده است. در هر صورت، اگر گروه‌های کسب و کار قدرتمند بر بازار مسلط باشند، ورود به بازار امکان‌پذیر نبوده یا بسیار مشکل خواهد بود. میزان تسلط بر بازار از طریق گروه‌های اندک کسب و کار توسط متغیر "غلبه بازار"، گزارش شده توسط اجلاس جهانی اقتصاد، سنجیده می‌شود.

۱-۴-۳- اشتیاق کارآفرینانه (ASP)

اشتیاق کارآفرینانه به ماهیت متمایز، کیفی و مرتبط با استراتژی فعالیت کارآفرینانه اشاره دارد. منبع انگیزشی قدرتمندی که تفکر، کنش و پایداری در فعالیت‌های کارآفرینانه آدمی را تحریک می‌کند. اشتیاق کارآفرینانه، احساسات مثبت شدیدی است که کاملاً آگاهانه بوده و از طریق مشارکت در فعالیت‌های کارآفرینانه تجربه می‌شود. لذا هیجان افراد می‌تواند رابطه بین اشتیاق کارآفرینانه و بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه را تحت تأثیر قرار داده و تعدیل نماید. شاخص اشتیاق کارآفرینانه نمایشگر تلاش کارآفرینان نوپا برای معرفی کالاها و/یا خدمات جدید، توسعه فرآیندهای جدید تولید، نفوذ به بازارهای خارجی، افزایش قابل توجه تعداد کارکنان شرکت و تامین مالی کسب و کار از طریق سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر رسمی و غیررسمی است، به عبارت دیگر، تلاش برای ایجاد شرکت جدیدی که تولید ثروت کرده و می‌تواند بزرگ شود. ارکان این شاخص عبارتند از: "نوآوری محصول، نوآوری فرایند، رشد بالا، بین‌المللی‌سازی و سرمایه ریسک-پذیر".

رکن ۱۰: نوآوری محصول.

محصولات جدید نقشی حیاتی در اقتصاد کلیه کشورها ایفا می‌نمایند. زمانی کشورهای توسعه‌یافته منبع کالاهای جدید بودند، اما امروزه کشورهای در حال توسعه کالاهایی را تولید می‌کنند که به طور چشمگیری ارزان‌تر از مشابه غربی آن‌ها است. "محصول جدید"، سنج‌های از پتانسیل یک کشور برای تولید محصولات جدید و تطبیق و تقلید از محصولات موجود است. برای کمی کردن پتانسیل تولید محصول جدید، به نظر می‌رسد استفاده از متغیری نهادی مرتبط با انتقال فناوری و نوآوری مناسب باشد. "انتقال فناوری" سنج‌های پیچیده است که میزان تناسب محیط کسب و کار را برای بهره‌گیری از نوآوری برای توسعه محصولات جدید اندازه‌گیری می‌نماید.

رکن ۱۱: نوآوری فرآیند.

بکارگیری و/یا ایجاد فناوری نوین، ویژگی مهم دیگر کسب و کارهایی است که قابلیت رشد سریع دارند. سنج "فناوری جدید" به عنوان درصدی از کسب و کارهایی تعریف شده است که اصول زیر بنایی فناوری آنها کمتر از پنج سال عمر دارد. هرچند، برخی کسب و کارهای کارآفرینانه از فناوری جدید استفاده نمی‌کنند، بلکه آن را ایجاد می‌نمایند. مسئله در اینجا مشابه با متغیر "محصول جدید" است؛ در حالی که بسیاری از کسب و کارهای کشورهای در حال توسعه ممکن است آخرین فناوری را بکار ببرند، تمایل آنها بیشتر به سمت خرید و یا کپی کردن آن است. متغیر نهادی بکار گرفته شده در اینجا تحقیق و توسعه (R&D) است. "هزینه ناخالص تحقیق و توسعه" (GERD)، سهم R&D از GDP را نشان می‌دهد. هرچند R&D به تنهایی رشد موفقیت‌آمیز را تضمین نمی‌کند، واضح است که بدون فعالیت تحقیقاتی نظام‌مند، توسعه و پیاده‌سازی فناوری‌های جدید - و از اینرو رشد سریع آتی - امکان‌پذیر نخواهد بود.

رکن ۱۲: رشد بالا.

رشد بالا، سنج‌های ترکیبی از کسب و کارهای دارای رشد سریع است که قصد دارند طی ۵ سال حداقل ۱۰ نفر را به کار گمارده و بیش از ۵۰ درصد رشد کنند (متغیر "غزال")، و پیچیدگی "استراتژی کسب و کار" است. می‌توان ادعا کرد که نقطه ضعف متغیر "غزال" این است که نرخ رشد در آن واقعی نیست، بلکه مورد انتظار است. با این وجود، سنج رشد مورد انتظار، در واقع برای سنجش اشتیاق، مناسب‌تر از سنج رشد واقعی است. "استراتژی کسب و کار" به توانایی شرکت‌ها برای اتخاذ راهبردهای تمایز اشاره می‌کند که شامل جاگیری متمایز و شیوه‌های نوآورانه تولید و ارائه خدمات است. رکن "رشد بالا"، پتانسیل رشد بالا را با پیچیدگی استراتژی ترکیب می‌کند.

رکن ۱۳: بین‌المللی‌سازی.

بین‌المللی‌سازی یک عامل اصلی و تعیین‌کننده رشد به حساب می‌آید. متغیر استعاره‌ای استفاده شده برای بین‌المللی‌سازی، صادرات است. "صادرات" مستلزم قابلیت‌هایی فراتر از آن چیزی است که توسط کسب و کارهایی که تنها برای بازار داخلی تولید می‌کنند، لازم است.

لیکن، بُعد نهادی نیز اهمیت دارد؛ باز بودن یک کشور برای کارآفرینان بین‌المللی - یعنی پتانسیل "جهانی‌سازی" - می‌تواند به عنوان درجه جهانی‌سازی برآورد شود. رکن بین‌المللی‌سازی برای بدست آوردن میزان بین‌المللی شدن کارآفرینان کشور طراحی شده، که توسط پتانسیل صادرات کسب و کارها و زمینه نهادی آن توسط میزان جهانی شدن اقتصاد کشور (جریان‌های تجاری، جذب سرمایه گذاری خارجی، موانع تعرفه‌ای، درآمد اتباع خارجی، مالیات بر صادرات و ...) سنجیده شده است.

رکن ۱۴: سرمایہ ریسک پذیر.

قابلیت دسترسی به سرمایه ریسک‌پذیر، ترجیحاً به صورت سهام تا وام، پیش‌شرطی لازم برای تحقق اشتیاق کارآفرینانه است که فراتر از منابع مالی شخصی کارآفرینان مستقل است. در این رکن دو نوع سرمایه‌گذاری ترکیب می‌شود: "سرمایه‌گذاری غیررسمی" و "عمق بازار سرمایه"^{۱۸} (DCM). سرمایه‌گذاری غیررسمی به عنوان درصد سرمایه‌گذاران غیررسمی در جمعیت ۶۴-۱۸ ساله تعریف شده است، که در میانگین میزان سرمایه‌گذاری افراد در کسب و کارهای جدید متعلق به سائیرین ضرب شده است. با وجود این که نرخ سرمایه‌گذاری غیررسمی در اقتصادهای نهاده محور بالاست، اما میزان سرمایه‌گذاری غیررسمی در کشورهای کارایی محور و نوآوری محور به طور قابل ملاحظه‌ای بالاتر است. متغیر نهادی مورد استفاده در این رکن DCM است که یکی از شش شاخص فرعی از شاخص "سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر و سهام خصوصی"^{۱۹} است. این متغیر، سنجه‌ای پیچیده متشکل از اندازه و نقدشوندگی بازار سهام، سطح عرضه عمومی، ادغام و خرید (M&A) و فعالیت بازار وام و اعتبار است، که هفت جنبه از بازار سرمایه و وام یک کشور را دربرمی‌گیرد.

جدول ۱-۱- اجزای شاخص جهانی کارآفرینی

شاخص جهانی کارآفرینی (GEI)			
شاخص فرعی گرایش کارآفرینانه		شاخص فرعی توانایی کارآفرینی	
درک فرصت	مهارت کسب و کارهای نوپا	نوآوری محصول	نوآوری فرآیند
پذیرش ریسک	شبکه سازی	کسب و کار نوپا مبتنی بر فرصت	سرمایه انسانی
پشتیبانی فرهنگی	فرصت	جذب فناوری	رقابت
سرمایه ریسک پذیر	بین المللی سازی	رشد بالا در کسب و کارها	فعالیت سرمایه گذاری غیررسمی
			عمیق بازار سرمایه
			جهت گیری صادرات
			شاخص جهانی سازی
			فعالیت کسب و کارهای پرت رشد (غزالها)
			پیچیدگی استراتژی کسب و کارها
			کارآفرینی با فناوری جدید
			GERD
			کارآفرینی با محصول نوآورانه
			انتقال فناوری
			رقابت در بازار
			غلبه بازار
			کسب و کار نوپا توسط دانش اموزستان
			آموزش کارکنان
			فعالیت بخش فناوری
			جذب فناوری
			کسب و کارهای نوپا مبتنی بر فرصت
			آزادی اقتصادی
			باور به مسیر شغلی کارآفرینی
			فساد
			پیوند با کارآفرینان
			کاربری اینترنت
			پذیرش ریسک در سطح فردی
			ریسک کسب و کار
			درک از مهارت
			آموزش عالی
			درک فردی از فرصت
			تراکم بازار

¹⁸) Depth of Capital Market¹⁹) Venture Capital and Private Equity Index

۱-۴-۲- روش شناسی GEI

در طراحی بیشتر سنج‌های ترکیبی که تلاش در سنجش پتانسیل کارآفرینی یا محیط کسب و کار و نظایر آن دارند، علیرغم تاکید بر ماهیت سیستمی کارآفرینی و تعامل بازیگران و نهادها با یکدیگر (عوامل کارآفرینی)، متغیرها خاصیت جانشینی و جبران‌کنندگی دارند. یعنی کمبود یک عامل یا متغیر توسط سایر عوامل قابل جبران است. در روش‌شناسی شاخص جهانی کارآفرینی GEI تلاش شده تا تعامل و اثر متقابل ارکان ۱۴ گانه کارآفرینی بر یکدیگر شبیه‌سازی شود. روش مورد استفاده به نام تاوان گلوگاه^{۲۰} (PFB) شناخته می‌شود که برپایه دو نظریه ضعیف‌ترین پیوند^{۲۱} و نظریه قیود^{۲۲} ساخته شده است. مطابق با نظریه ضعیف‌ترین پیوند، بین عناصر یک سیستم، جانشینی کامل وجود ندارد و تنها جانشینی جزئی امکان‌پذیر است. و مطابق با نظریه قیود، بهبود سیستم تنها از طریق حذف ضعیف‌ترین پیوندی که در برابر عملکرد کلی سیستم مانع ایجاد کرده است، حاصل می‌شود. به عبارتی گلوگاه‌های یک سیستم عملکرد کلی سیستم را تضعیف کرده و کاملاً قابل جبران توسط عملکرد خوب سایر عناصر سیستم نخواهند بود. گلوگاه در شاخص ترکیبی به معنای کمبود یا سطح پایین‌تر یک نمایه در مقایسه با سایر نمایه‌های شاخص است. به عبارتی، عملکرد اکوسیستم کارآفرینی به شدت متأثر از ضعیف‌ترین رکن آن است و اگر ضعیف‌ترین رکن بهبود پیدا کند، شاخص فرعی و شاخص کلی بهبود قابل توجه می‌یابند. مطابق با این روش، هرچه اکوسیستم همگن‌تر باشد (مقدار ارکان نرمال شده، به یکدیگر نزدیک‌تر باشند)، کارایی بالاتری دارد و هرچه ناهمگن‌تر باشد (فاصله بین بهترین رکن و ضعیف‌ترین رکن بیشتر باشد)، اکوسیستم نامتعادل‌تر و ناکاراتر است و به همین دلیل هنگام محاسبه عملکرد (شاخص‌های فرعی و شاخص اصلی)، تاوان بیشتری بر هر رکن اعمال خواهد شد. به بیان دیگر هنگام صورت‌بندی سیاست‌های بهبود سیستم، اگر سیاستگذار به جای بهبود ضعیف‌ترین رکن، تلاش خود را معطوف ارکان قوی‌تر نماید، هزینه‌ها اثربخشی موردانتظار را نخواهند داشت^{۲۳}.

^{۲۰}) Penalty For Bottleneck

^{۲۱}) Theory of the weakest link

^{۲۲}) Theory of Constraints

^{۲۳}) برای درک روش‌شناسی شاخص جهانی کارآفرینی GEI به گزارش ۲۰۱۳ آن مراجعه گردد.

بخش دوم—

عملکرد اکوسیستم کار آفرینی در ایران

و مقایسه آن در سطح جهانی

۲-۱- تحلیل وضع موجود

۲-۱-۱- تصویر کلی وضعیت اکوسیستم کار آفرینی ایران در مقایسه با جهان و منطقه MENA

مطابق با سنجش‌های سالانه‌ای که تاکنون توسط موسسه کارآفرینی و توسعه جهانی صورت گرفته است، اکوسیستم کارآفرینی ایران، نه در جهان و نه در منطقه وضعیت مناسبی ندارد. در آخرین سنجش موسسه کارآفرینی و توسعه جهانی (GEI 2016)، رتبه ایران در میان ۱۳۰ کشور جهان، ۸۰ و در میان ۱۵ کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ۱۴ است (جدول ۲-۱).

جدول ۲-۱- رتبه اکوسیستم کارآفرینی (GEI) کشورها در سال ۲۰۱۶

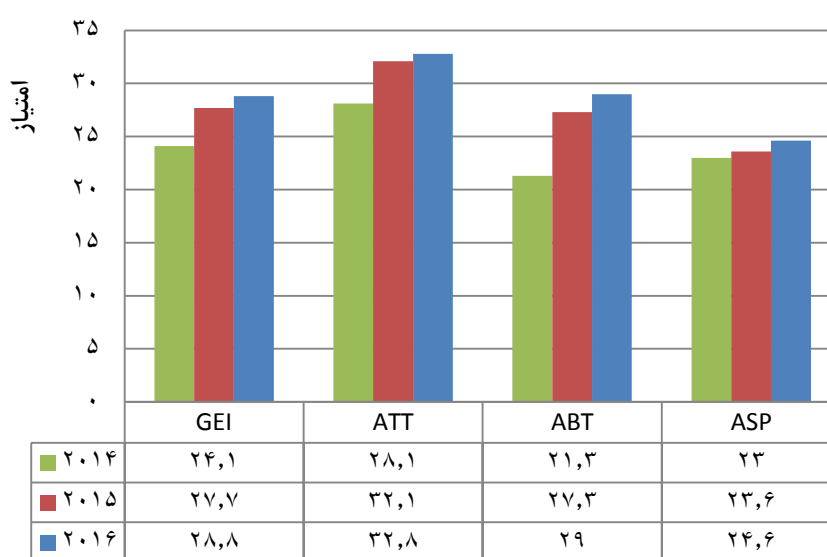
رتبه	کشور	GEI	رتبه	کشور	GEI	رتبه	کشور	GEI
۱	ایالات متحده آمریکا	۸۶,۲	۴۵	یونان	۴۲,۱	۱۹	امارات متحده عربی	۶۱,۴
۲	کانادا	۷۹,۵	۴۶	بلغارستان	۴۱,۶	۲۰	نروژ	۶۱,۱
۳	استرالیا	۷۸,۰	۴۷	اروگونه	۴۱,۳	۲۱	فلسطین اشغالی	۵۷,۴
۴	دانمارک	۷۶,۰	۴۸	ایتالیا	۴۱,۱	۲۲	استونی	۵۷,۳
5	سوئد	۷۵,۹	۴۹	قبرس	۴۱,۰	۲۳	لوکزامبورگ	۵۷,۲
۶	تایوان	۶۹,۷	۵۰	کرواسی	۳۹,۹	۲۴	قطر	۵۶,۷
۷	ایسلند	۶۸,۹	۵۱	لبنان	۳۹,۹	۲۵	لیتوانی	۵۴,۸
۸	سوئیس	۶۷,۸	۵۲	آفریقای جنوبی	۳۸,۵	۲۶	لتونی	۵۳,۵
۹	انگلستان	۶۷,۷	۵۳	باربادوس	۳۸,۵	۲۷	کره	۵۳,۴
۱۰	فرانسه	۶۶,۴	۵۴	مونتنگرو	۳۷,۵	۲۸	ترکیه	۵۲,۷
۱۱	سنگاپور	۶۶,۰	۵۵	برونئی دارالسلام	۳۷,۳	۲۹	بحرین	۵۲,۴
۱۲	ایرلند	۶۵,۶	۵۶	مالزی	۳۷,۰	۳۰	زاین	۵۰,۶
۱۳	هلند	۶۵,۴	۵۷	مقدونیه	۳۶,۶	۳۱	اسلوانی	۵۰,۴
۱۴	آلمان	۶۴,۶	۵۸	کاستاریکا	۳۶,۲	۳۲	اسپانیا	۵۰,۲
۱۵	اتریش	۶۲,۹	۵۹	قزاقستان	۳۵,۴	۳۳	پرتغال	50.0
۱۶	بلژیک	۶۲,۱	۶۰	چین	۳۴,۹	۳۴	لهستان	۴۹,۳
۱۷	شیلی	۶۲,۱	۶۱	آرژانتین	۳۴,۸	۳۵	پورتوریکو	۴۸,۱
۱۸	فنلاند	۶۱,۸	۶۲	تونس	۳۴,۴	۳۶	عربستان سعودی	۴۷,۸
۱۹	امارات متحده عربی	۶۱,۴	۶۳	اردن	۳۳,۵	۳۷	اسلواکی	۴۶,۴
۲۰	نروژ	۶۱,۱	۶۴	اوکراین	۳۳,۵	۳۸	عمان	۴۵,۹
۲۱	فلسطین اشغالی	۵۷,۴	۶۵	تایلند	۳۳,۴	۳۹	کویت	۴۵,۶
۲۲	استونی	۵۷,۳	۶۶	بوتسوانا	۳۳,۱	۴۰	هنگ کنگ	۴۵,۴
۲۳	لوکزامبورگ	۵۷,۲	۶۷	پاناما	۳۲,۴	۴۱	مجارستان	۴۵,۱
۲۴	قطر	۵۶,۷	۶۸	روسیه	۳۲,۲	۴۲	رومانی	۴۴,۹
۲۵	لیتوانی	۵۴,۸	۶۹	بولیوی	۳۲,۱	۴۳	کلمبیا	۴۴,۸
۲۶	لتونی	۵۳,۵	۷۰	پرو	۳۲,۰	۴۴	جمهوری چک	۴۴,۲
۲۷	کره	۵۳,۴	۷۱	جمهوری دومینیکن	۳۱,۷	۸۰	ایران	۲۸,۸
۲۸	ترکیه	۵۲,۷	۷۲	مولداوی	۳۱,۳	۸۱	گرجستان	۲۸,۷
۲۹	بحرین	۵۲,۴	۷۳	نامیبیا	۳۱,۳	۸۲	بوسنی و هرزگوین	۲۸,۶
۳۰	زاین	۵۰,۶	۷۴	صربستان	۳۰,۹	۸۳	ترینیداد & توباگو	۲۸,۲
۳۱	اسلوانی	۵۰,۴	۷۵	الجزایر	۳۰,۵	۸۴	ویتنام	۲۸,۲
۳۲	اسپانیا	۵۰,۲	۷۶	آلبانی	۳۰,۰	۸۵	نیجریه	۲۸,۱
۳۳	پرتغال	50.0	۷۷	بلیز	۲۹,۸	۸۶	گابن	۲۷,۸
۳۴	لهستان	۴۹,۳	۷۸	مراکش	۲۹,۵	۸۷	مکزیک	۲۷,۶
۳۵	پورتوریکو	۴۸,۱	۷۹	لیبی	۲۸,۹	۸۸	اکوادور	۲۷,۴
۳۶	عربستان سعودی	۴۷,۸						
۳۷	اسلواکی	۴۶,۴						
۳۸	عمان	۴۵,۹						
۳۹	کویت	۴۵,۶						
۴۰	هنگ کنگ	۴۵,۴						
۴۱	مجارستان	۴۵,۱						
۴۲	رومانی	۴۴,۹						
۴۳	کلمبیا	۴۴,۸						
۴۴	جمهوری چک	۴۴,۲						
۸۹	جامائیکا	۲۷,۳						
۹۰	مصر	۲۷,۳						
۹۱	فیلیپین	۲۷,۰						
۹۲	برزیل	۲۶,۱						
۹۳	پاراگوئه	۲۶,۰						
۹۴	لانوس	۲۵,۹						
۹۵	سوازیلند	۲۵,۸						
۹۶	السالوادور	۲۵,۶						
۹۷	سری لانکا	۲۵,۵						
۹۸	هند	۲۴,۹						
۹۹	غنا	۲۴,۵						
۱۰۰	ونزوئلا	۲۴,۱						
۱۰۱	کامبوج	۲۳,۰						
۱۰۲	اندونزی	۲۲,۸						
۱۰۳	زامبیا	۲۲,۸						
۱۰۴	کتیا	۲۲,۱						
۱۰۵	هندوراس	۲۱,۹						
۱۰۶	سنگال	۲۱,۷						
۱۰۷	گوآتمالا	۲۱,۱						
۱۰۸	پاکستان	۱۹,۸						
۱۰۹	گویان	۱۹,۸						
۱۱۰	نیکاراگوئه	۱۹,۴						
۱۱۱	سورینام	۱۹,۳						
۱۱۲	آنگولا	۱۸,۶						
۱۱۳	رواندا	۱۸,۳						
۱۱۴	اتیوپی	۱۷,۶						
۱۱۵	کامرون	۱۷,۶						
۱۱۶	موزامبیک	۱۷,۶						
۱۱۷	میانمار	۱۷,۵						
۱۱۸	گامبیا	۱۷,۴						
۱۱۹	لیبریا	۱۷,۳						
۱۲۰	ساحل عاج	۱۷,۰						
۱۲۱	تانزانیا	۱۶,۸						
۱۲۲	مالی	۱۶,۶						
۱۲۳	اوگاندا	۱۵,۸						
۱۲۴	بنین	۱۵,۸						
۱۲۵	بنگلادش	۱۵,۲						
۱۲۶	بورکینافاسو	۱۵,۱						
۱۲۷	ماداگاسکار	۱۴,۶						
۱۲۸	سیرالئون	۱۴,۳						
۱۲۹	موریتانی	۱۳,۲						
۱۳۰	مالاوی	۱۲,۴						
۱۳۱	بوروندی	۱۱,۹						
۱۳۲	چاد	۹,۹						

جدول ۲-۲، امتیاز شاخص جهانی، شاخص‌های فرعی و همچنین رتبه ایران را در مقایسه با جهان و منطقه طی سه سال اخیر نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود علیرغم بهبود نسبی امتیازها، کماکان تا وضعیت مناسب فاصله زیادی وجود دارد. در واقع مطابق با گزارش ۲۰۰۶، تنها کشور منطقه که شاخصی ضعیف‌تر از ایران از خود نشان داده، مصر می‌باشد. کشوری که از نظر سیاسی، امنیتی و اقتصادی درگیر مسایل و بحران‌های اساسی است.

جدول ۲-۲ - امتیاز و رتبه ایران در شاخص جهانی کارآفرینی ۲۰۱۴-۲۰۱۶

ردیف	سال	GEI	ATT	ABT	ASP	رتبه منطقه‌ای	رتبه جهانی
۱	۲۰۱۶	۲۸,۸	۳۲,۸	۲۹	۲۴,۶	۱۴	۸۰
۲	۲۰۱۵	۲۷,۷	۳۲,۱	۲۷,۳	۲۳,۶	۱۵	۹۴
۳	۲۰۱۴	۲۴,۳	۲۸,۱	۲۱,۳	۲۳	۱۵	۹۹

در شکل ۱-۲، جدول ۲-۲ را به منظور درک بهتر تغییرات اکوسیستم کارآفرینی کشور به تصویر کشیده‌ایم. همانطور که ملاحظه می‌شود بهبود اکوسیستم بیشتر مدیون بهبود در شاخص فرعی توانایی کارآفرینانه بوده و شاخص فرعی اشتیاق کارآفرینانه تقریباً تغییر نکرده است. اشتیاق کارآفرینانه جنبه کیفی بنگاهها از جمله نوآوری و ورود به بازارهای جهانی را نشان می‌دهد که انتظار می‌رود با توجه ویژه دولت به حمایت از شرکتهای دانش بنیان رشد مطلوبتری داشته باشد، اما این حمایتها هنوز نتوانسته است تاثیر خود را بر اکوسیستم کارآفرینی کشور نشان دهد.



شکل ۱-۲ - روند تغییرات در شاخص کلی و شاخصهای فرعی کارآفرینی ایران

(برپایه داده های GEI 2014-2016)

لازم به ذکر است ترکیب شاخصهای فرعی و ارکان ۱۴ گانه کارآفرینی، متناسب با مرحله توسعه یافتگی کشورها، متفاوت است. جدول ۳-۲ مرحله توسعه یافتگی کشورهای منطقه را که در گزارش شاخص جهانی کارآفرینی حضور دارند نشان می‌دهد. ایران و برخی دیگر از کشورهای تولیدکننده نفت و گاز نظیر عربستان و کویت دارای اقتصادهای نهاده محور هستند. شاکله اصلی این دسته از اقتصادها کارآفرینی غیر مولد و بکارگیری منابع خدادادی شان که عمدتاً نیروی کار غیر ماهر و منابع طبیعی است، می‌باشد. بیشتر کسب و کارها

خرد و خوداشتغالی است و نوآوری به ندرت در کسب و کارها رخ می دهد و هر چند تعداد کسب و کارهای جدید و کوچک بالا است اما کیفیت لازم برای نقش آفرینی در توسعه اقتصادی را ندارند.^{۲۴} به عبارتی فعالیتهای کارآفرینانه اندک هستند. توسعه کارآفرینی مولد در این دسته از اقتصادها عموماً به عملکرد مناسب نهادی، زیرساختهای توسعه یافته و نیروی کار دانشی و ماهر بستگی دارد. همین طور که نهادها قوی تر شوند، فعالیتهای مخرب و غیر مولد کاهش یافته و فعالیتهای کارآفرینانه بیشتری به سمت کارآفرینی مولد تغییرجهت می دهند و از اینرو توسعه اقتصادی تقویت می شود. در واقع گذار این اقتصادها به مرحله بعدی تنها با ایجاد نهادهای بهتر و تغییر ساختار انگیزشی جامعه ممکن است اتفاق افتد، که تمام اینها نیازمند دولت و حکمرانی خوب است. با توجه به ویژگیهای ذکر شده انتظار می رود که با توجه به میزان بالای فعالیتهای خوداشتغالی و کسب و کارهای خرد در کشورهای نهاده محور امتیاز شاخص فرعی گرایش کارآفرینانه بالاتر از دو شاخص فرعی دیگر بوده و شاخص اشتیاق کارآفرینانه به دلیل غیرکیفی بودن فعالیتها و میزان پایین نوآوری در این کشورها اندک باشد. این الگو در ایران مشهود است.

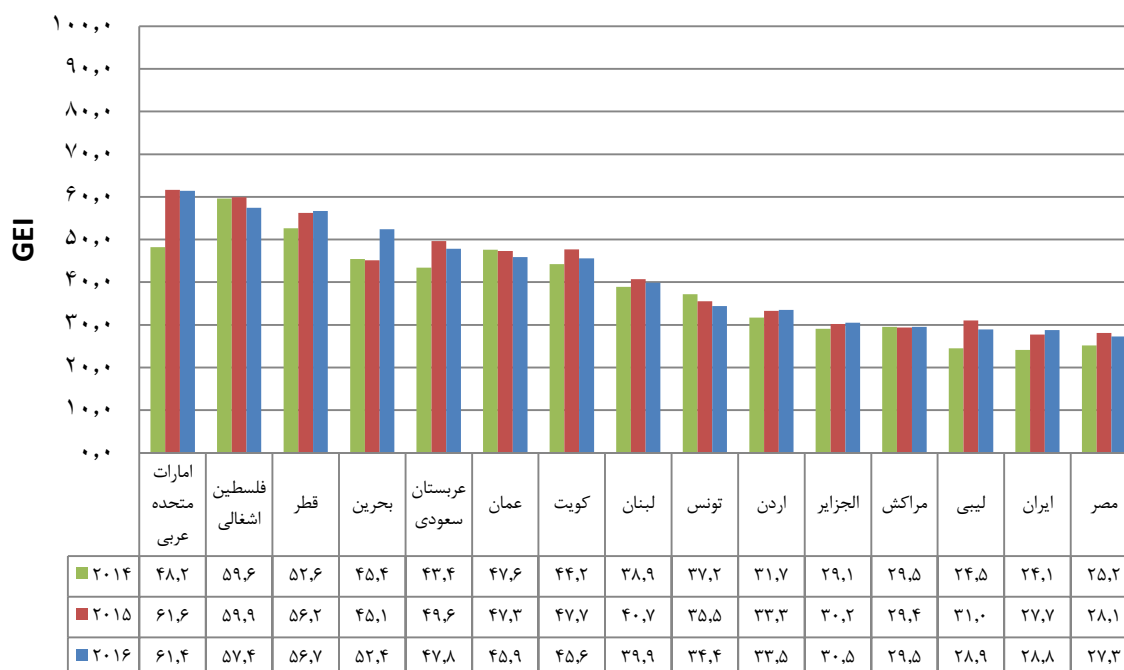
همچنانکه جدول ۲-۳ نشان می دهد در میان کشورهای حاشیه خلیج فارس- که دارای درآمدهای نفتی و گازی بالا هستند- تنها قطر از مرحله توسعه مبتنی بر کارایی گذشته و وارد مرحله توسعه مبتنی بر نوآوری شده است.

جدول ۲-۳- مرحله توسعه کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا MENA

نهاده محور	کارایی محور	نوآوری محور
ایران	بحرین	فلسطین اشغالی
لیبی	مصر	قطر
الجزیره	اردن	
کویت	لبنان	
عربستان سعودی	مراکش	
	عمان	
	تونس	
	امارات متحده عربی	

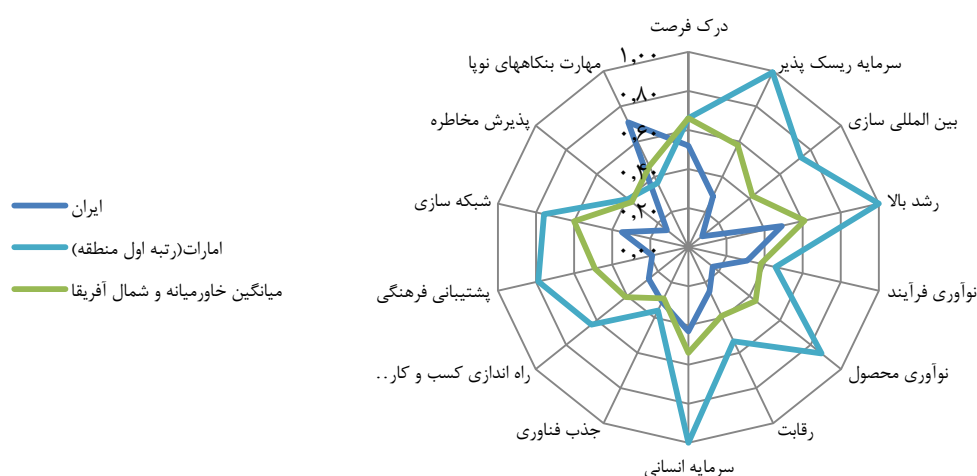
روند تغییرات شاخص کارآفرینی کشورهای منطقه طی سالهای ۲۰۱۴-۲۰۱۶ در شکل ۲-۲ به تصویر کشیده شده است. همانطور که مشاهده می شود امارات متحده عربی و بحرین از گروه کشورهای کارآیی محور پیشرفت قابل ملاحظه ای از خود نشان داده اند. در حالی که شاخص کارآفرینی بیشتر کشورهای منطقه کم و بیش بهبود داشته است، رژیم اشغالگر قدس، عمان و تونس تا حدودی افول کرده اند.

^{۲۴}) Porter, M., J. Sachs and J. McArthur, (2002), Executive summary: Competitiveness and stages of economic development, in M. Porter, J. Sachs, P. K. Cornelius, J. McArthur, and K. Schwab (eds.), The Global Competitiveness Report 2001-2002, New York:Oxford University Press, 16-25.



شکل ۲-۲- روند تغییرات شاخص کارآفرینی کشورهای منطقه MENA
(برپایه داده های 2014-2016 GEI)

همانطور که پیشتر اشاره شد، اجماعی گسترده وجود دارد که کارآفرینی پدیده‌ای سیستمی است که بروز آن مستلزم وجود و هماهنگی بازیگران و نهادهای مناسب برای فعالیت کارآفرینانه است. از این رو بجز امتیاز کلی اکوسیستم لازم است تا اجزاء و ارکان آن نیز مورد بررسی و مقایسه قرار گیرند. شکل ۲-۳ پروفایل ارکان مختلف اکوسیستم ایران (۲۰۱۶) را در مقایسه با میانگین و بهترین عملکرد منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌شود ایران تنها در رکن مهارت کسب و کارهای نوپا عملکردی بهتر از متوسط منطقه نشان داده است. این رکن متشکل از متغیر فردی "درک از داشتن مهارت لازم برای ایجاد یک کسب و کار" و متغیر نهادی "ثبت نام در آموزش عالی" است. در رکن جذب فناوری نیز نزدیک به میانگین منطقه است اما در سایر ارکان، عملکرد ایران بسیار ضعیف است.



شکل ۲-۳- مقایسه اکوسیستم کارآفرینی ایران با عملکرد میانگین و برتر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

علاوه بر آن، در رویکرد اکوسیستمی فرض بر آن است که عوامل و بازیگران اکوسیستم بر یکدیگر تاثیر گذارند، لذا ضعف در یک یا چند عامل، سایر تلاش‌ها را نیز تضعیف می‌کند. این در حالی است که پروفایل ارکان اکوسیستم کارآفرینی کشور گلوگاه‌های متعددی را نشان می‌دهد (شکل ۲-۳). بدیهی است اتخاذ سیاست‌های مناسب برای بهبود کارآفرینی در کشور نیازمند درک گلوگاه‌ها و تلاش‌های ویژه برای رفع آنها است. برای اینکار، بررسی جایگاه ایران در هر یک از ارکان کارآفرینی در مقایسه با سایر کشورها می‌تواند درک بهتری از نقاط قوت و ضعف اکوسیستم به دست دهد. در جدول ۲-۴ تلاش شده تا با نشان دادن جایگاه هر متغیر (در سطوح فردی و نهادی) در هر یک از سه‌آک‌های پایین، میانی و بالایی امتیازها، تصویری کلی از متغیرهای بحرانی (زمینه قرمز)، متغیرهای دارای عملکرد مناسب (زمینه سبز) و متغیرهایی که نیاز به بهبود دارند (زمینه زرد) منعکس شود.

همانطور که در جدول ۲-۴ مشاهده می‌شود بجز مهارت کسب و کارهای نوپا (به دلیل بالا بودن عملکرد متغیر نهادی) سایر ارکان موثر بر کارآفرینی کشور در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برند. به روایت گزارش GEI، در فاصله سالهای ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶، ایران تنها در متغیر نهادی "کاربری اینترنت" توانسته توفیق خروج از حالت بحرانی را داشته باشد که البته این متغیر نیز هنوز به سطح عملکردی مناسب نرسیده و نیاز به بهبود دارد. علاوه بر آن فاصله بسیار زیادی که بین عملکرد ارکان مختلف اکوسیستم کارآفرینی ایران وجود دارد، موجب عدم امکان استفاده بهینه از نقاط قوت موجود نیز می‌شود. در صورتی که عزم کشور در رسیدن به اهداف اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز مبنی بر کسب رتبه اول منطقه، اقتصاد دانش بنیان (مبتنی بر نوآوری و دانش) و مقاومتی (دارای انعطاف لازم در مواجهه با تغییرات) جدی باشد، شکی نیست که جهت‌گیری به سمت بهبود اکوسیستم کارآفرینی برای دستیابی به هدف یاد شده از ضروریات بوده و باید در اولویت سیاست‌های کشور قرار گیرد. باید توجه داشت که هر چند دولت بویژه در بهبود عوامل نهادی بسیار تاثیرگذار است، اما تنها یکی از بازیگران اکوسیستم بوده و بهینه سازی عملکرد اکوسیستم نیازمند مشارکت و همراهی سایر بازیگران، بویژه بخش خصوصی است.

جدول ۲-۴ - سطح عملکرد ارکان کارآفرینی ایران (۲۰۱۶ GEI)

ارکان شاخص جهانی کارآفرینی		متغیرهای فردی		متغیرهای نهادی	
درک فرصت	۰,۵۲	درک فردی از فرصت	۰,۵۳	تراکم بازار	۰,۷۷
مهارت کسب و کارهای نوپا	۰,۷۱	درک از مهارت	۰,۷۴	آموزش عالی	۰,۷۲
پذیرش ریسک	۰,۱۴	پذیرش ریسک در سطح فردی	۰,۶۱	ریسک کسب و کار	۰,۲۳
شبکه سازی	۰,۳۵	پیوند با کارآفرینان	۰,۶	کاربری اینترنت	۰,۵۲
پشتیبانی فرهنگی	۰,۱۹	باور به مسیر شغلی کارآفرینی	۰,۶۳	فساد	۰,۳۹
گرایش کارآفرینانه	۳۲,۸۳				
راه اندازی کسب و کار مبتنی بر فرصت	۰,۳۶	کسب و کارهای نوپا مبتنی بر فرصت	۰,۳۸	آزادی اقتصادی	۰,۵۰
جذب فناوری	۰,۳۱	فعالیت بخش فناوری	۰,۵۰	جذب فناوری	۰,۳۵
سرمایه انسانی	۰,۴۳	راه اندازی کسب و کار نوپا توسط دانش‌آموختگان	۰,۷۴	آموزش کارکنان	۰,۳۹
رقابت	۰,۳۵	رقبا	۰,۳۸	غلبه بازار	۰,۶۱
توانایی کارآفرینانه	۲۸,۹۷				
نوآوری محصول	۰,۱۶	محصول نوآورانه	۰,۳۴	انتقال فناوری	۰,۵۵
نوآوری فرایند	۰,۳۱	کارآفرینی با فناوری جدید	۰,۳۶	هزینه ناخالص داخلی تحقیق و توسعه (GERD)	۰,۶۳
رشد بالا	۰,۴۹	فعالیت کسب و کارهای پررشد (غزالها)	۰,۷۲	پیچیدگی استراتژی کسب و کارها	۰,۴۵
بین المللی سازی	۰,۰۹	جهت گیری صادرات	۰,۲۳	جهانی سازی	۰,۲۸
سرمایه ریسک پذیر	۰,۳۹	فعالیت سرمایه گذاری غیررسمی	۰,۶۰	عمق بازار سرمایه	۰,۳۱
اشتیاق کارآفرینانه	۲۴,۶۳				
امتیاز کلی GEI	۲۸,۸۱	امتیاز فردی	۰,۵۲	امتیاز نهادی	۰,۴۷
				مناسب (جزو سه‌آک بالا)	
				نیازمند بهبود (جزو سه‌آک میانی)	
				بحرانی (جزو سه‌آک پایین)	

در ادامه این بخش ضمن بررسی شاخص‌های فرعی و ارکان ۱۴ گانه و مقایسه آن با کشورهای منطقه فهرستی از نهادهای موثر بر هر رکن، شامل مهمترین سازمان‌ها و قوانین ذیربط نیز به منظور شناخت بیشتر محیط نهادی ارائه می‌شود. بدیهی است فهرست یاد شده، تنها رویه سطحی و ظاهری نهادی موثر بر ارکان کارآفرینی را نشان می‌دهد زیرا هر رکن از عملکرد سایر ارکان نیز تاثیرپذیری دارد.

۲-۱-۲- شاخص فرعی گرایش کارآفرینانه

گرایش کارآفرینانه در ایران عملکردی قویتر از شاخصهای فرعی دیگر (توانایی و اشتیاق) نشان داده و روندی رو به رشد داشته است (شکل ۲-۱). برای آن که بتوانیم درکی بهتر از کیفیت تغییرات گرایش کارآفرینی ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه داشته باشیم، در شکل ۲-۴ تغییرات گرایش کارآفرینانه کشورها طی دوره ۳ ساله اخیر نشان داده شده است. مشاهده می‌شود که گرایش کارآفرینی در ایران هرچند بهتر از سایر شاخصهای فرعی است اما در مقایسه با سایر کشورهای منطقه MENA پایین است. در واقع تنها کشور لیبی گرایش کارآفرینانه ضعیف‌تری نسبت به ایران نشان داده است. از آن گذشته، روند بهبود این شاخص فرعی نیز در مقایسه با برخی کشورهای منطقه از جمله عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین کندتر بوده است. بالاترین امتیاز گرایش کارآفرینی در منطقه متعلق به امارات به میزان ۵۵٫۵ است که نشان می‌دهد گرایش کارآفرینی در منطقه MENA بالا نیست و کشورهای منطقه باید برای بهبود گرایش تلاش بیشتری کنند. نفت خیز بودن منطقه و تکیه اقتصاد بر این ثروت خدادادی در کنار توجه دولتها به پیاده‌سازی سیاستهای توزیعی و گسترده‌ی رفتارهای رانت جویانه، میتواند دلیلی برای کمبود گرایش کارآفرینی در منطقه خاورمیانه باشد.

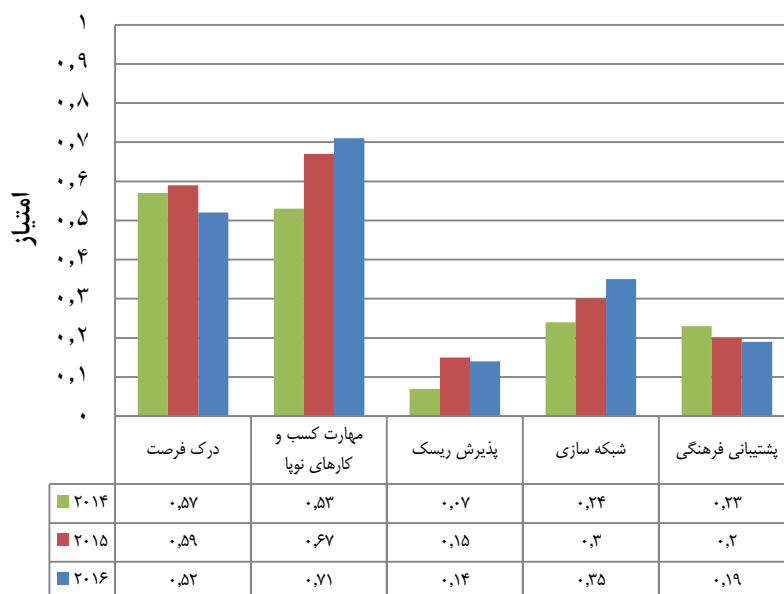


شکل ۲-۴- روند تغییرات گرایش کارآفرینانه در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

(برپایه داده های GEI 2014-2016)

گرایش کارآفرینانه شامل ارکان "درک فرصت"، "مهارت کسب و کارهای نوپا"، "پذیرش ریسک"، "شبکه سازی" و "پشتیبانی فرهنگی" است. در واقع این شاخص اشاره به ظرفیت کشور در بعد آماده سازی افراد برای کارآفرینی دارد. بدون وجود گرایش کارآفرینانه در جامعه، جوانان به کارآفرینی روی نخواهند آورد و به دنبال استخدام و مزدبگیری خواهند بود. شکل ۲-۵ نشان می‌دهد که بهبود گرایش

کارآفرینی طی سه سال اخیر در ایران بواسطه بهبود در مهارت کسب و کارهای نوپا و شبکه‌سازی و تا حدودی پذیرش ریسک صورت گرفته است. هرچند درک فرصت و پشتیبانی فرهنگی از کارآفرینی روند کاهشی داشته است. این امر شاید بواسطه مشکلات اقتصادی که کشور طی سالهای ۹۰ تا ۹۲ با آن مواجه بوده است دور از انتظار نباشد. در هر صورت عدم توازن بین ارکان تشکیل‌دهنده گرایش کارآفرینی بوضوح دیده می‌شود. در حالی که مهارت کسب و کارهای نوپا رشد قابل توجهی نشان داده است، ریسک‌پذیری و پشتیبانی فرهنگی از کارآفرینی در ایران بسیار پایین بوده و این امر بالتبع می‌تواند مانع بزرگی برای بالفعل شدن مهارت ایجاد کسب و کار و فعالیتهای کارآفرینانه (صرفنظر از کیفیت آنها) باشد.



شکل ۲-۵- روند تغییرات ارکان گرایش کارآفرینی ایران

(برپایه GEI 2014-2016- داده های ایران مربوط به سالهای ۹۳-۹۱ است.)

۲-۱-۲-۱-۲- درک فرصت

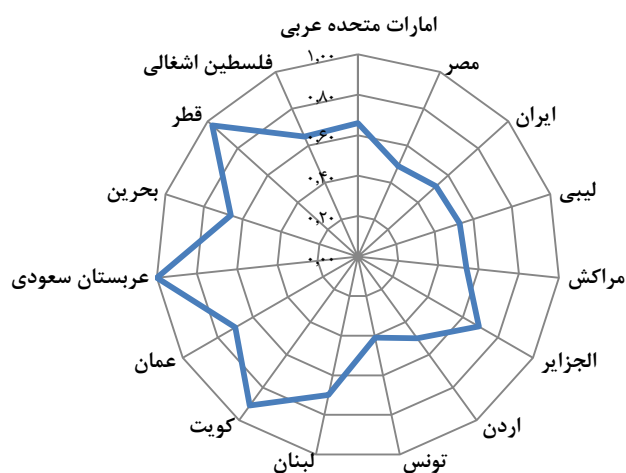
این رکن شامل متغیر "درک فردی فرصت" و متغیر نهادی "تراکم بازار" می‌باشد و در واقع قصد دارد قوه درک افراد جامعه را در تشخیص فرصت‌های خوب برای شروع یک کسب و کار در محدوده محل زندگی‌شان نشان دهد. از آنجا که اندازه بازار و سطح شهرنشینی در درک فرصت بسیار موثر است، حاصلضرب این دو تحت نام تراکم بازار داخلی به عنوان متغیر نهادی در این رکن وارد شده است. قابلیت درک فرصت توسط افراد یک جامعه، عامل سازنده برای کسب و کارهای نوپا و بروز رفتارهای کارآفرینانه است.

"درک فرصت" در ایران طی سالهای اخیر فراز و نشیب اندکی داشته است (شکل ۲-۵) و در مقایسه با کشورهای منطقه MENA نامطلوب است (شکل ۲-۶). در واقع درک فرصت در ایران در میان ۱۵ کشور منطقه، با فاصله کمی از تونس، مصر و اردن، مقام ۱۱ منطقه را دارا است. هر چند نمی‌توان رکن درک فرصت را به عنوان گلوگاه اکوسیستم ایران دانست اما در میان متغیرهای تشکیل دهنده آن، متغیر فردی در وضعیت مطلوبی نبوده و لازم است مورد توجه جدی قرار گیرد. به بیان دیگر از آنجا که بازار داخلی کشور بازاری بزرگ محسوب شده و میزان شهرنشینی (تنوع تقاضا) نیز در ایران تقریباً بالا است، فرصت زیادی برای کارآفرینی در کشور وجود دارد اما افراد جامعه در درک فرصتها ضعیف بوده و به اندازه کافی قادر به تشخیص و استفاده از آنها نیستند.

مطابق با جدول ۲-۴، متغیر فردی درک فرصت یکی از گلوگاه‌های اکوسیستم کارآفرینی ایران است. امتیاز این متغیر فردی (۰.۵۳) در مقایسه با کشورهای MENA بسیار نامطلوب بوده (شکل ۲-۶) و رتبه ۱۴ را دارا است. عربستان در این رکن امتیاز کامل را دارد. در اینجا دو فرض وجود دارد: اول آنکه جمعیت فعال کشور توان پایی در تشخیص فرصت‌های مناسب کسب و کار دارند، که در این صورت برای بهبود آن لازم است از اصلاح و توسعه سیاستهای آموزشی بهره گرفت و فرض دوم آنکه اساساً فرصت‌های مناسب برای راه‌اندازی کسب و کار وجود ندارد و این عدم شناخت جامعه ناشی از عدم وجود فرصت است. از آنجا که فرصت‌های کارآفرینی اصولاً فرصتهای ناشی از بازار

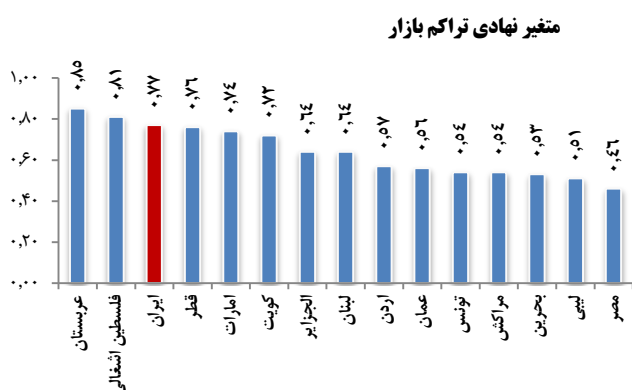
، تغییرات فناوری یا تغییرات نهادی است، با توجه به این امر که تراکم بازار داخلی (کن متغیر نهادی) نسبتاً مطلوب است (جدول ۲-۴ و شکل ۲-۷)، نمی‌توان عدم وجود فرصت‌های ناشی از بازار را پذیرفت. اما از آنجا که متغیرهای نهادی مرتبط با تغییرات فناوری (جذب فناوری و بین‌المللی سازی) نامطلوب هستند، کارآفرینان بالقوه کمتر قادرند از فرصت‌های ناشی از تغییرات فناوری استفاده نمایند. لذا نمی‌توان فرض دوم را کاملاً رد کرد و انتظار می‌رود با بهبود ارکان مرتبط با جذب فناوری و حضور کارآفرینان در بازارهای بین‌المللی، این رکن نیز بهبود یابد.

البته توسعه نامتوازن ایران^{۲۵} و تمرکز امکانات در مراکز استان‌ها و نیز عدم توسعه روستاها علیرغم مزیت‌های قابل توجه، در وضعیت نامناسب متغیر فردی تشخیص فرصت بی‌تاثیر نمی‌باشد.

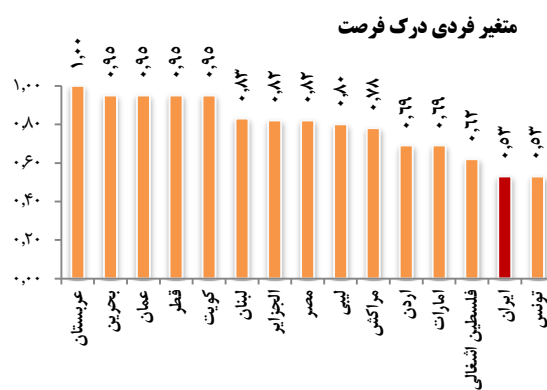


شکل ۲-۶- مقایسه درک فرصت در ایران با کشورهای MENA

(برپایه داده‌های GEI 2016)



متغیر نهادی تراکم بازار



متغیر فردی درک فرصت

شکل ۲-۷- مقایسه متغیرهای فردی و نهادی رکن درک فرصت در ایران با کشورهای MENA

(برپایه داده‌های GEI 2016)

^{۲۵} - مطابق گزارش مجمع جهانی اقتصاد سال ۲۰۱۴-۲۰۱۳، ایران در شاخص خوشه بندی نواحی مختلف از منظر توسعه - که به تمرکز امکانات در کشورها می‌پردازد، جایگاه ۹۵ جهان را به خود اختصاص داده است.

علاوه بر اندازه بازار و میزان شهرنشینی، نهادهای نرم و سخت بسیاری بر ادراک از فرصت توسط افراد موثرند. مثالهایی از قوانین و سازمانهای موثر بر این رکن، در ذیل فهرست شده‌اند.

قوانین ذیربط

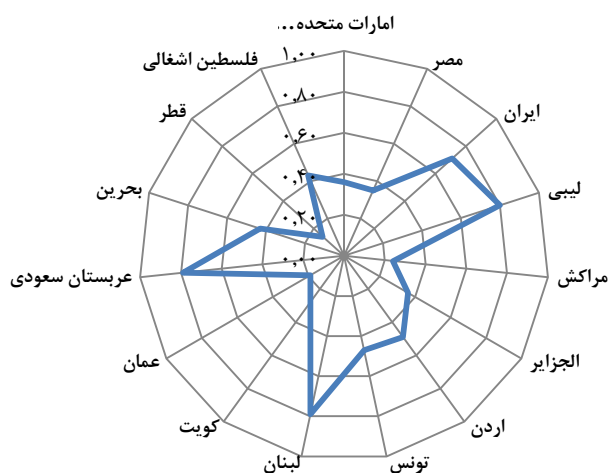
مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با تولید و سرمایه گذاری، تجارت شامل: قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه - قوانین بودجه - قانون تجمیع عوارض - قانون تجارت - قانون تجارت الکترونیک - قانون بخش تعاون - قوانین پولی و بانکی - قوانین مرتبط با بازار سرمایه - قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار - قوانین امور گمرکی - مجموعه قوانین مالیاتی - قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور - قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی - قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی - قانون نظام صنفی و اصلاحات بعدی - قانون تاسیس صندوق های مالی و سرمایه گذاری - قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات - قانون حمایت از شرکتها و مؤسسات دانش بنیان و تجاری سازی نوآوری ها و اختراعات - قانون اجرایی سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مجموعه قوانین مرتبط با مناطق ویژه و آزاد اقتصادی و ...

سازمان های ذیربط

وزارت امور اقتصادی و دارایی - وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان های وابسته - وزارت نیرو و سازمان ها و شرکت های تابعه - وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی - وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات - وزارت نفت - وزارت راه و شهرسازی - وزارت علوم تحقیقات و فناوری - وزارت آموزش و پرورش - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - وزارت جهاد کشاورزی - بانک مرکزی - شهرداری ها - اتحادیه های صنفی - اتاق های ایران - سازمان های مناطق ویژه و آزاد اقتصادی - سازمان های نظام صنفی - انجمن ها و تشکل های صنفی - سازمان های مردم نهاد

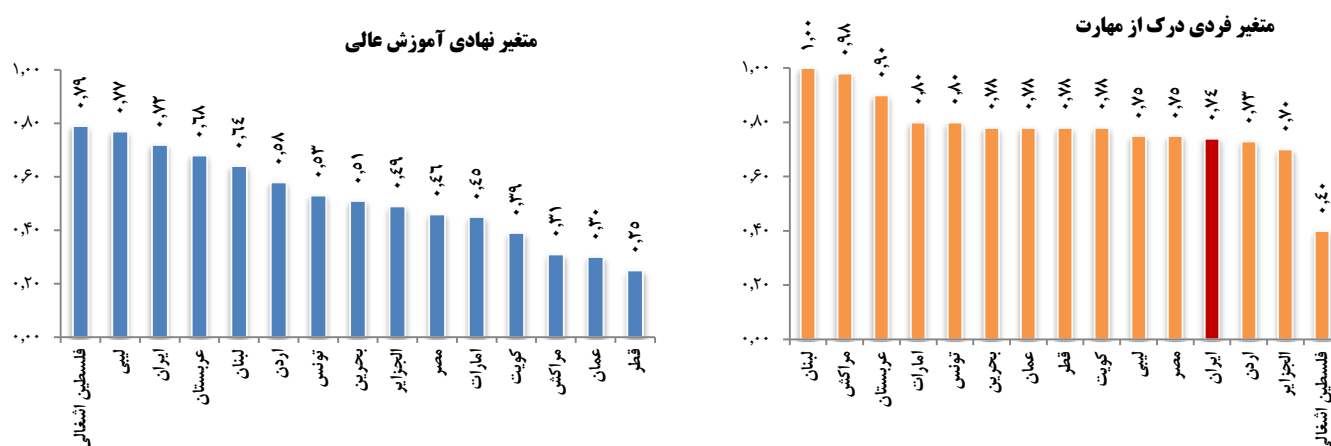
۲-۲-۱-۲- مهارت کسب و کارهای نوپا

این رکن به عنوان یکی از ورودی های پراهمیت و انگیزه بخش فرآیند کارآفرینی، شامل متغیر فردی "درک از مهارت" و متغیر نهادی "آموزش عالی" است و درصد جمعیتی را می‌سنجد که احساس می‌کنند از دانش و مهارت لازم برای راه اندازی یک کسب و کار جدید برخوردارند و در کنار آن به جمعیت دارای تحصیلات عالی کشورها به عنوان وجود بازار کار متخصص و ماهر در آن کشورها توجه دارد. عملکرد کلی کشور در این رکن مناسب است و طی سه سال اخیر نیز رشد قابل توجهی داشته است (شکل ۲-۵). با این وجود علیرغم وجود ظرفیت قابل ملاحظه ثبت نام در آموزش عالی، متغیر نهادی این رکن در مقایسه با سایر کشورها همچنان نیازمند بهبود است، زیرا در مقایسه با کشورهای جهان در سه آک میانی قرار دارد (جدول ۲-۴). این در حالی است که این رکن یکی از گلوگاه های اکوسیستم کشور امارات متحده عربی (رتبه اول منطقه) است. در شکل ۲-۹ مقایسه ای از هر دو متغیر فردی و نهادی این رکن از اکوسیستم کارآفرینی ایران با کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به نمایش گذارده شده است.



شکل ۲-۸ - مقایسه مهارت کسب و کارهای نوپا در ایران با کشورهای MENA

(برپایه داده های GEI 2016)



شکل ۲-۹ - مقایسه متغیرهای فردی و نهادی رکن مهارت کسب و کارهای نوپا در ایران با کشورهای MENA

(برپایه داده های GEI 2016)

عملکرد مطلوب کشور در این رکن را می‌توان به رشد نرخ ثبت نام در مقطع آموزش عالی، ناشی از افزایش تقاضای اجتماعی ورود به دانشگاه‌ها و باور جامعه فعال کشور، مبنی بر ضرورت برخورداری از دانش و مهارت، برای داشتن شغل مناسب و درآمد بالاتر از یک سو و راه‌اندازی کسب و کارها از سوی دیگر نسبت داد. با این وجود بسیاری از صاحبان بنگاه‌های اقتصادی، بر این باورند که فارغ‌التحصیلان آموزش عالی از مهارت‌های لازم برخوردار نبوده و نظام آموزشی کشور با نیاز بازار کار هماهنگ نیست. برخی نیز با استدلال عدم شکل‌گیری نهادهای مدرن و دانشی و سنتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد، عقیده دارند که اقتصاد ایران توانایی جذب نیروی کار ماهر و متخصص را در سطح وسیع ندارد. در هر صورت هر چند درک جمعیت در سن فعالیت اقتصادی از مهارت راه‌اندازی کسب و کار در ایران بالا است اما شواهد (به عنوان مثال نرخ بالای بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی) بر این ادراک فردی صحنه نمی‌گذارند و به نظر می‌رسد توجه جدی‌تر به آموزش‌های مهارتی در مقاطع مختلف تحصیلی و همچنین آموزش کارآفرینی، در به مرحله عمل رساندن این ادراک موثر و ضروری باشد.

قوانین ذیربط

قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه - قانون کار - قانون تشکیل اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

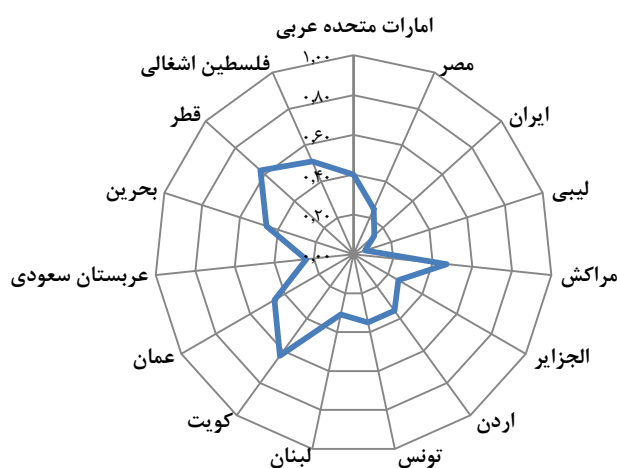
سازمان های ذیربط

وزارت علوم تحقیقات و فناوری- وزارت آموزش و پرورش- سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای - نهاد ها و موسسات آموزشی

۲-۱-۳- پذیرش ریسک

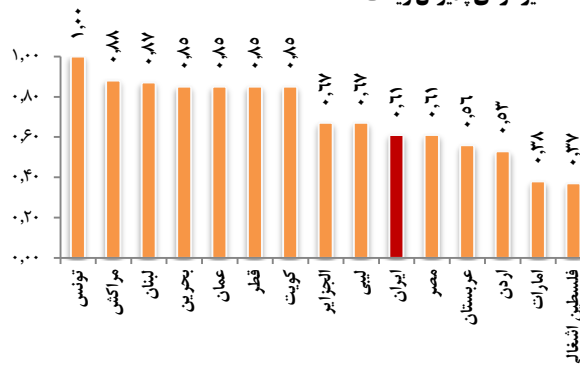
این رکن میزان ریسک‌پذیری افراد جامعه را برآورد کرده و شامل متغیر "پذیرش ریسک در سطح فردی" و متغیر نهادی "ریسک کسب و کار" است. هر چه پذیرش ریسک در بین افراد جامعه بالاتر باشد، احتمال بروز رفتارهای کارآفرینانه در آن کشور بیشتر می‌شود. پذیرش ریسک و عدم ترس از شکست در بین افرادی که فرصت‌ها را تشخیص می‌دهند و از قابلیت‌های لازم هم برخوردارند تا حد زیادی به میزان ریسک کسب و کار و کیفیت محیط کلی کسب و کار کشورها بستگی دارد.

این رکن یکی از گلوگاه‌های بحرانی اکوسیستم کشور است و امتیاز کشور در این رکن ۰,۱۴ و بسیار پایین می‌باشد، هر چند پذیرش ریسک طی سالهای اخیر مسیر بهبود را طی کرده است (شکل ۲-۵) اما با سطح مطلوب فاصله زیادی دارد. منشا پایین بودن امتیاز این رکن در کشورمان بالا بودن میزان ترس از شکست در میان افراد جامعه نیست زیرا این متغیر میزان متوسطی دارد (امتیاز ۰,۶۱)، بلکه علت را باید در عوامل نهادی از جمله محیط نامناسب کسب و کار و محیط قانونی جستجو کرد؛ زیرا ریسک کسب و کار در کشور بسیار بالا (امتیاز ۰,۳۳) و در میان کشورهای خاورمیانه تنها از لیبی بهتر است (شکل ۲-۱۰). به نظر می‌رسد پذیرش فردی ریسک الزاماً ارتباط همسو با سطح توسعه‌یافتگی کشورها نداشته باشد. شاید از آنجا که در اقتصادهای کمتر توسعه یافته فرصت‌های فناورانه و نوآورانه (که معمولاً با ریسک بالا همراه است) کمتر تشخیص داده شده و بیشتر کسب و کارهای سنتی و کم ریسک دنبال می‌شود، افراد جامعه ترس کمتری از شکست دارند. در حالی که در اقتصادهای توسعه یافته‌تر که در آنها سطح فناوری، نوآوری و رقابت در میان بنگاهها بالاتر است، ترس افراد از شکست بیشتر است. به عنوان مثال بر اساس گزارش سال ۲۰۱۶، امتیاز متغیر فردی پذیرش ریسک برای کشور امارات که رتبه اول منطقه را در شاخص‌های جهانی GEI دارد ۰,۳۸ می‌باشد؛ در حالی که امتیاز ایران ۰,۶۱ و امتیاز تونس در همین متغیر برابر با ۱ می‌باشد و این در حالی است که ریسک کسب و کار در کشور امارات به مراتب کمتر از ایران و تونس است (شکل ۲-۱۱).

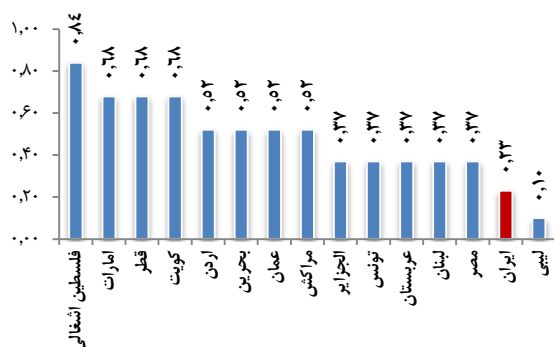


شکل ۲-۱۰- مقایسه پذیرش ریسک در ایران با کشورهای MENA
(برپایه داده های GEI 2016)

متغیر فردی پذیرش ریسک



متغیر نهادی ریسک کسب و کار



شکل ۲-۱۱- مقایسه متغیرهای فردی و نهادی رکن پذیرش ریسک در ایران با کشورهای MENA (بر پایه داده های GEI 2016)

محیط مساعد و ریسک پایین کسب و کار از جمله الزامات توسعه کارآفرینی در کشورها محسوب می‌گردد. امکان دسترسی و قابلیت اطمینان از اطلاعات مالی شرکت‌ها، حمایت قانونی از بستانکاران و پشتیبانی نهادی از مبادلات بین شرکتی، از جمله موضوعاتی است که ایران در آن توفیق چندانی کسب نکرده است و توجه سیاستگذاران به آنها می‌تواند ریسک کسب و کار در کشور را کاهش دهد.

قوانین ذیربط

مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با تولید، سرمایه گذاری و تجارت - قوانین ناظر بر بازارهای مالی شامل قوانین پولی و بانکی - قانون مبارزه با پولشویی، قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید، قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی، قانون استفاده از منابع خارجی

سازمان های ذیربط

وزارت امور اقتصادی و دارایی- وزارت آموزش و پرورش- وزارت علوم تحقیقات و فناوری- وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی- وزارت صنعت، معدن و تجارت- وزارت جهاد کشاورزی- وزارت دادگستری- وزارت کشور - وزارت اطلاعات - بانک مرکزی- بانکها و صندوق- های مالی و سرمایه گذاری- سازمان بورس و اوراق بهادار - بیمه مرکزی - اتاقها

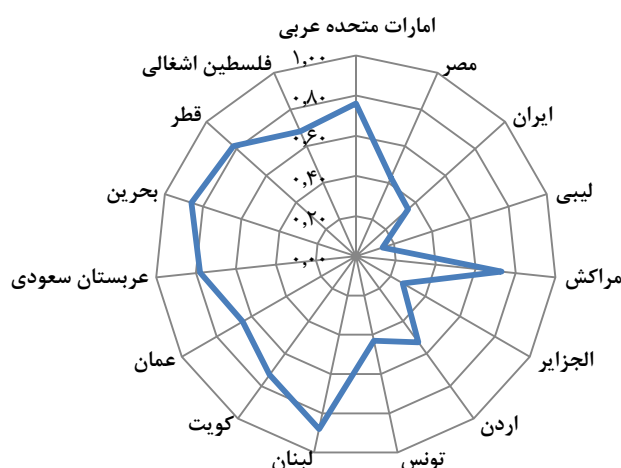
۲-۱-۲-۴- شبکه سازی

رکن شبکه سازی به عنوان یکی از ورودی های مهم کارآفرینی از متغیر فردی "شناخت کارآفرینان" و متغیر نهادی "کاربری اینترنت" تشکیل می‌شود. اینترنت به عنوان بستری مناسب برای تعامل افراد و تبادل اطلاعات زمینه مناسبی برای شناخت کارآفرینان و گسترش شبکه اجتماعی آنان فراهم می‌آورد. با این وجود به نظر می‌رسد علیرغم رشد سریع جهان در استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در تسهیل و تسریع امور مختلف، در ایران، به دلایلی چون سرعت پایین اینترنت، آموزش کم و ... میزان بهره گیری از این فناوری نسبت به سایر کشورها پایین است به نحوی که رکن شبکه سازی علیرغم بهبود نسبی طی سالهای اخیر (شکل ۲-۵)، هنوز یکی از گلوگاههای کارآفرینی کشور محسوب می‌شود (جدول ۴-۲).

اقدامات مناسب دولت در زمینه زیرساخت های فناوری اطلاعات و ارتباطات سطح عملکردی متغیر نهادی "کاربری اینترنت" را از وضعیت بحرانی و گلوگاه در سال ۲۰۱۳ به وضعیت نیاز به بهبود تغییر جهت داده است^{۲۶}. با این وجود این تلاشها کافی نبوده و باید

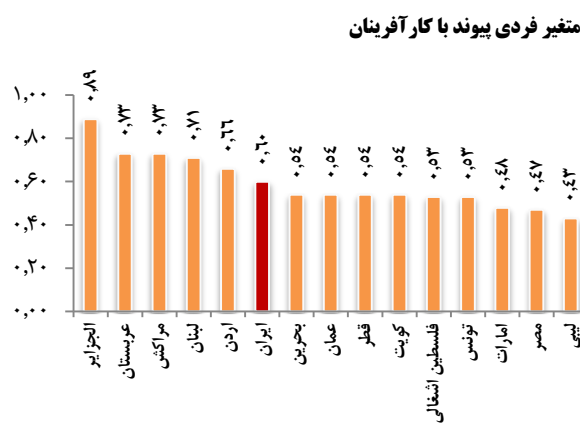
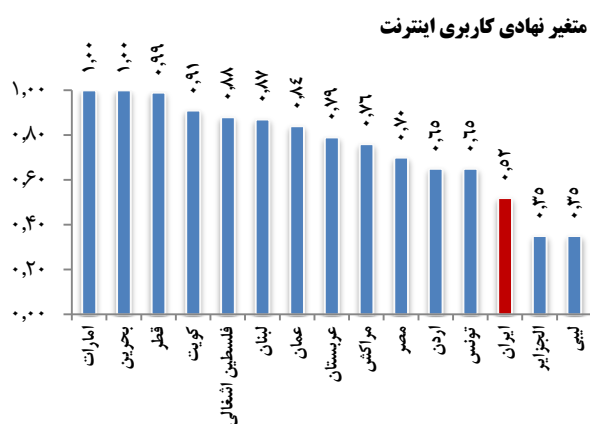
^{۲۶} (امتیاز این متغیر از ۰،۱۳ در سال ۲۰۱۳ به ۰،۵۲ در سال ۲۰۱۶ افزایش پیدا کرده است.

افزایش یابد. کشورهای امارات و بحرین با دارا بودن امتیاز کامل در "کاربری اینترنت"، حداکثر میزان استفاده از این زیرساخت را دارند. این در حالی است که ایران از نظر میزان کاربری اینترنت رتبه ۱۳ در میان ۱۵ کشور منطقه را دارا است. از آنجا که شناخت کارآفرینان توسط افراد جامعه موجب الگوگیری از کارآفرینان و گردش تجارب کسب و کار است ایجاد بانکهای اطلاعاتی از کارآفرینان برتر، تشکیل انجمن‌ها و تشکلهای کارآفرینی، تشکیل شبکه‌های کارآفرینی برخط و برگزاری رویدادهای کارآفرینی در گسترش شبکه اجتماعی کارآفرینان موثر است.



شکل ۲-۱۲- مقایسه شبکه سازی در ایران با کشورهای MENA

(برپایه داده های GEI 2016)



شکل ۲-۱۳- مقایسه متغیرهای فردی و نهادی رکن شبکه سازی در ایران با کشورهای MENA

(برپایه داده های GEI 2016)

قوانین ذیربط

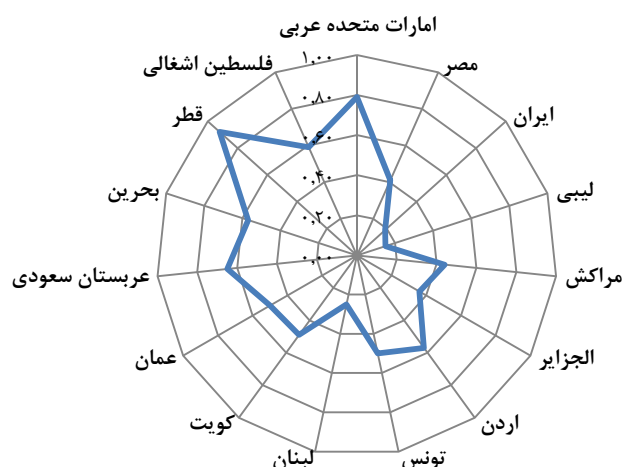
قانون تجارت الکترونیک - قانون وظایف وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات - قانون جرایم رایانه‌ای - مقررات شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه ICT

سازمان های ذیربط

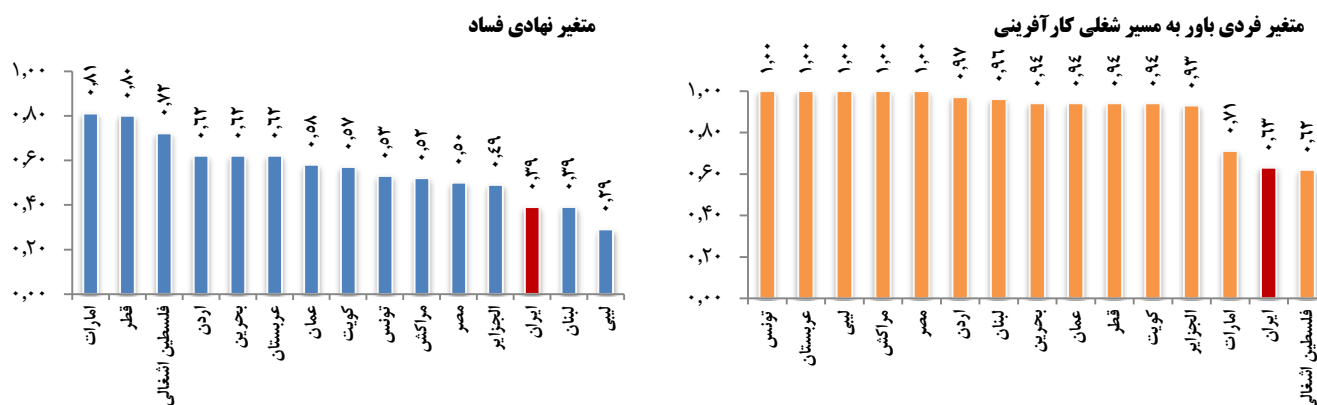
وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و سازمان های تابعه - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - وزارت دادگستری - شورای عالی انقلاب فرهنگی - شورای عالی اطلاع رسانی - مرکز مدیریت توسعه ملی اینترنت - پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات ایران - رسانه ها و مطبوعات- انجمن صنفی رایانه - مرکز ملی فضای مجازی

۲-۱-۵- پشتیبانی فرهنگی

برای سنجش پشتیبانی فرهنگی از متغیر فردی "باور به مسیر شغلی کارآفرینی" و متغیر نهادی "فساد" استفاده می شود. در این رکن رویکرد جامعه نسبت به ارزش گذاری کارآفرینان مورد سنجش قرار می گیرد. حتی اگر جامعه ای به مسیر شغلی کارآفرینی ایمان داشته و منزلت بالایی برای کارآفرینان قائل باشد، سطح بالای فساد در یک کشور می تواند ارزش اجتماعی کارآفرینان مشروع را تضعیف و سیاست های دولت را ناکارآمد نماید. فساد باعث سوق فعالیت های سرمایه گذاری و اقتصادی از شکل مولد به سوی رانت ها و فعالیت های زیرزمینی (کارآفرینی سیاه)، کاهش سرمایه گذاری در بخش های مولد اقتصادی و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی می شود.



شکل ۲-۱۴- مقایسه پشتیبانی فرهنگی در ایران با کشورهای MENA
(بر پایه داده های GEI 2016)



شکل ۲-۱۵- مقایسه متغیرهای فردی و نهادی رکن پشتیبانی فرهنگی در ایران با کشورهای MENA
(بر پایه داده های GEI 2016)

علیرغم آن که متغیر فردی باور به مسیر شغلی کارآفرینی در ایران در وضعیت مناسب است (جدول ۲-۴)، وضعیت نامطلوب کشور در متغیر فساد باعث شده تا این رکن از سال ۲۰۱۳ تاکنون همچنان به عنوان گلوگاه اکوسیستم کارآفرینی شناسایی گردد و متأسفانه رو به افول نیز هست (شکل ۲-۵). لذا لازم است تا مقوله مبارزه با فساد به طور جدی در دستور کار دولت قرار گیرد. از مهمترین راه‌حل‌های مبارزه با فساد در کشورها، بهبود شفافیت مدیریت مالی و خاتمه دادن به مصونیت فساد اداری مسئولان دولتی می باشد. سیستم قضایی مستقل و ماهر بر مبنای قوانین ضد فساد، می تواند اطمینان سرمایه گذاران را جلب نماید. دولت‌ها نباید از مسئولان دولتی فاسد حمایت و یا به آنها کمک نمایند. در این میان نهادهای مدنی می‌توانند نقش مهمی در کنترل فساد داشته باشند. البته یکی از بحث‌هایی که همواره در رابطه با رتبه ایران بر مبنای شاخص‌های اندازه‌گیری فساد وجود دارد، احتمال اندازه‌گیری نامناسب این شاخص از سوی نهادهای بین‌المللی است.^{۲۷} لازم به ذکر است پشتیبانی فرهنگی از کارآفرینی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا میزان پایینی (میانگین ۰٫۴۹) دارد که با رفتار رانت جویانه ناشی از درآمدهای نفتی و نقش توزیعی دولتها در این منطقه دور از انتظار نیست. امارات متحده عربی و قطر از استثنائات منطقه هستند (شکل ۲-۱۳). از آنجا که این رکن با زیربنای فرهنگی جامعه ارتباط غیرقابل انکاری دارد، نهادهای نرم و سخت بسیاری بر آن موثرند. مثالهایی از قوانین و سازمانهای موثر بر این رکن، در ذیل فهرست شده‌اند.

قوانین ذیربط

قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار - قانون کار - قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) - قانون تجارت - قانون آیین دادرسی کیفری قانون اجرای احکام مدنی - قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز - قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ - قانون اعسار - قانون مجازات اسلامی جدید - قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح - قانون مبارزه با پولشویی - قانون منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری - قوانین امور گمرکی - قانون تامین اجتماعی - قوانین مالیاتی - قانون مدیریت خدمات کشوری - قانون ارتقا سلامت اداری و مقابله با فساد - قوانین مربوط به بازار سرمایه از جمله قانون تأسیس سازمان بورس اوراق بهادار در جهت ممنوعیت استفاده از اطلاعات قبل از انتشار عمومی آن و ممنوعیت معاملات کارگزاران و کارمندان بورس - مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی - آیین‌نامه پیش‌گیری و مبارزه با رشوه مصوبه شماره ۷/۳۳۷۷/ت/۳۰۳۷۴ هـ.تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۲ هیئت وزیران - لایحه تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ در جهت افزایش ریسک و ظرفیتهای قانونی مقابله با مرتکبان فساد - کلیه آیین نامه‌ها و بخشنامه‌های مرتبط با صدور مجوز توسط دستگاه‌های اجرایی

سازمان های ذیربط

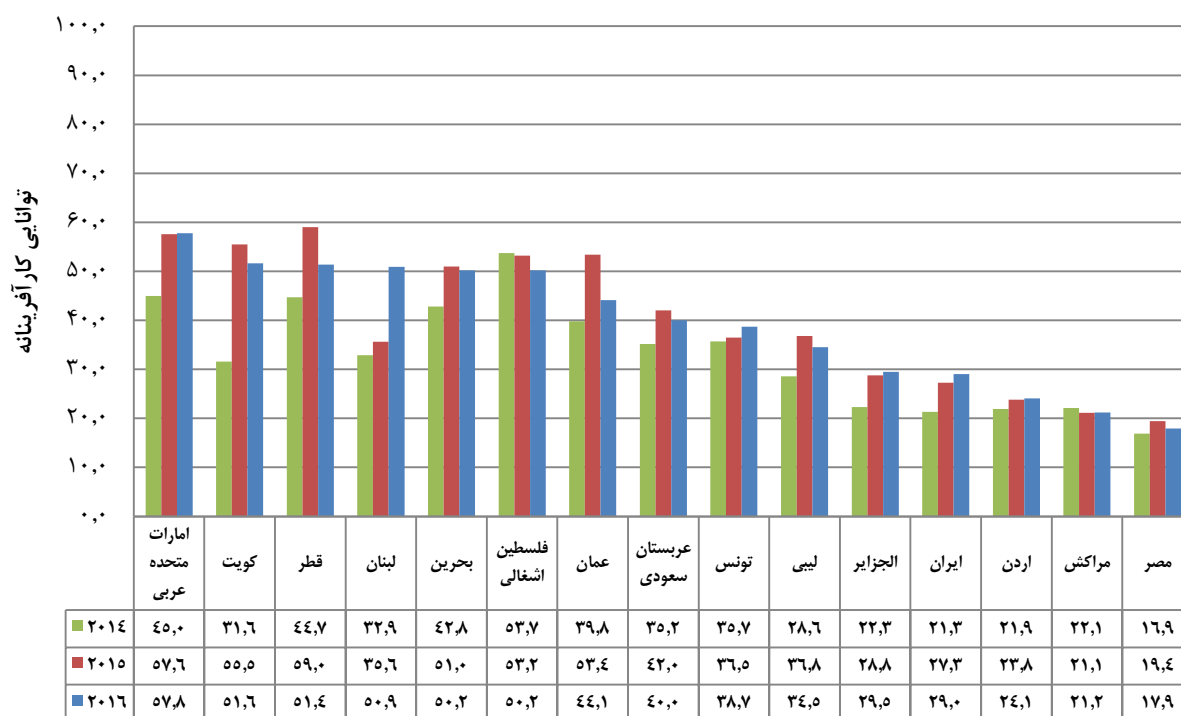
شورای عالی انقلاب فرهنگی - وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمانهای تابعه به ویژه (سازمان حسابرسی - گمرک - سازمان امور مالیاتی) - وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - وزارت آموزش و پرورش - وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - وزارت صنعت، معدن و تجارت - وزارت جهاد کشاورزی - وزارت دادگستری - وزارت اطلاعات - وزارت کشور - سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور - تشکیلات قضایی (به ویژه دیوان عدالت اداری - دیوان عالی کشور - دادستانی کل کشور - سازمان بازرسی کشور - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور) - دیوان محاسبات کشور - نهاد ریاست جمهوری و تشکیلات نظارتی وابسته - ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز - سایر دستگاه‌های اجرایی صادرکننده مجوز - شهرداری‌ها - سازمان های مردم نهاد - رسانه‌ها و مطبوعات

۲-۱-۳- شاخص فرعی توانایی کارآفرینانه

رشد شاخص توانایی کارآفرینانه در ایران نسبت به دو شاخص فرعی دیگر (گرایش و اشتیاق) طی سالهای اخیر بیشتر بوده است (شکل ۲-۱)، هر چند هنوز در سطحی پایین‌تر از گرایش کارآفرینی قرار دارد. برای آن که بتوانیم درکی بهتر از کیفیت تغییرات توانایی کارآفرینی ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه داشته باشیم، در شکل ۲-۱۵ تغییرات گرایش کارآفرینانه کشورها طی دوره ۳ ساله اخیر نشان

^{۲۷} - برای اطلاعات بیشتر به گزارش های CPI موسسه شفافیت بین الملل مراجعه شود.

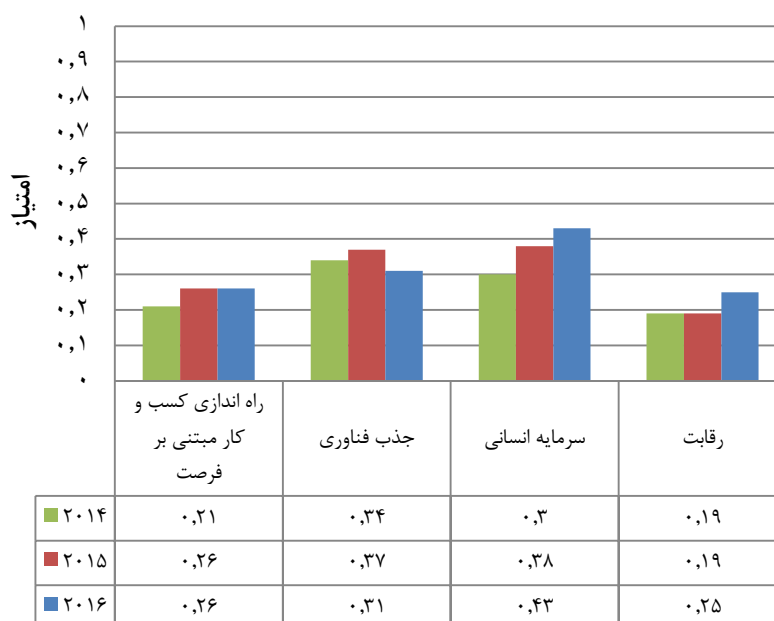
داده شده است. مشاهده می‌شود که توانایی کارآفرینی در تمامی کشورهای حوزه MENA بجز مراکش رشد داشته است. رشد کویت و لبنان در این بخش قابل توجه است. امتیاز توانایی کارآفرینی در ۶ کشور منطقه بیش از ۵۰ است و بیشترین آن در امارات متحده عربی به ۵۷٫۸ می‌رسد که نشان می‌دهد توانایی کارآفرینی در منطقه MENA بالا نیست. اما ایران در مقایسه با کشورهای منطقه MENA نیز وضعیت مطلوبی ندارد.



شکل ۲-۱۶- روند تغییرات توانایی کارآفرینانه در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا
(بر پایه داده های GEI 2014-2016)

توانایی کارآفرینانه شامل چهار رکن "کسب و کار نوپا مبتنی بر فرصت"، "جذب فناوری"، "سرمایه انسانی" و "رقابت" است. این شاخص فرعی در واقع اشاره به ظرفیت کشور در راه اندازی کسب و کارهای کارآفرینانه^{۲۸} دارد. همانطور که در شکل ۲-۱۶ دیده می‌شود، امتیاز کلیه ارکان مرتبط با توانایی کارآفرینانه در ایران پایین است (کمتر از ۴۵)، با این وجود طی سالهای مورد بررسی در تمامی ارکان بجز جذب فناوری رشد داشته‌ایم. همانطور که انتظار می‌رود سرمایه انسانی در ایران بهتر از سایر ارکان در این زیرشاخص است و بیش از سایرین هم رشد کرده است اما به نظر می‌رسد این رشد نتوانسته اثرات خود را در سایر ارکان نشان دهد. بویژه اگر به خاطر آوریم که رکن مهارت ایجاد کسب و کار (از ارکان زیر شاخص گرایش کارآفرینی) نیز از نقاط قوت اکوسیستم کارآفرینی کشور به شمار می‌رود. بدیهی است که ضعف در سایر ارکان موجب کاهش اثربخشی تلاشها در توسعه سرمایه انسانی و مهارتها شده است.

^{۲۸} منظور راه اندازی کسب و کارهایی است که در اثر تشخیص فرصت کارآفرینی بوجود می‌آیند و کارآفرینی اجباری را که به دلیل بیکاری و از سر ناچاری ایجاد میشود مدنظر ندارد.



شکل ۲-۱۷- روند تغییرات ارکان توانایی کارآفرینی ایران

(برپایه داده های GEI 2014-2016 - داده های ایران مربوط به سالهای ۹۳-۹۱ است.)

۲-۱-۳-۱- راه اندازی کسب و کار نوپا مبتنی بر فرصت

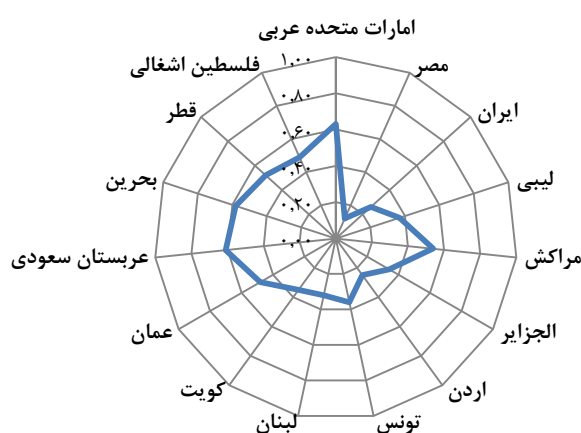
ایران در این رکن و هر دو متغیر فردی و نهادی آن عملکرد مناسبی نشان نداده است (جدول ۲-۴). متغیر نهادی در این رکن، آزادی اقتصادی است که GEI برای سنجش آن از گزارش سهولت کسب و کار که هرساله توسط بانک جهانی منتشر می شود استفاده می کند. مطابق با این گزارش محیط کسب و کار ایران در وضعیت مطلوبی قرار ندارد.^{۲۹} محیط کسب و کار نقش تعیین کننده ای در رشد و توسعه کارآفرینی از طریق فراهم کردن شرایط رقابت پذیری و بسترسازی مناسب برای ورود موثر بخش خصوصی در اقتصاد کشور ایفا می کند و گامی اساسی در جهت توسعه سرمایه گذاری بخش خصوصی، تولید و سطح اشتغال در کشور محسوب می شود. سطح عملکردی متغیر نهادی "آزادی اقتصادی" طی سال های اخیر هر چند رشد داشته و از میزان ۰,۲۲ در گزارش سال ۲۰۱۳ GEI به ۰,۲۶ در سال ۲۰۱۶ رسیده است، اما بهبود آن در مقایسه با تلاش سایر کشورها کافی نبوده به نحوی که در وضعیت "بحرانی" قرار دارد.

متغیر فردی در این رکن میزان کسب و کارهای جدیدی که در کشور برپایه تشخیص فرصت ایجاد شده اند را می سنجد. شواهد تجربی نشان داده است که بین تعداد کسب و کارهای نوپا و درآمد سرانه کشورها رابطه ای U-شکل وجود دارد.^{۳۰} دیده بان جهانی کارآفرینی کسب و کارهای جدید را به دو گروه مبتنی بر فرصت و اجباری تقسیم می کند. منظور از کارآفرینی اجباری آن دسته از کسب و کارهایی است که به دلیل نیاز و معیشت و از سرناچاری و نیافتن شغل مناسب ایجاد می شوند. از آنجا که این دسته از کسب و کارها معمولاً بهره وری کمتر یا معادل با کسب و کارهای مشابه دارند، هر چند در کاهش بیکاری و معضلات اجتماعی ناشی از آن موثرند، اما "تخریب خلاقانه شومپیتری" را به همراه نداشته و لذا قادر نیستند سهم چندانی در بهبود سرانه تولید ناخالص داخلی و سطح رفاه جامعه داشته باشند. در کشورهای در حال توسعه معمولاً میزان راه اندازی کسب و کارهای جدید زیاد است. اما حجم بالایی از آنها از نوع اجباری است و رابطه ای منفی با رشد اقتصادی نشان می دهند. برعکس در کشورهای توسعه یافته، هر چند تعداد کسب و کارهای جدید کمتر است اما بیشترین حجم آنها را کسب و کارهای مبتنی بر فرصت تشکیل داده و تعداد آنها رابطه مثبت با رشد اقتصادی نشان می دهد.

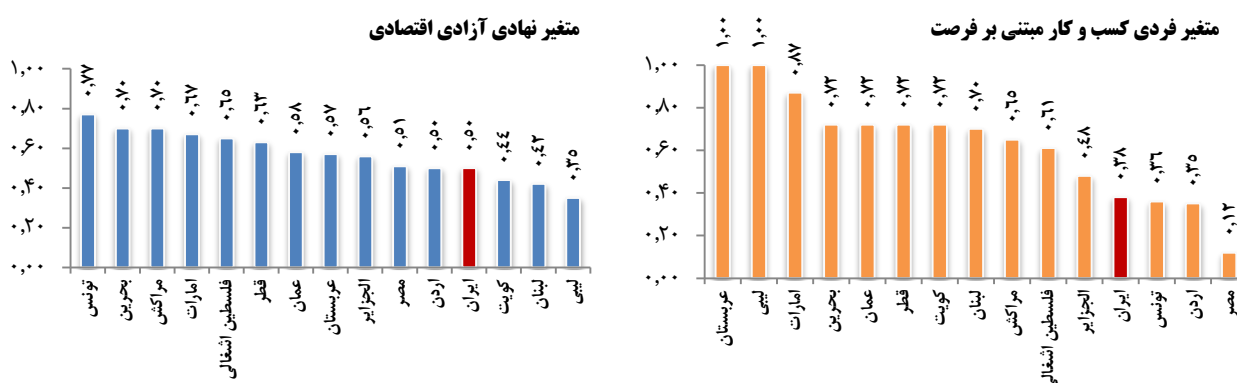
^{۲۹} - برای اطلاعات بیشتر به گزارشات Doing Business بانک جهانی مراجعه شود.

^{۳۰}) Wennekers, A. R. M., A. J. van Stel, A.R. Thurik and P. D. Reynolds, 2005, "Nascent Entrepreneurship and Economic Development", Small Business Economics.

مشاهدات در ایران حاکی از آن است که حدود ۶۰٪ از فعالیتهای کارآفرینی (به مفهوم ایجاد کسب و کارهای جدید) در ایران و بر پایه تشخیص فرصت است، و حدود ۴۰٪ ایجاد کسب و کارهای جدید حسب ضرورت (گریز از بیکاری) صورت می‌پذیرد.^{۳۱} به نظر می‌رسد این میزان کسب و کارهای جدید که بر پایه تشخیص فرصت ایجاد می‌شوند کافی نیست زیرا متغیر فردی این رکن در وضعیت بحرانی قرار دارد. این متغیر تحت تاثیر مستقیم متغیر فردی درک فرصت است که آن نیز وضعیت بحرانی دارد (جدول ۲-۴). بدیهی است انگیزه استفاده از فرصت در میان افراد معدودی از جامعه که فرصتها را نیز تشخیص داده اند به دلیل کمبود آزادی اقتصادی، کاهش خواهد یافت. مقایسه وضعیت ایران با کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا از سال ۲۰۱۳ تا کنون حاکی از ضعف ایران در کسب و کارهای نوپایی است که به دلیل تشخیص فرصت بوجود آمده اند (شکل ۲-۱۷). این ضعف در هر دو متغیر فردی و نهادی این رکن قابل مشاهده است (شکل ۲-۱۸).



شکل ۲-۱۸- مقایسه کسب و کار نوپا مبتنی بر فرصت در ایران با کشورهای MENA
(برپایه داده های GEI 2016)



شکل ۲-۱۸- مقایسه متغیرهای فردی و نهادی رکن کسب و کار نوپا مبتنی بر فرصت در ایران با کشورهای MENA
(برپایه داده های GEI 2016)

برخی از قوانین و سازمانهای موثر بر ایجاد کسب و کارهای نوپا مبتنی بر فرصت در ادامه فهرست شده‌اند.

^{۳۱} (موسسه کار و تامین اجتماعی، ۱۳۹۳، ارزیابی شاخص‌های کارآفرینی در ایران بر اساس مدل دیده‌بان جهانی کارآفرینی. انتشارات دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران.

قوانین ذیربط

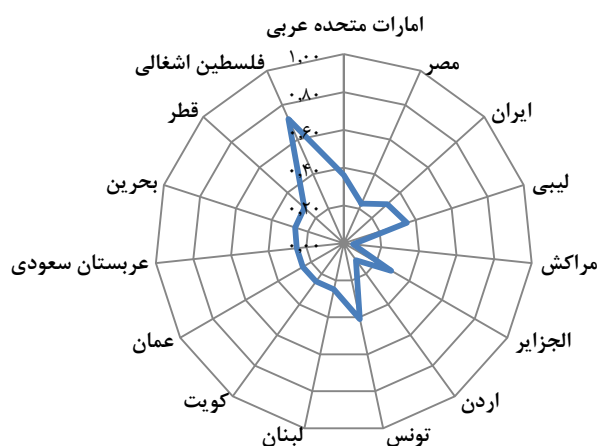
مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با تولید، سرمایه گذاری و تجارت، قوانین ناظر بر بازارهای مالی

سازمان های ذیربط

وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان های تابعه - وزارت کشور - وزارت نیرو - وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی - قوه قضاییه - وزارت دادگستری - وزارت صنعت، معدن و تجارت - وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات - بانک مرکزی - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور - سازمان بورس و اوراق بهادار - شهرداری ها

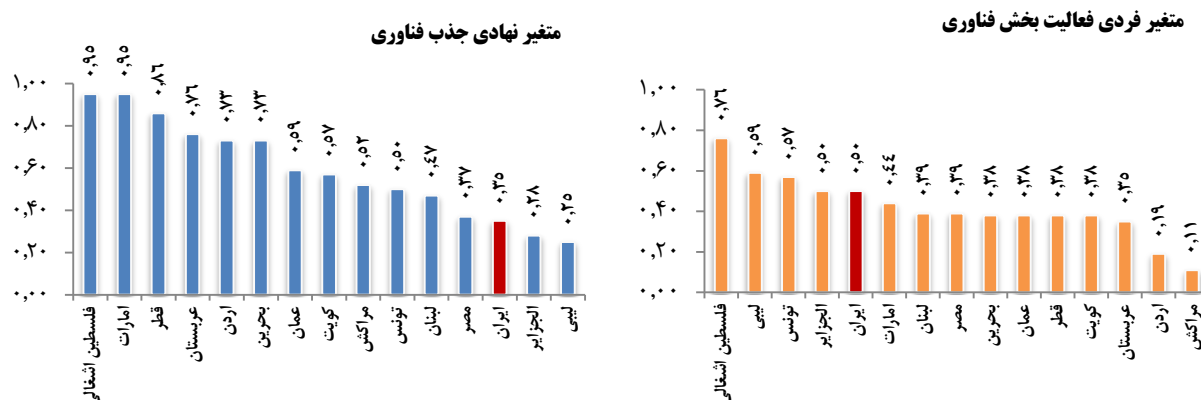
۲-۳-۱-۲- جذب فناوری

رکن "جذب فناوری" میزان فنور بودن بنگاهها و قابلیت جذب فناوری آنها را در سطح کشورها می‌سنجد. عملکرد کلی ایران در این رکن متوسط بوده و نیازمند بهبود است (جدول ۲-۴)، هر چند طی سالهای اخیر افول نشان داده است (شکل ۲-۱۶). فعالیت بنگاهها در بخش‌های فناوری در ایران نسبت به جهان متوسط است و با توجه به ظرفیت نیروی انسانی کشور می‌تواند بهبود یابد. اما محیط مساعد برای جذب و انتشار فناوری‌های جدید برای رشد شرکت‌های نوآور حیاتی است و این در حالی است که داده‌ها نشان می‌دهند که توان بنگاه‌های کشور برای جذب فناوری ضعیف و بحرانی است (جدول ۲-۴). مقایسه امتیاز این رکن در میان کشورهای منطقه MENA نشان می‌دهد که به غیر از فلسطین اشغالی، جذب فناوری در کلیه کشورهای منطقه نامناسب است (شکل ۲-۱۹). با این وجود، برخی کشورها عملکرد نهادی مناسبی داشته‌اند و در نتیجه با هزینه کمتری نسبت به ایران می‌توانند جذب فناوری در میان بنگاههای خود را ارتقاء دهند (شکل ۲-۲۰). روند عملکرد ایران از سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهد متغیر فردی فعالیت بخش فناوری بهبود داشته است که می‌توان آن را به تدوین مقررات جدید و سازوکارهای اتخاذ شده برای توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان در کشور نسبت داد. با این وجود قابلیت ضعیف جذب فناوری در بنگاهها (متغیر نهادی) می‌تواند حاصل تحریم‌های بین‌المللی باشد و انتظار می‌رود با توجه به تلاشهای انجام شده در جهت رفع تحریم‌ها شاهد بهبود سریع این رکن مهم در اکوسیستم کارآفرینی کشور باشیم.



شکل ۲-۱۹- مقایسه جذب فناوری در ایران با کشورهای MENA

(بر پایه داده‌های GEI 2016)



شکل ۲-۲۰- مقایسه متغیرهای فردی و نهادی رکن جذب فناوری در ایران با کشورهای MENA
(برپایه داده های GEI 2016)

قوانین ذیربط

سیاست های کلی علم و فناوری - قانون تشکیل اهداف و وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - قوانین مرتبط با تسهیل انتقال و انتشار فناوری - قوانین ناظر بر بازار تولید و سرمایه گذاری - قوانین ناظر بر توسعه تجارت خارجی - قانون شرکتهای دانش بنیان

سازمان های ذیربط

وزارت صنعت معدن و تجارت - معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری - وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات - وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی - وزارت امور اقتصادی و دارایی - وزارت علوم تحقیقات و فناوری - بانک مرکزی - صندوق های مالی (صندوق توسعه ملی، صندوق نوآوری و شکوفایی، صندوق توسعه فناوریهای نوین، صندوق ضمانت سرمایه گذاری صنایع کوچک و ...) - مراکز رشد، پارک های علمی و فناوری، شتاب دهنده ها - اتاق های بازرگانی و تعاون

۲-۳-۱-۳- سرمایه انسانی

سطح تحصیلات و آموزش های حین کار به عنوان ورودی های کلیدی کارآفرینی محسوب می شوند. آموزش عالی باکیفیت برای اقتصادهایی که در نظر دارند زنجیره ارزشی فراتر از فرآورده ها و محصولات تولیدی ساده و اولیه ایجاد کنند، ضروری است. اقتصاد در حال جهانی شدن امروز کشورها را وادار به تربیت نیروی کار تحصیل کرده ای می کند که به سرعت پاسخگوی محیط متغیر پیرامون و نیازهای برخاسته از نظام تولید جهانی باشند. به اعتقاد پایه گذاران نظریات مدیریت کیفیت در زمان حاضر، کیفیت آموزش، عامل رقابت پنهان بین کشورها است.

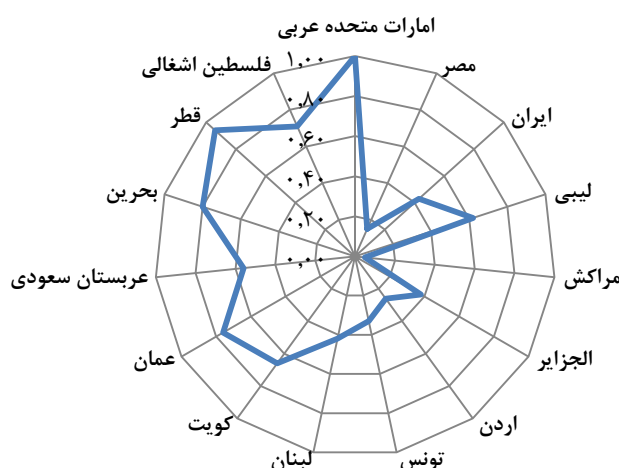
یکی از نقاط قوت ایران سطح بالایی آموزش عالی در بین جمعیت فعال کشور است و همین امر موجب شده تا جمعیت کارآفرینان تحصیل کرده در کشور افزایش یابد. این رکن رشد قابل توجهی را طی سالهای اخیر داشته اما بر خلاف انتظار در مقایسه با جهان عملکرد متوسط داشته (جدول ۲-۴) و در مقایسه با منطقه ضعیف است (شکل ۲-۲۱) و نیازمند بهبود می باشد. امتیاز متغیر فردی این رکن "راه-اندازی کسب و کار توسط دانش آموختگان"^{۳۲} از ۰.۳۴ در سال ۲۰۱۳ به ۰.۷۴ در سال ۲۰۱۶ افزایش یافته است. با توجه به این آمار، انتظار بر این است که سهم کارآفرینان فرصت گرا و ایجاد کسب و کارهای نوآور در کشور بالا باشد ولی آنچنانکه در رکن مهارت های کسب و کار نوپا ملاحظه شد و در ارکان نوآوری فرآیند و محصول که در ارکان بدی بدانها پرداخته می شود، وضعیت متغیرهای فردی "کسب و

^{۳۲} (فارغ التحصیلان دانشگاهی)

کارهای نوپا مبتنی بر فرصت"، "کارآفرینی با محصول نوآورانه" و "کارآفرینی با فناوری جدید" بحرانی است. لذا به نظر می‌رسد آموزش‌های آکادمیک کیفیت لازم برای پاسخگویی به نیازهای بازار و فعالیتهای نوآورانه و کارآفرینانه را ندارند. علاوه بر آن باید توجه داشت که ایران در همین متغیر نیز بر خلاف انتظار در مقایسه با کشورهای منطقه جایگاهی میانه دارد (شکل ۲-۲۲). لذا به نظر می‌رسد دانش‌آموختگان ایران آنگونه که انتظار می‌رود به ایجاد کسب و کار نمی‌پردازند.

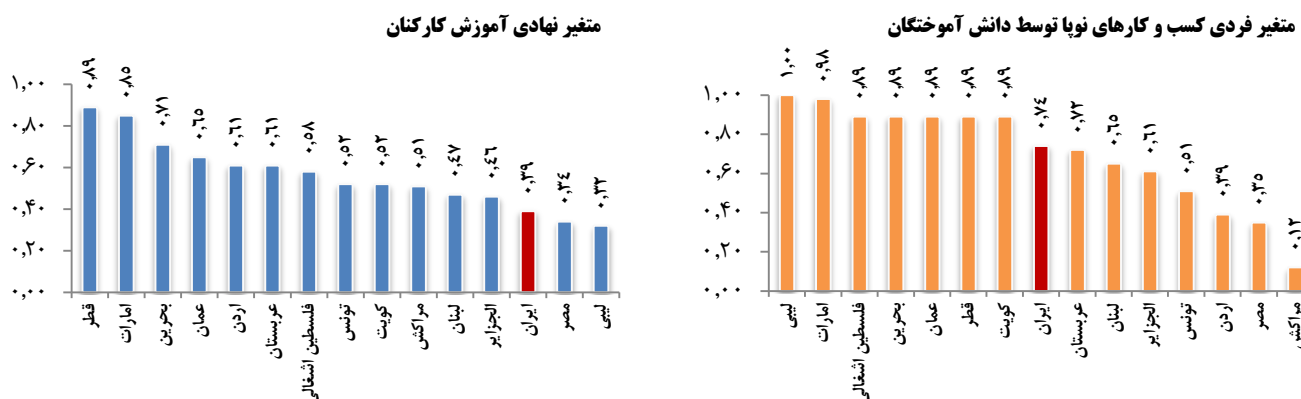
از سوی دیگر آموزش‌های مادام‌العمر که در حین کار ارایه می‌شوند به رفع سریع نیازهای در حال تغییر مهارتی بازار کار در یک محیط رقابتی می‌پردازند و موجب به روز رسانی مهارت‌ها و دانش لازم برای تطبیق با تحولات سریع فناوری می‌گردند. امتیاز ایران در متغیر نهادی این رکن یعنی "آموزش کارکنان" ۰,۳۹ و در مقایسه با جهان در وضعیت بحرانی است (جدول ۲-۴). ضعف در این متغیر نشان می‌دهد که بنگاه‌های اقتصادی در ایران سرمایه‌گذاری مناسبی برای آموزش و ارتقا مهارت نیروی کار خود انجام نمی‌دهند. به نظر می‌رسد از آنجا که اقتصاد ایران نهاده محرواست و بنگاهها عمدتاً در فناوریهای پایین و متوسط فعالیت دارند، به نیروی ماهر و متخصص نیاز چندانی احساس نمی‌شود. همچنانکه سرشماری کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر و بیشتر در سال ۱۳۹۲ نشان می‌دهد سهم نیروی کار متخصص بخش صنعت تولیدی تنها ۱۸ درصد از کل شاغلین این بخش می‌باشد. با این وجود به نظر می‌رسد سهم کسب و کارهای نوپا در بخش‌های مبتنی بر فناوری متوسط و بالا روبه فزونی است (متغیر فردی فعالیت بخش فناوری در رکن جذب فناوری). بدیهی است توجه بنگاهها به آموزش حین کار و مساعدت دولت در این امر در کنار ارتقاء کیفیت آموزش عالی و آموزشهای کارآفرینی به دانش‌آموختگان می‌تواند موجبات بهبود قابلیت جذب فناوری در بنگاهها را نیز فراهم نماید.

لازم به ذکر است امارات متحده عربی در این رکن با امتیاز کامل (۱) رتبه اول و قطر با امتیاز ۰,۹۴ جایگاهی قابل توجه در جهان را دارا هستند.



شکل ۲-۲۱ - مقایسه سرمایه انسانی در ایران با کشورهای MENA

(بر پایه داده های GEI 2016)



شکل ۲-۲۲- مقایسه متغیرهای فردی و نهادی رکن سرمایه انسانی در ایران با کشورهای MENA
(برپایه داده های GEI 2016)

قوانین ذیربط

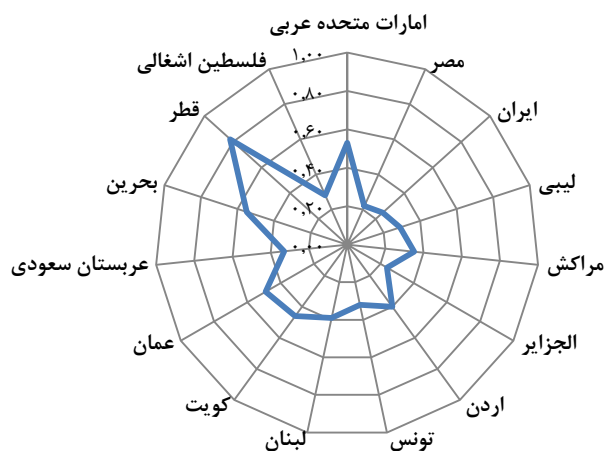
قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه - قانون کار - قانون نوسازی صنایع - قانون تشکیل اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

سازمان های ذیربط

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری- وزارت صنعت معدن و تجارت- وزارت جهاد کشاورزی - سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای- اتاقهای بازرگانی، تعاون و اصناف- انجمن های صنفی- نهادهای و موسسات آموزشی

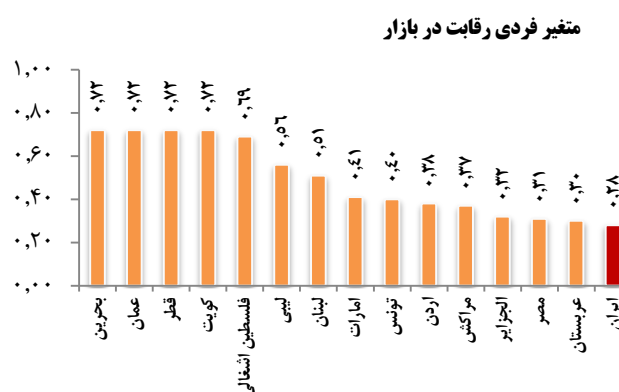
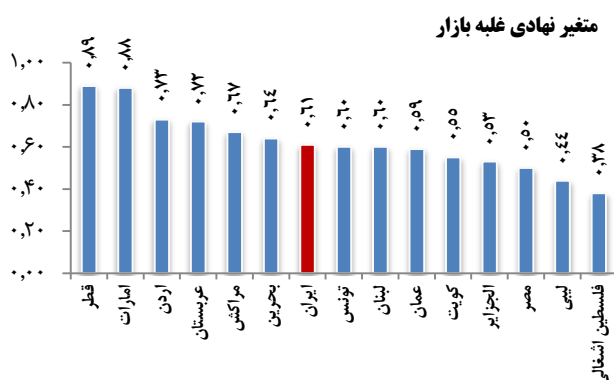
۲-۱-۳-۴- رقابت

رقابت در سطح خرد به مفهوم توانایی یک بنگاه در عرضه محصول قابل رقابت در بازار است. متغیر فردی این رکن "رقبا" و متغیر نهادی آن "غلبه بازار" است. متغیر فردی میزان یکتا بودن کسب و کارهای نوپا در بازار و متغیر نهادی میزان تسلط کسب و کارهای بزرگ (یا دولت) را بر بازار می‌سنجد. رقابت در ایران هرچند طی سالهای اخیر اندکی بهبود یافته (شکل ۲-۱۶) اما کافی نبوده و در مقایسه با جهان وضعیتی نامناسب و بحرانی دارد (جدول ۲-۴). البته تقریباً تمام کشورهای MENA (بجز قطر) در رکن رقابت عملکردی ضعیف نشان داده‌اند (شکل ۲-۲۳). اما برخی در متغیر فردی و برخی در ویژگی نهادی این رکن ضعف دارند (شکل ۲-۲۴). کسب و کارهای نوپای ایران رقابتی زیادی دارند و محصولاتی که به بازار ارائه می‌کنند مشابه دیگران است (متغیر فردی رقبا) و به نظر می‌رسد تولید داخل از تنوع و نوآوری لازم برخوردار نیست. در این خصوص ایران از تمامی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا ضعیف‌تر است. هر چند به لطف توسعه ظرفیت‌های قانونی و اتخاذ ساز و کارهای اجرایی خوب در زمینه تسهیل رقابت و منع انحصار، متغیر "غلبه بر بازار" در وضعیتی متوسط قرار دارد. بدیهی است رقابت ناسالم، وجود انحصار و رانت در بازار اعم از داخلی و خارجی، مانع پیشبرد کارایی بازار و خلق کسب و کارهای نوآور شده و موجب می‌شود کارترین بنگاه‌ها که به تولید کالاهای مورد تقاضای بازار اشتغال دارند، فرصت رشد و شکوفایی نیابند. لذا با توجه به تسلط نسبی شرکت‌های دولتی و شبه دولتی به بازار کشور، ضروری است تا خصوصی سازی واقعی در ایران دنبال شود. ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ توسط مقام معظم رهبری عزم جدی برای افزایش رقابت پذیری و کاهش سهم دولت در اقتصاد را نشان می‌دهد اما روند این فرایند کند و معیوب بوده و دستیابی به اهداف آن را با چالش مواجه نموده است.



شکل ۲-۲۳- مقایسه رقابت در ایران با کشورهای MENA

(بر پایه داده های GEI 2016)



شکل ۲-۲۴- مقایسه متغیرهای فردی و نهادی رکن رقابت در ایران با کشورهای MENA

(بر پایه داده های GEI 2016)

قوانین ذیربط

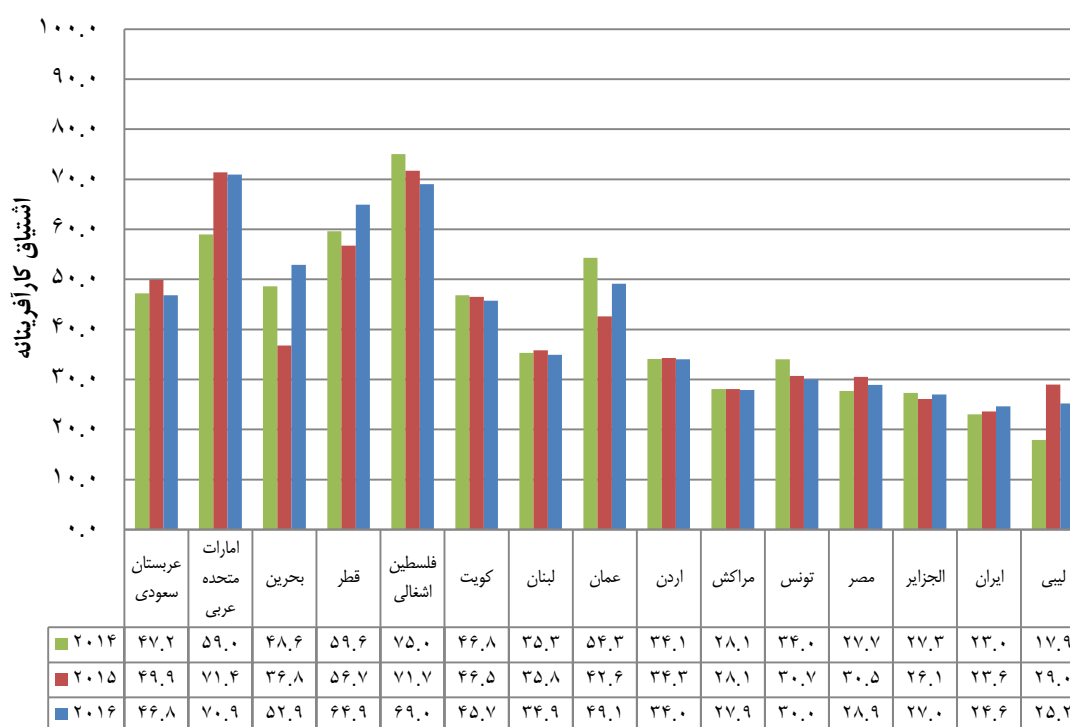
سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی - سیاست‌های کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار- مقررات اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی- قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه - قوانین بودجه - قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور- قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات- اصلاح ماده (۱۰۴) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۱- قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات- قانون اصلاح قانون معادن- مصوبات هیئت واگذاری- قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان- قانون نظام صنفی کشور- مجموعه مقررات صادرات و واردات- قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار - قانون تجارت - قوانین مالیاتی - قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی- قانون مبارزه با پولشویی- قانون استفاده از منابع خارجی- قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

سازمان‌های ذیربط

وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان‌های تابعه- وزارت جهاد کشاورزی- وزارت امور اقتصادی و دارایی- سازمان خصوصی‌سازی- بانک مرکزی- شورای رقابت- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور- وزارت دادگستری- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی- وزارت نفت- وزارت نیرو- سازمان بورس و اوراق بهادار- اتاق‌ها و در مجموع کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسه‌های دولتی و شرکت‌های دولتی موضوع ماده (۴) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ و همچنین کلیه دستگاه‌های اجرایی، شرکت‌های دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام آنها است.

۲-۱-۴- شاخص فرعی اشتیاق کارآفرینانه

رشد شاخص فرعی اشتیاق کارآفرینانه در ایران طی سالهای اخیر بسیار ناچیز و در حد ۲۴٫۶ بوده است (شکل ۲-۱)، و در سطحی پایین‌تر از گرایش و توانایی کارآفرینی قرار دارد. این امر بحث پیشین در خصوص ضعف بنگاهها در رقابت و کمبود تنوع و نوآوری را تایید می‌کند. با وجود قوت کشور در نیروی انسانی، متأسفانه امتیاز این شاخص از تمامی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا پایین‌تر است (شکل ۲-۲) و این در حالی است که از ۱۵ کشور مورد بررسی، ۹ کشور طی ۳ سال اخیر در این شاخص افول نشان داده‌اند. تنها کشوری که رشد قابل توجه در این زیرشاخص داشته امارات متحده عربی با امتیازی نزدیک به ۷۱ است.



شکل ۲-۲- روند تغییرات اشتیاق کارآفرینانه در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا
(برپایه داده‌های GEI 2014-2016)

اشتیاق کارآفرینانه شامل ارکان "نوآوری محصول"، "نوآوری فرایند"، "رشد بالا"، "بین‌المللی‌سازی" و "سرمایه ریسک‌پذیر" است. در واقع این شاخص نشان‌دهنده کیفیت کسب و کارها و تلاش آنها برای رشد و تولید ثروت از طریق استراتژی فعالیت کارآفرینانه و نوآوری است. ضعف در این شاخص تهدیدی برای پایداری بنگاهها در شرایط متلاطم اقتصاد جهانی است. بدون وجود اشتیاق کارآفرینانه در بنگاهها، آنها قادر به رقابت با بنگاههای خارجی که حتی بازار محلی آنها را نیز تهدید می‌کنند نخواهند بود. عدم ورود بنگاهها به بازار جهانی و اتخاذ استراتژیهای پیچیده رقابتی، عدم یادگیری و عدم انعطاف و تاب‌آوری آنها را در پی خواهد داشت. شکل ۲-۲ نشان می‌دهد که طی سه سال اخیر در ایران بهبود در نوآوری و رشد بالا در کسب و کارها صورت گرفته اما سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر در همین مدت

افول شدیدی نشان داده است. بدیهی است که فعالیتهای نوآورانه ریسک بالایی به همراه دارد و کمبود سرمایه ریسک‌پذیر مانع بزرگی بر سر راه کارآفرینان نوآور بوده و رشد بالا را مختل می‌سازد. از سوی دیگر رکن بین‌المللی‌سازی بسیار ضعیف بوده و عملکردی نزدیک به صفر داشته است. این امر مسلماً انعکاسی از تحریم‌های بین‌المللی است که طی سالهای گذشته امکان حضور بنگاههای ایرانی در بازارهای جهانی را به حداقل رسانده بود. رکن بین‌المللی‌سازی ضعیف‌ترین رکن در میان ارکان ۱۴ گانه اکوسیستم کارآفرینی ایران است، اما انتظار می‌رود با اقدام شایسته دولت جهت رفع تحریم‌ها و گشایش مسیر حضور کارآفرینان نوآور و پررشد ایرانی در بازارهای جهانی این رکن روندی رو به رشد پیدا کند.



شکل ۲-۲۶- روند تغییرات ارکان اشتیاق کارآفرینانه در ایران
(برپایه GEI 2014-2016- داده‌های ایران مربوط به سالهای ۹۳-۹۱ است.)

۲-۱-۴-۱- نوآوری محصول

نوآوری عنصر محوری در کارآفرینی است. نوآوری محصول در ایران در شرایط مساعدی نبوده و این رکن یکی دیگر از گلوگاه‌های توسعه کارآفرینی در کشور می‌باشد. جایگاه نوآوری در دنیای امروز بر کسی پوشیده نیست و حرکت به سمت نوآوری از الزامات پیشرفت است. به نحوی که در اقتصاد مقاومتی نیز اقتصاد مبتنی بر دانش و تقویت رقابت‌پذیری کشور که از طریق بروز نوآوری‌ها حاصل می‌شود؛ مورد تأکید می‌باشد. لذا ضرورت هدایت هدفمند نوآوری در سطح ملی به عنوان یک نیاز بحرانی در مقطع کنونی مورد نظر می‌باشد. توسعه نوآوری تنها به وسیله تعامل هدفمند مجموعه‌ای از نهادها امکان‌پذیر است. نهادهای مرتبط با نظام ملی نوآوری در صورت ایجاد انسجام و برقراری ارتباطات هدفمند میان خود، می‌توانند در قالب یک نظام پویا و مولد، نوآوری را در کشور ترویج و توسعه دهند.

امتیاز ایران در این رکن از ۰,۱۸ در سال ۲۰۱۳ به ۰,۱۶ در سال ۲۰۱۶ تنزل یافته است، که علیرغم بهبود بسیار ناچیز و نامناسب است. به نحوی که رتبه ۱۴ را در میان ۱۵ کشور منطقه به خود اختصاص داده است (شکل ۲-۲۷). رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی و قطر تنها کشورهایی در منطقه هستند که عملکرد مناسبی در نوآوری محصول از خود نشان داده‌اند و مابقی کشورهای MENA عملکرد قابل توجهی ندارند (شکل ۲-۲۷). در این رکن متغیر نهادهای "انتقال فناوری" و متغیر فردی "محصول نوآورانه" مورد سنجش قرار می‌گیرند. عملکرد متغیر نهادهای انتقال فناوری طی سالهای اخیر بهبود قابل توجهی داشته به نحوی که از ۰,۲۹ در سال ۲۰۱۳ به ۰,۵۵ در سال ۲۰۱۶ افزایش یافته است و در مقایسه با کشورهای MENA نیز جایگاهی میانی دارد (شکل ۲-۲۸). اما متغیر فردی که مستقیماً اشاره به تولید محصولات جدید توسط بنگاهها دارد عملکرد مناسبی نشان نداده و در وضعیت بحرانی است. به عبارتی بنگاههای ایرانی

علیرغم تناسب نسبی محیط برای بهره‌گیری از نوآوری و فناوری (سطح متغیر نهادی انتقال فناوری) قادر به نوآوری و بکارگیری فناوری در مسیر توسعه محصول جدید نبوده‌اند.

همانطور که پیش‌تر اشاره شد در اقتصاد کشور نهادهای دانشی بسیار اندک هستند و متأسفانه بروز کسب و کارهای نوآورانه به ندرت رخ می‌دهد. در واقع این کسب و کارهای نوآور و پررشد (که اغلب نیز در بدو شکل‌گیری خرد و کوچک هستند) هستند که نقش مهمی در تولید ارزش، رشد تولید و افزایش رقابت پذیری دارند. متأسفانه ضعف در آموزش‌های حین کار، فقدان ارتباط دانشگاه و صنعت، آموزش‌های آکادمیک ناهماهنگ با نیاز بازار، سهم پایین هزینه‌های تحقیق و توسعه در بخش غیر دولتی (طبق سرشماری سال ۱۳۹۲ کارگاه‌های صنعتی بالای ۱۰ نفر کارکن سهم R&D بنگاه‌ها اعم از دولتی و غیر دولتی، از تولید تنها ۰,۵ درصد و به عبارتی نزدیک به صفر می‌باشد)، عوامل نهادی در بخش فناوری و ... وضعیت اکوسیستم کارآفرینی را در کشور پیچیده نموده است.

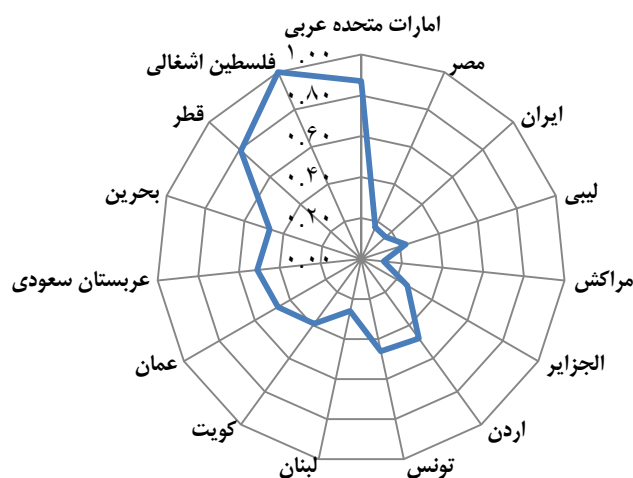
بهبود نهادها، ایجاد زیرساخت‌ها، کاهش بی‌ثباتی اقتصاد کلان همراه با ارتقاء سرمایه انسانی، همگی منافع قابل توجهی را به همراه خواهند داشت، اما در کنار این تلاش‌ها که سیاست‌گذاران و دولتمردان در پی آن هستند، رقابت‌پذیری در سایه نوآوری و تولید محصول جدید توسط بنگاه‌ها است که قادر خواهد بود ارتقاء سطح زندگی و رفاه اجتماعی را در بلندمدت تضمین نماید. تحقق این امر مستلزم ایجاد محیطی است که در آن بخش دولتی و خصوصی از فعالیت‌های نوآورانه حمایت کنند. تحریک تقاضا و ایجاد بازار برای محصولات نوآورانه، و ارتباط کسب و کارها با فعالیت‌های دانشگاهی برای نوآوری ضروری است؛ بدین منظور، سرمایه‌گذاری کافی در بخش تحقیق و توسعه به ویژه از سوی بخش خصوصی، وجود نهادهای قوی پژوهشی، حمایت از مالکیت فکری و همکاری گسترده دانشگاه و صنعت در انجام تحقیقات به عنوان مولفه‌های انتقال فناوری باید در کانون توجه قرار گیرد.

مقایسه وضعیت ایران در مولفه‌های انتقال فناوری در جدول ۲-۵ نمایش داده شده است. وضعیت نیازمند بهبود ایران در متغیر نهادی انتقال فناوری حاصل ضعف همکاری دانشگاه و صنعت، سرمایه‌گذاری پایین بخش خصوصی در تحقیق و توسعه و عدم حمایت جدی از حقوق مالکیت معنوی و در کنار آن ثبت و افشاء اختراعات است.

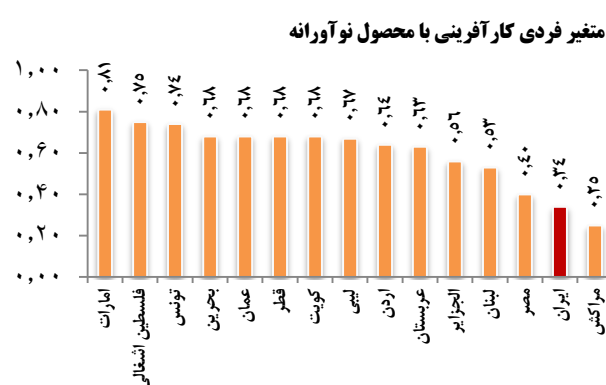
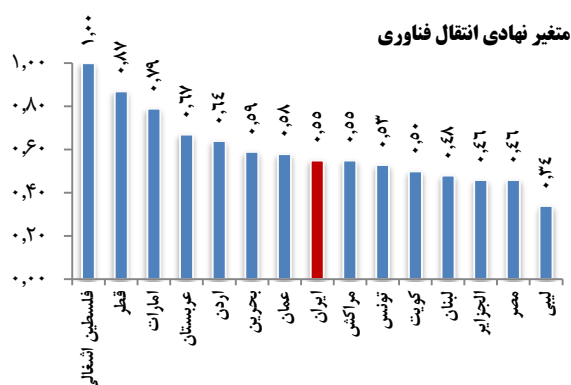
جدول ۲-۵- وضعیت ایران در مولفه‌های انتقال فناوری در مقایسه با دیگر کشورها

ایران		امارات متحده عربی (رتبه اول منطقه)		ترکیه		عربستان سعودی		مصر (رتبه آخر منطقه)	
رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره
۴۵	۴,۱	۳۰	۴,۸	۶۴	۳,۹	۴۴	۴,۲	۱۳۵	۲,۴
۱۱۰	۲,۷	۲۲	۴,۳	۸۹	۲,۹	۳۷	۳,۶	۱۳۳	۲,۳
۱۰۲	۳,۲	۲۲	۴,۷	۶۱	۳,۷	۳۸	۴,۲	۱۳۳	۲,۴
۱۰۵	۰,۱	۴۹	۵	۴۲	۶,۸	۴۴	۶,۷	۷۷	۰,۶

منبع: گزارش رقابت پذیری ۲۰۱۵-۲۰۱۴ (رتبه از ۱۴۴ کشور)



شکل ۲-۲۷- مقایسه نوآوری محصول در ایران با کشورهای MENA
(برپایه داده های GEI 2016)



شکل ۲-۲۸- مقایسه متغیرهای فردی و نهادی رکن نوآوری محصول در ایران با کشورهای MENA
(برپایه داده های GEI 2016)

قوانین ذیربط

نقشه جامع علمی کشور- سیاست‌های کلی علم و فناوری- قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه- قوانین بودجه- قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری- قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی- قانون ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بذر و نهال- قانون حمایت از حقوق مولفان و محققان و هنرمندان- قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای- قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری- مجموعه قوانین مرتبط با تولید به ویژه قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، قواعد پولی و بانکی- قانون الحاق دولت به معاهده همکاری در ثبت اختراعات- قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان- قانون ارتقاء کیفی تولید خودرو و سایر تولیدات صنعتی- قانون توسعه ابزارهای مالی جدید- قوانین مرتبط با تأسیس سایر صندوق‌های مالی و سرمایه‌گذاری (به ویژه صندوق‌های سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر- صندوق نوآوری و شکوفایی، پژوهش و فناوری، ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک، ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون و ...)

سازمان‌های ذیربط

معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری - قوه قضاییه (مرکز مالکیت معنوی) - وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - وزارت صنعت، معدن و تجارت - وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی - وزارت جهاد کشاورزی - وزارت اقتصاد و دارایی - وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات - پارک‌های علم و فناوری - صندوق‌های مالی و سرمایه‌گذاری (صندوق نوآوری و شکوفایی - صندوق‌های پژوهش و فناوری - صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک، VC ها و ...) - اتاق‌ها - سازمان‌های نظام صنفی - سازمان‌های مردم‌نهاد - شتاب‌دهنده‌ها - مراکز رشد و پارک‌های علمی و فناوری

۲-۱-۴-۲ نوآوری فرایند

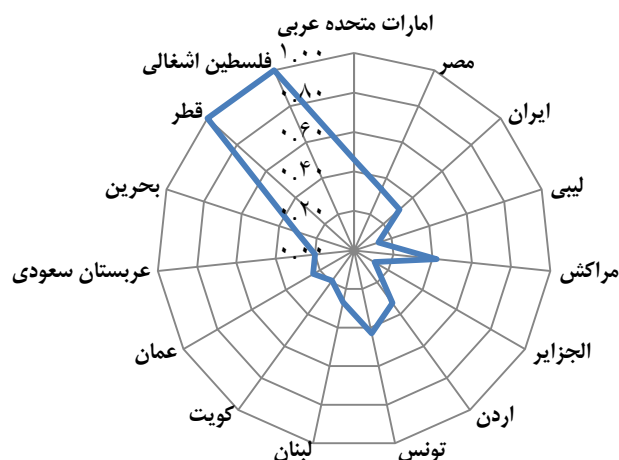
رکن نوآوری فرایند ظرفیت بنگاه‌های کشور در ایجاد و بکارگیری فناوری نوین را می‌سنجد. طبق گزارش ۲۰۱۶ GEI نوآوری فرایند در ایران نیازمند بهبود است (جدول ۲-۴). رکن نوآوری فرایند تقریباً در تمامی کشورهای منطقه MENA، بجز رژیم صهیونیستی و قطر، عملکردی ضعیف دارد (شکل ۲-۲۹). ضعف این رکن در کشورهای منطقه عمدتاً بواسطه ضعف آنها در زمینه نهادی نوآوری فرایند است. در حالی که در میان دو متغیر نهادی و فردی تشکیل دهنده این رکن، متغیر نهادی "هزینه ناخالص داخلی تحقیق و توسعه (GERD)" در ایران در وضعیت نسبتاً مناسبی قرار دارد و از مقدار استانداردسازی شده ۰٫۱۸ در سال ۲۰۱۳ به ۰٫۶۳ در سال ۲۰۱۶ ارتقا یافته است؛ هزینه‌های تحقیق و توسعه در ایران عمدتاً از طریق دولت تامین می‌شود و همانطور که در تحلیل رکن نوآوری محصول اشاره شد، متأسفانه بخش خصوصی در کشور توجه چندانی به تحقیق و توسعه نداشته و سهم ناچیزی در GERD دارند. بهبود این متغیر مدیون توجه دولت به مقوله پژوهش در برنامه‌های پنجساله کشور است، هرچند هنوز تا هدف مورد نظر در برنامه‌ها (۳٪ از GDP) فاصله بسیار زیادی وجود دارد (جدول ۲-۶). ایران از نظر هزینه GERD رتبه چهارم منطقه MENA را داشته (شکل ۲-۳۰) و در مقیاس جهانی نیازمند بهبود است (جدول ۲-۴). جدول ۲-۶ سهم تحقیق و توسعه از GDP برخی از کشورها را نشان می‌دهد. سهم اعتبارات پژوهشی از درآمد ناخالص ملی همواره به عنوان یک شاخص مهم توسعه‌یافتگی و رشد پایدار مورد توجه است و کاهش هزینه تحقیق و توسعه در شرایط کسری بودجه و رکود اقتصادی گزینه سیاستی مناسبی محسوب نمی‌گردد.

جدول ۲-۶- سهم تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی برخی کشورهای منتخب

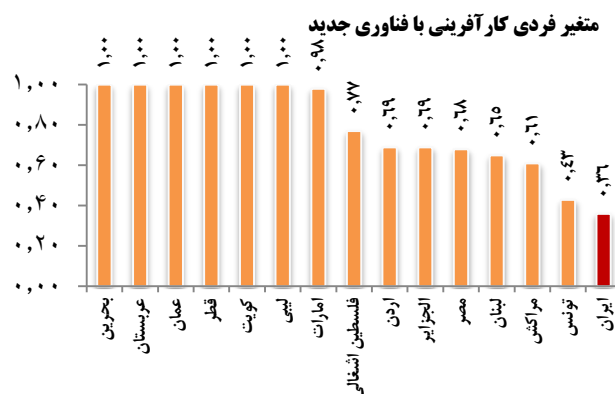
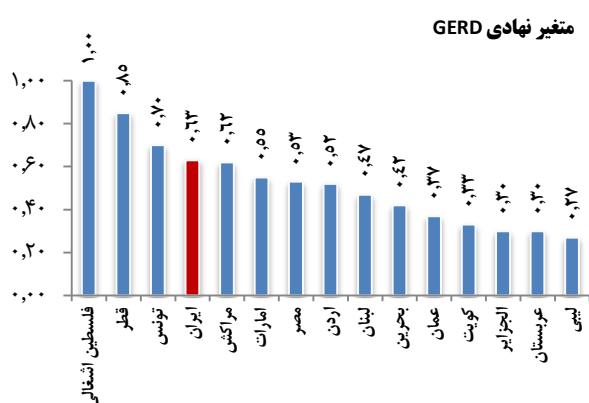
سال	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
ایران	۰٫۵۷	-	۰٫۶۷	۰٫۲۸	۰٫۲۷	-	۰٫۳۲
امارات	-	-	-	-	۰٫۴	-	۰٫۷
فلسطین اشغالی	۴٫۳۲	-	۴٫۱۲	۳٫۹۲	۴٫۰۱	۴٫۱۲	۴٫۰۸
عربستان	۰٫۰۴۵	۰٫۰۴۹	۰٫۰۷	-	-	-	-

منبع: جداول سربهای زمانی یونسکو.

با وجود زمینه نهادی نسبتاً متوسط ایران در این رکن، متغیر فردی "کارآفرینی با فناوری جدید" که میزان استفاده بنگاه‌های اقتصادی از آخرین فناوری‌های روز با عمر کمتر از پنج سال را مورد سنجش قرار می‌دهد، یکی از متغیرهای ضعیف و بحرانی اکوسیستم کارآفرینی کشور است (جدول ۲-۴). استفاده از فناوری، صرف‌نظر از آنکه فناوری در داخل کشور توسعه یافته باشد یا خارج از آن، به افزایش بهره‌وری می‌انجامد. نکته حائز اهمیت این است که شرکت‌های فعال در کشور باید به محصولات و طرح‌های پیشرفته دسترسی داشته باشند. امتیاز ایران در این متغیر فردی اگر چه از ۰٫۲۱ در سال ۲۰۱۳ به ۰٫۳۶ در سال ۲۰۱۶ ارتقا یافته است، ولی ایران رتبه آخر منطقه را در میزان استفاده بنگاه‌ها از فناوری‌های نوین کسب نموده است (شکل ۲-۳۰). در حالی که نزدیک به نیمی از کشورهای مورد بررسی در منطقه MENA امتیاز کامل و بالا در این متغیر دارند.



شکل ۲-۲۹- مقایسه نوآوری فرآیند در ایران با کشورهای MENA
(برپایه داده های GEI 2016)



شکل ۲-۳۰- مقایسه متغیرهای فردی و نهادی رکن درک فرصت در ایران با کشورهای MENA
(برپایه داده های GEI 2016)

قوانین ذیربط

سیاست‌های کلی علم و فناوری- قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور- قوانین بودجه- قوانین مرتبط با تسهیل انتقال و انتشار فناوری- قانون تشکیل اهداف و وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری- قوانین ناظر بر بازار تولید، سرمایه‌گذاری و تجارت

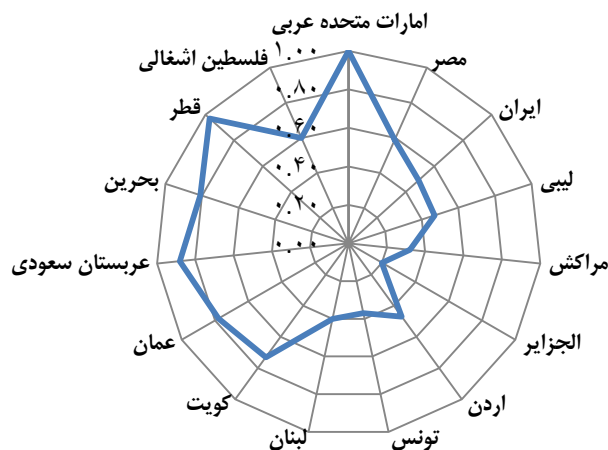
سازمان‌های ذیربط

وزارت صنعت، معدن و تجارت- معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری- وزارت امور اقتصادی و دارایی- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی- وزارت جهاد کشاورزی- بانک مرکزی- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات- صندوق‌های مالی و سرمایه‌گذاری (نوآوری و شکوفایی، صندوق توسعه فناوری‌های نوین ...)- اتاق‌ها- سازمان‌های نظام صنفی- سازمان‌های مردم نهاد

۲-۱-۴-۳- رشد بالا در کسب و کارها

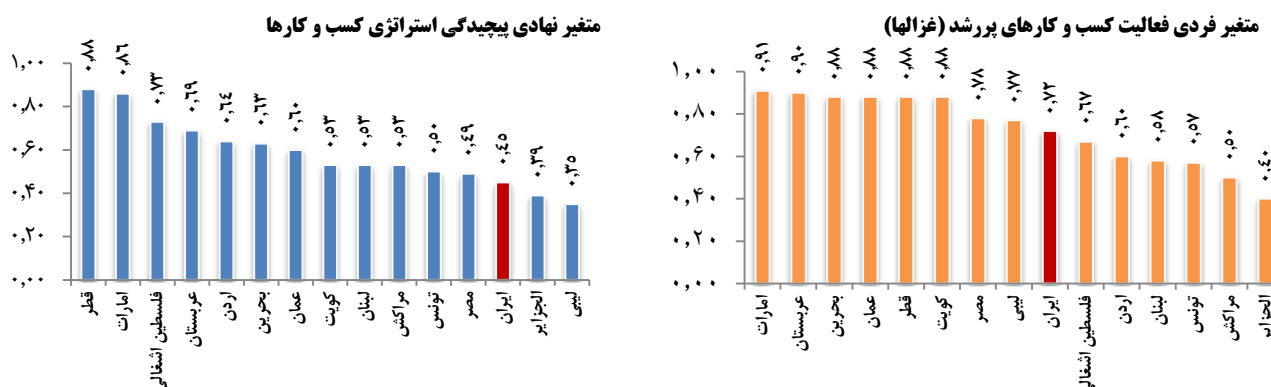
رکن رشد بالا در کسب و کارها سنجه‌ای بر انتظار ایجاد بنگاه‌های پررشد در کشورها (پتانسیل رشد بالا) است. مطالعات تجربی در کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که بخش بزرگی از اشتغال جدید در این کشورها از طریق بنگاه‌های پررشد (غزالها) بوجود می‌آید. مطابق با گزارش GEI 2016، انتظار رشد بالا در ایران نسبت به سایر کشورهای جهان در وضعیتی میانه قرار داشته و هر چند روندی رو به رشد داشته اما هنوز نیازمند بهبود است (جدول ۲-۴). این رکن شامل متغیر فردی "غزالها" (فعالیت کسب و کارهای پررشد) و متغیر نهادی "پیچیدگی استراتژی کسب و کار" است. پیچیده بودن بنگاه‌های تجاری به کارایی بالاتر در تولید کالاها و خدمات، جاگیری متمایز و شیوه‌های نوآورانه تولید و ارائه خدمات توسط بنگاه‌ها می‌انجامد. پیشرفته بودن بنگاه‌های تجاری به دو مؤلفه اشاره دارد که عبارتند از: کیفیت شبکه‌های کسب و کار هر کشور و کیفیت عملیات و راهبردهای هر بنگاه. این مؤلفه‌ها، برای کشورهایی که در سطوح بالایی توسعه‌یافتگی قرار دارند و از منابع بنیادین افزایش بهره‌وری به طور کامل بهره‌جسته‌اند، اهمیت بیشتری دارد. کیفیت شبکه‌های کسب و کار کشورها و صنایع حمایت‌گر که بر اساس کمیت و کیفیت تأمین‌کنندگان داخلی و میزان تعامل آنها سنجیده می‌شود، به دلایل متعددی حائز اهمیت است. زمانی که بنگاه‌ها و تأمین‌کنندگان بخشی از صنعت، در محدوده جغرافیایی مشخصی متمرکز می‌شوند و در قالب خوشه‌ها به فعالیت می‌پردازند، کارایی آنها افزایش یافته، فرصت‌های نوآوری در فرآیندها و محصولات تولیدی آنها تقویت می‌شود و از موانع ورود به صنعت برای بنگاه‌های جدید کاسته می‌گردد. عملیات و راهبردهای پیشرفته و نوآورانه درون شرکتی (برای نمونه در زمینه برندسازی، بازاریابی، توزیع، فرآیندهای پیشرفته تولید، تولید محصولات منحصر به فرد و پیشرفته) به شکل‌گیری فرآیندهای پیشرفته و نوین کسب و کار منجر می‌شود.

مطابق با گزارش GEI 2016 ایران در موضوع پیچیدگی استراتژی کسب و کار در وضعیت نامناسبی بوده و این متغیر نهادی به عنوان متغیر بحرانی در اکوسیستم کارآفرینی ایران شناسایی شده است (جدول ۲-۴). ایران در میان کشورهای MENA نیز جایگاه مناسبی ندارد (شکل ۲-۳۲). در مورد متغیر فردی "غزالها" امتیاز ایران بر اساس پیمایش جهانی GEM، ۰٫۷۲، برآورد گردیده است. این امتیاز نشان می‌دهد کارآفرینان در ایران انتظار دارند کسب و کارشان رشد بالایی داشته باشد. اما از آنجا که کسب و کارها از قابلیت و ظرفیت لازم در اتخاذ استراتژیهای پیچیده در بازار پیچیده برخوردار نیستند، در عمل آنگونه که انتظار دارند رشد نمی‌یابند. باید توجه داشت که اولاً در پیمایش جهانی GEM آنچه مورد سنجش قرار می‌گیرد انتظار رشد است نه رشد واقعی. در این خصوص یکی از ویژگی‌های بارز کشورمان که در متغیرهای فردی زیرمجموعه شاخص‌های گرایش کارآفرینانه نیز قابل مشاهده است، نگرش مثبت و شاید تاحدودی غیر واقع‌بینانه جامعه در زمینه راه‌اندازی کسب و کارهای کارآفرینانه می‌باشد. درثانی از منظر نهادی، کشور در سایر متغیرهای نهادی مرتبط در وضعیت مناسبی قرار ندارد و این موضوع بنگاه‌ها را در مدیریت نوآوری و خلق استراتژی‌های پیچیده برای دستیابی به رشد بالا با چالش مواجه می‌سازد. بهبود مهارت‌های مدیریتی و استراتژیک بنگاه‌های نوپا و ایجاد جریان دانش و به اشتراک گذاری تجربه در میان کارآفرینان می‌تواند بنگاه‌ها را در رسیدن به رشد موردانتظار کمک نماید. این در حالی است که برخی از کشورهای منطقه نظیر امارات، قطر و تاحدودی عربستان، عمان و بحرین قادر به استفاده از ظرفیتهای مدیریتی بنگاه‌های خود بوده‌اند (شکل ۲-۳۱).



شکل ۲-۳۱- مقایسه رشد بالا در ایران با کشورهای MENA

(برپایه داده های GEI 2016)



شکل ۲-۳۲- مقایسه متغیرهای فردی و نهادی رکن رشد بالا در ایران با کشورهای MENA

(برپایه داده های GEI 2016)

قوانین ذیربط

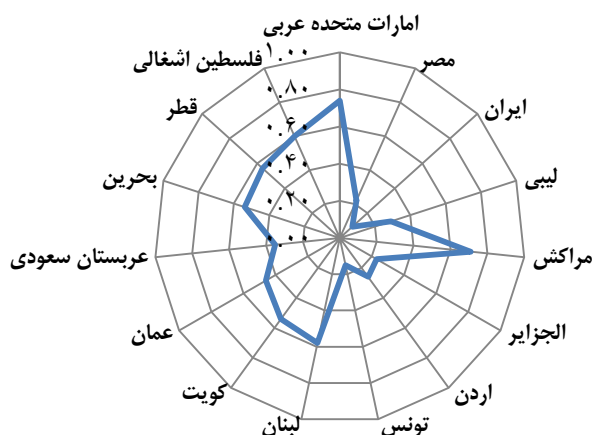
مجموعه قوانین ناظر بر بازار تولید، سرمایه گذاری و تجارت

سازمان های ذیربط

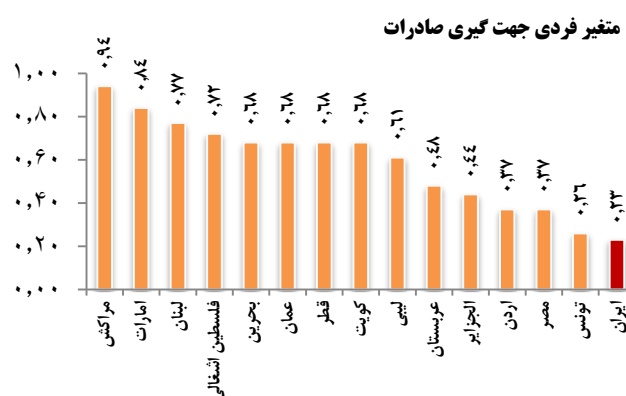
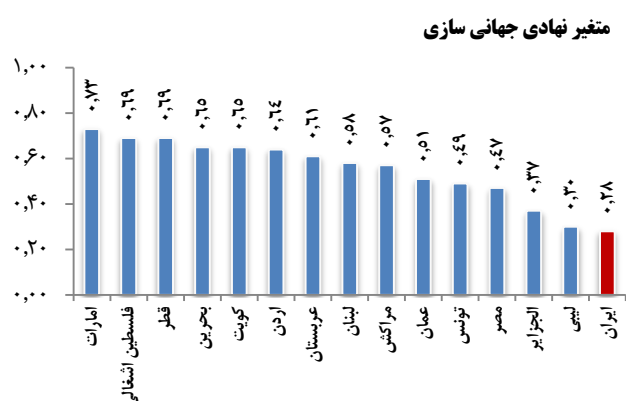
وزارت امور اقتصادی و دارایی- وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی- وزارت صنعت، معدن و تجارت- وزارت جهاد کشاورزی - وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات- معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری - سازمان حمایت از حقوق مصرف کنندگان و تولیدکنندگان- بانکها و صندوق های مالی و سرمایه گذاری- سازمان بورس و اوراق بهادار- مراکز رشد، پارک های علم و فناوری- بنیاد ملی نخبگان- شتاب دهنده ها- اتاق ها- انجمن ها و تشکل های صنفی

۲-۱-۴- بین المللی سازی

این رکن توان بنگاهها در ورود به بازار جهانی را می سنجد و شامل متغیر فردی "جهت گیری صادرات" و متغیر نهادی "جهانی سازی" است. عملکرد ایران در این رکن بسیار نامناسب بوده و رتبه آخر منطقه نیز از آن ایران است (جدول ۲-۴ و شکل ۲-۳۳). رکن "بین المللی سازی" با امتیاز ۰.۰۹ ضعیف ترین رکن از ارکان ۱۴گانه اکوسیستم کارآفرینی (با فاصله زیاد از میانگین جهانی ۰.۴۱) و بزرگترین گلوگاه کارآفرینی کشور است. هر چند تحریم های بین المللی تا حدودی بر عملکرد پایین این رکن موثر بوده است ولی ضعف در رقابت پذیری محصولات تولید داخل، جذب ضعیف سرمایه گذاری خارجی، تراز نامتعادل تجارت خارجی و موانع پنهان واردات نیز از دیگر دلایل می باشد. به طور کلی ضعف ایران در این رکن به هردو متغیر نهادی و فردی برمی گردد و بهبود آن نیازمند تلاش جدی دولت و بخش های عمومی و خصوصی اقتصاد است. انتظار می رود رفع تحریم ها بهبود در عملکرد این رکن را به دنبال داشته باشد. مجموعه کشورهای MENA عملکرد قابل توجهی در این رکن نشان نداده اند (شکل ۲-۳۳). بهترین عملکرد متعلق به امارات متحده عربی و مراکش است.



شکل ۲-۳۳ - مقایسه بین‌المللی سازی در ایران با کشورهای MENA
(بر پایه داده های GEI 2016)



شکل ۲-۳۴ - مقایسه متغیرهای فردی و نهادی رکن بین‌المللی سازی در ایران با کشورهای MENA
(بر پایه داده های GEI 2016)

قوانین ذیربط

مجموعه قوانین صادرات و واردات - قانون امور گمرکی - قانون اصلاح تعرفه گمرکی و اصلاحات بعدی - مجموعه قوانین مالیاتی - قانون تجارت - قانون توسعه تجارت الکترونیکی - قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی، خدماتی در تامین نیازهای کشور و تقویت آنها در صادرات - قوانین موافقتنامه‌های اقتصادی و بازرگانی بین دولت‌ها - قوانین موافقتنامه‌های تجارت آزاد - قوانین مرتبط با مناطق ویژه و آزاد - قوانین مرتبط با عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی - قانون رفع محدودیت صادرات تولیدات کشاورزی و دامی - قانون معافیت صادرات کالا و خدمات از پرداخت عوارض - قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز - قانون استفاده از منابع خارجی - قانون چگونگی اداره صندوق ضمانت صادرات

سازمان‌های ذیربط

وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان‌های تابعه - وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات - وزارت امور خارجه - وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی - وزارت امور اقتصادی و دارایی - بانک مرکزی - اتاق بازرگانی - بانک‌ها و صندوق‌های مالی - سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران - سازمان بورس و اوراق بهادار - صندوق ضمانت صادرات

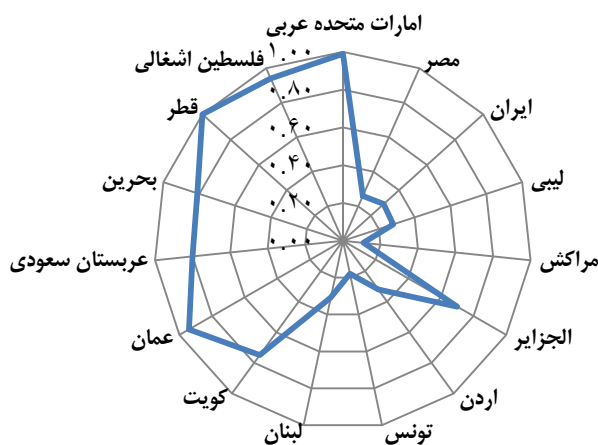
۲-۱-۴-۵- سرمایه ریسک پذیر

سرمایه یکی از مهمترین مولفه‌ها برای رشد نوآوری و فعالیت‌های کارآفرینانه است. ماهیت متفاوت کسب و کارهای نوآور و فناورانه که ریسکی بالاتر از کسب و کارهای سنتی به همراه دارند، شیوه‌های تامین مالی منحصر به خود را می‌طلبد. هر چند امتیاز ایران در این رکن بالا نیست (۲۹، ۰)، لیکن از آنجا که سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر در عمده کشورهای در حال توسعه در مراحل اولیه رشد بوده و نهادینه نشده است، وضعیت ایران هر چند به سرعت در حال افول است (شکل ۲-۲۶)، اما هنوز در مقایسه با سایر کشورهای جهان متوسط بوده و البته نیازمند بهبود است (جدول ۲-۴). به نظر می‌رسد برخی کشورهای حوزه MENA از جمله قطر، امارات، عمان، رژیم صهیونیستی و تاحدودی عربستان سعودی، بحرین و کویت در تامین سرمایه ریسک‌پذیر نسبت به جهان تلاش قابل توجهی داشته‌اند.

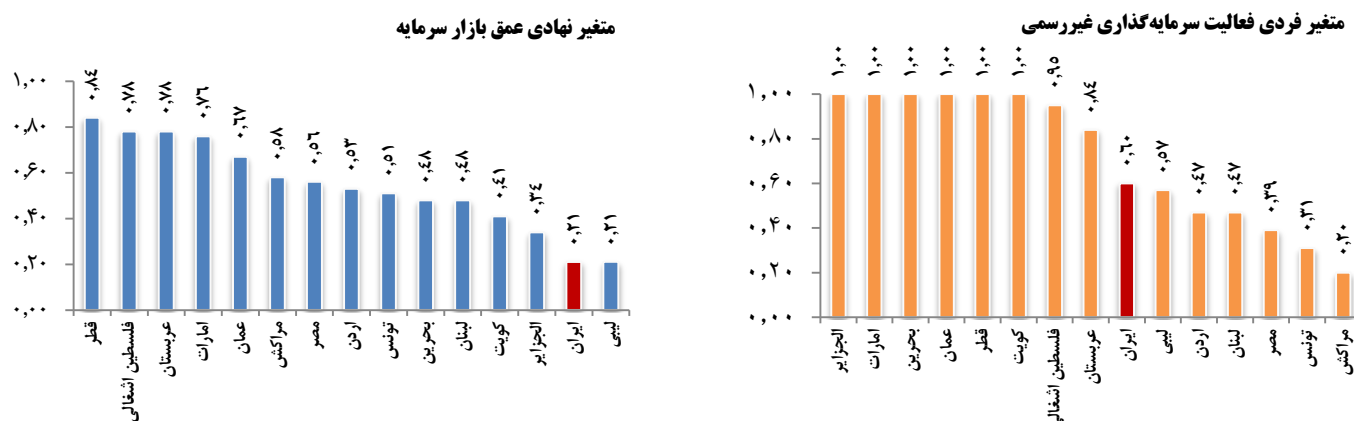
این رکن شامل متغیر فردی "سرمایه‌گذاری غیررسمی" و متغیر نهادی "عمق بازار سرمایه" می‌باشد. میزان توانایی نظام‌های مالی برای تامین مالی پروژه‌های پرریسک که عمدتاً با عدم قطعیت همراهند، بر میزان نوآوری بنگاه‌ها و در نتیجه رشد آنها تاثیر می‌گذارد. کشورهای دارای بازارهای مالی توسعه یافته و سرمایه‌گذاران ریسک‌پذیر فعال، از بنگاه‌های نوآور خود برای توسعه و رشد سریع حمایت می‌کنند. این در حالی است که علیرغم برخی تلاشها در ایران از جمله تشکیل فرابورس و حمایت از ایجاد صندوق‌های ریسک‌پذیر (که سابقه آن به بیش از دو دهه برمی‌گردد)، هنوز این نهاد حیاتی اکوسیستم کارآفرینی در کشور جان نگرفته است. به نحوی که متغیر نهادی "عمق بازار سرمایه" علیرغم روند رو به رشد، هنوز به عنوان یکی از متغیرهای بحرانی اکوسیستم شناسایی شده است (جدول ۲-۴). رتبه ایران در این در منطقه ۱۴ است که تنها بالاتر از کشور لیبی که در سالهای مورد مطالعه وضعیتی ناپایدار داشته است، قرار دارد (شکل ۲-۳۶).

هر چند فعالیتهای رسمی تامین سرمایه ریسک‌پذیر در ایران موفقیت چندانی نداشته اما فعالیت سرمایه‌گذاری غیررسمی (متغیر فردی در این رکن) در کشور که بخش اعظم آن را باید به بخش سرمایه‌گذاری فامیلی و خانواده و دوستان نسبت داد، رشد داشته است. فرشتگان کسب و کار در ایران شناسایی نشده‌اند و اطلاعاتی از آنها در دسترس نیست. نهادهای تامین مالی سنتی قادر به پذیرش ریسک بالا و تامین مالی کسب و کارهای کارآفرینانه در مراحل مختلف چرخه رشد نیستند و از اینرو رشد فعالیت‌های کارآفرینانه در گرو طراحی و بکارگیری شیوه‌های نوین تامین مالی است.

ایجاد مشوقهای سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر و رسمیت‌بخشی به فعالیت فرشتگان کسب و کار، در کنار امکان دسترسی عادلانه کارآفرینان در سراسر کشور به منابع مالی ریسک‌پذیر می‌تواند کمک موثری در ایجاد و رشد فعالیتهای کارآفرینانه باشد. حمایت از فعالیت پلتفرم‌های اندک تامین مالی جمعی از سایر ضروریات است. بویژه آن که تامین مالی با این روش در جهان رشد بالایی داشته و پس از VC ها رتبه دوم در حجم تامین مالی ریسک‌پذیر را دارد. در حال حاضر خوشبختانه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با همکاری سازمان بورس و دیگر دستگاه‌ها و نیز جمعی از فعالان حوزه تامین مالی جمعی در حال تدوین مجموعه مقررات آن می‌باشند.



شکل ۲-۳۵ - مقایسه سرمایه ریسک‌پذیر در ایران با کشورهای MENA
(بر پایه داده‌های GEI 2016)



شکل ۲-۳۶- مقایسه متغیرهای فردی و نهادی رکن سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر در ایران با کشورهای MENA (برپایه داده‌های GEI 2016)

قوانین ذیربط

مجموعه مقررات ناظر بر بازار سرمایه و نهادهای مالی وابسته به ویژه قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید- آئین‌نامه تاسیس صندوق‌های سرمایه‌گذاری جسورانه- بازار دارایی‌های فکری- مصوبه شماره ۵۲۲۵۳/ت/۱۱۶۹۵۹ هـ هیات وزیران در راستای تامین مالی جمعی

سازمان‌های ذیربط

وزارت امور اقتصادی و دارایی - وزارت کشور - معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری - سازمان بورس و اوراق بهادار- شرکت فرابورس ایران- درگاه‌های تامین مالی جمعی- نیروی انتظامی- بانک مرکزی- سازمان‌های مردم نهاد - صندوق‌های سرمایه‌گذاری شامل (ریسک‌پذیر- شرکت‌های تامین سرمایه- صندوق‌های سرمایه‌گذاری- صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک)- سایر نهادهای زیر مجموعه سازمان بورس- صندوق شکوفایی و نوآوری

۲-۲- تحلیل حساسیت

همانطور که مشاهده شد، اکوسیستم کارآفرینی ایران، با چالشها و گلوگاههای فراوان روبرو است. ناهمگنی شدیدی که در ارکان ۱۴گانه اکوسیستم مشاهده می‌شود، اکوسیستم را ناپایدار و ناکارا ساخته و هزینه مداخلات سیاستی برای بهبود وضعیت را افزایش می‌دهد. از اینرو سؤالاتی جدی مطرح می‌شود: چگونه میتوان مداخلات سیاستی را بهینه کرد؟ و تا چه میزان می‌توان انتظار بهبود داشت؟ بدیهی است که بهینه سازی اکوسیستم به معنای متعادل کردن آن (نزدیکتر کردن پروفایل به شکل دایره) است. اما زمانی که تعداد گلوگاهها زیاد و منابع محدود است، ناچار به اولویت‌بندی در اصلاح گلوگاهها هستیم. لذا برای پاسخ به سوالات فوق، لازم است تا ابتدا میزان کارآیی اکوسیستم تعیین و تحلیل حساسیت انجام شود. برای این کار از میانگین شکاف گلوگاه^{۳۳} (ABG) و میانگین کارآیی گلوگاه^{۳۴} (ABE) استفاده می‌کنیم.

$$ABG_i = \frac{100 * \sum (\max y_{i,j} - y_{i,j})}{(j - 1) * \max y_{i,j}}$$

^{۳۳}) Average Bottleneck Gap

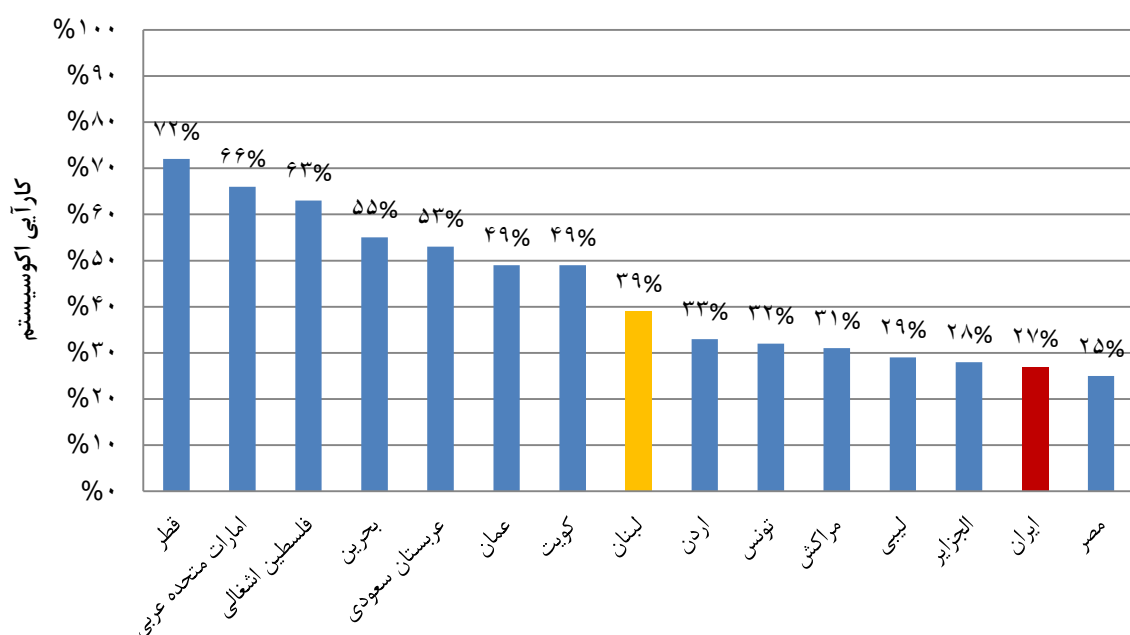
^{۳۴}) Average Bottleneck Efficiency

که در آن $y_{i,j}$ مقدار نرمال شده رکن j برای کشور i است.

$$ABE_i = 100 - ABG_i$$

هر چه عملکرد ارکان اکوسیستم کشوری به عملکرد بهترین رکن آن کشور نزدیک باشند (به درصد سنجیده می‌شود)، یعنی هر چه ABE_i بالاتر باشد، یعنی عملکرد متعادل‌تر بوده و در نتیجه استفاده موثرتری از منابع صورت گرفته است و برعکس هر چه ABG_i بزرگتر باشد، یعنی اکوسیستم نامتعادلتر و بهبود آن سخت‌تر است. بدیهی است کارآیی اکوسیستم ارتباطی با سطح توسعه یافتگی آن ندارد. ممکن است کشوری دارای اکوسیستمی ضعیف اما متعادل باشد.

در شکل ۲-۳۷ کارآیی اکوسیستم کشورهای منطقه MENA به تصویر کشیده شده است. همانطور که مشاهده می‌شود، کارآیی ایران فقط ۲۷٪ $ABE =$ است. یعنی ۱۳ رکن در شاخص GEI ایران به طور میانگین تنها به اندازه ۲۷٪ از ارزش بهترین رکن شاخص (مهارت کسب و کارهای نوپا) کارآیی دارند، ۱۲٪ کمتر از میانه منطقه (لبنان) و ۴۵٪ کمتر از متعادل‌ترین اکوسیستم منطقه (قطر). به عبارتی، گلوگاههای کشور بسیار جدی‌تر از کشورهای رقیب در منطقه است. بدیهی است بهینه‌ترین سیاستها آنهايي هستند که ارکان ناکارتر را مورد توجه قرار می‌دهند.



شکل ۲-۳۷- مقایسه میانگین کارآیی گلوگاه در اکوسیستم کارآفرینی ایران با کشورهای MENA

(محاسبه شده بر پایه داده های GEI 2016)

جدول ۲-۷ کارایی هر رکن را نسبت به ارزش بهترین رکن اکوسیستم ایران نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود، تنها دو رکن رشد بالا و سرمایه‌انسانی بیش از ۵۰٪ ارزش بهترین رکن کارآیی دارند و بقیه وضعیتی بسیار نامناسب دارند. به عبارتی تاوان گلوگاه که در محاسبه شاخص کارآفرینی ایران به آن اعمال شده بسیار زیاد است و لازم است سیاستگذاری ها بر ناکارترین گلوگاهها تمرکز داشته باشند.

جدول ۲-۷- کارآیی ارکان اکوسیستم کارآفرینی ایران

کارایی	درک فرصت	پذیرش ریسک	شبکه سازی	پشتیبانی فرهنگی	نوآرایی مبتنی بر فرصت	راه اندازی کسب و کار	جذب فناوری	سرمایه انسانی	رقابت	نوآوری محصول	نوآوری فرایند	رشدیابا	بین المللی سازی	سرمایه ریسک پذیر
۲۷٪	۲۰٪	۴۹٪	۲۷٪	۳۷٪	۴۴٪	۶۱٪	۳۵٪	۲۳٪	۴۴٪	۶۹٪	۱۳٪	۴۱٪		

محاسبه شده برپایه داده های GEI 2016

در جدول ۲-۸ تلاش لازم برای بهبود در عملکرد کلی شاخص محاسبه شده است، یادآوری می شود رتبه جهانی GEI ایران در گزارش سال ۲۰۱۶، ۸۰ و رتبه آن در منطقه ۱۴ و کارآیی اکوسیستم آن معادل ۲۷٪ می باشد و طی ۳ سال اخیر، ۱،۱ امتیاز بهبود در GEI و ۴٪ بهبود در کارآیی اکوسیستم را تجربه کرده است:

جدول ۲-۸- تحلیل حساسیت مداخلات سیاستی

نام رکن	امتیاز فعلی رکن	۳ امتیاز بهبود در GEI (رتبه ۷۰ جهان و ۱۱ منطقه) کارآیی اکوسیستم=۲۹٪		۵ امتیاز بهبود در GEI (رتبه ۶۲ جهان و ۱۰ منطقه) کارآیی اکوسیستم=۳۰٪		۱۰ امتیاز بهبود در GEI (رتبه ۵۲ جهان و ۹ منطقه) کارآیی اکوسیستم=۳۵٪	
		امتیاز هدف رکن	درصد تمرکز سیاستهای جدید بر رکن**	امتیاز هدف رکن	درصد تمرکز سیاستهای جدید بر رکن**	امتیاز هدف رکن	درصد تمرکز سیاستهای جدید بر رکن**
بین المللی سازی	۰،۰۹	۰،۲	۵۲٪	۰،۲۵	۳۸٪	۰،۳۴	۲۴٪
پذیرش ریسک	۰،۱۴	۰،۲	۲۹٪	۰،۲۵	۲۶٪	۰،۳۴	۱۹٪
نوآوری محصول	۰،۱۶	۰،۲	۱۴٪	۰،۲۵	۲۱٪	۰،۳۴	۱۶٪
پشتیبانی فرهنگی	۰،۱۹	۰،۲	۵٪	۰،۲۵	۱۴٪	۰،۳۴	۱۴٪
رقابت	۰،۲۵					۰،۳۴	۹٪
راه اندازی کسب و کار مبتنی بر فرصت	۰،۲۶					۰،۳۴	۷٪
سرمایه ریسک پذیر	۰،۲۹					۰،۳۴	۵٪
جذب فناوری	۰،۳۱					۰،۳۴	۳٪
نوآوری فرایند	۰،۳۱					۰،۳۴	۳٪

* با فرض ثابت بودن جایگاه سایر کشورها

* با فرض یکسان بودن هزینه تلاشها در ارتقاء هر واحد امتیاز هر رکن

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود ۴ رکن بین المللی سازی، پذیرش ریسک، نوآوری محصول و پشتیبانی فرهنگی، ناکاراترین ارکان اکوسیستم کارآفرینی کشور هستند و لازم است تا در اولویت سیاستگذاری قرار گیرند.

۲-۳- جمع بندی

در این بخش، عملکرد ایران و مقایسه آن با کشورهای منطقه به روایت گزارش جهانی GEI بررسی گردید. با آنکه نتایج ارکان ۱۴ گانه کارآفرینی به صورت مجزا بررسی شده اند، اما نباید فراموش کرد که این ارکان مستقل از یکدیگر عمل نمی کنند. در واقع، ارکان خاصیت تکمیل کنندگی دارند. هر یک از ارکان یکدیگر را تقویت می کنند و وجود ضعف در هر یک از آنها به ایجاد ضعف در رکن دیگر

می‌انجامد. برای مثال، بدون در اختیار داشتن نیروی کار دانشی و همچنین بدون دسترسی آسان به منابع کافی تأمین مالی جهت فعالیت‌های تحقیق و توسعه و یا بدون برخورداری از بازارهای کارآمد که امکان جذب نوآوری را در بازار فراهم آورند، افزایش ظرفیت نوآوری دشوار خواهد بود.

در مجموع، در مطالعه وضعیت شاخص کارآفرینی ایران به گلوگاه‌های جدی برخوردیم. عدم توفیق در این ارکان کلیدی نشان از رفتار نامطلوب و بیمارگونه ابعاد متنوع اقتصاد کشور دارد. هر چند نمی‌توان از پیامدهای سوء ناشی از تحریم‌ها چشم‌پوشی کرد، اما باید توجه داشت که برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل در اقتصاد کنونی کشور چه در سطح راهبردی و چه در سطح عملیاتی تأمل برانگیز است. پروفایل کارآفرینی ایران ناهموار و به شدت نامتعادل است. علیرغم منابع طبیعی و انسانی ارزشمند، رتبه اکوسیستم کارآفرینی کشور اصلاً مطلوب نیست. این نشان می‌دهد که فراوانی منابع طبیعی همچنان کشور را به سمت وابستگی روزافزون به نفت و ماندن در محله نهاده‌محوری هدایت می‌نماید. نقطه قوت قابل توجه ایران وجود سرمایه انسانی است که در صورت توجه، امکان کارآفرینی و رشد بالا را فراهم می‌نماید. این مزیت با محدودیتهایی در جهانی‌سازی، حمایت فرهنگی، نوآوری، رقابت و پذیرش ریسک همراه است. ایران تنها در زمینه مهارت‌های راه‌اندازی کسب و کار دارای قابلیت‌هایی بالاتر از متوسط منطقه است اما در سایر زمینه‌ها ضعیف‌تر از متوسط منطقه عمل کرده است. به طور کلی بهترین عملکرد ایران در نگرش کارآفرینی است که در آماده‌سازی افراد برای کارآفرینی کاربرد دارد اما با ضعف‌های فراوانی در توانایی کارآفرینی، که منجر به راه‌اندازی کسب و کار می‌شود و همچنین در اشتیاق کارآفرینانه که منجر به رشد و توسعه بنگاه‌های اقتصادی می‌شود، مواجه است. با این وجود تنگناها و موانع قابل توجهی نیز حتی در نگرش جامعه به کارآفرینی وجود دارد. به عنوان مثال با وجود اندازه بازار نسبتاً مناسب، توانایی کشور در درک فرصت مناسب نیست.

در مجموع با نگاهی همه‌جانبه به عملکرد ارکان اکوسیستم کارآفرینی می‌توان اینطور ادعا نمود که عوامل نهادی در ایران بازدارنده کارآفرینی هستند - این امر الگویی تیپ برای کشورهای در حال توسعه است - و بهبود اکوسیستم کارآفرینی در ایران مداخلات سیاستی پیچیده‌ای را می‌طلبد. آنچه مسلم است ایران به یک برنامه سیاستی جامع، گسترده و منظم برای رفع موانع بدون تضعیف توان‌ها نیاز دارد.

بخش سوم—

سیاست کارآفرینی

برای تحقق جامعه کارآفرین لازم است تا مجموعه‌ای از سیاست‌های متنوع عمومی مدنظر قرار گیرد:

الف) **سیاست‌های مرتبط با اقتصاد جهانی:** سیاست‌های تجاری، پیوستگی جهانی، دسترسی به فناوری خارجی از جمله عوامل موثر بر شکل‌گیری و ارتقای جامعه کارآفرینانه است.

ب) **سیاست‌های ملی:** سیاست‌های آموزشی، سیاست‌های علم و فناوری، سیاست‌های تحقیق و توسعه، سیاست‌های مرتبط با دعاوی حقوقی و مقررات‌گذاری از جمله سیاست‌هایی هستند که در سطح ملی در ارتقای جامعه کارآفرینانه تاثیرگذار هستند. نظام آموزشی متناسب با جامعه کارآفرینانه، سیاست‌های تحقیق و توسعه و فضای حقوقی کشور باید متناسب با شکل‌گیری جامعه کارآفرین تغییر یابند.

ج) **سیاست‌های منطقه‌ای:** از آنجا که فعالیتهای کارآفرینانه به شدت وابسته به ویژگیهای مکانی است، علاوه بر سیاست‌های ملی لازم است تا سیاست‌های منطقه‌ای نیز متناسب با شرایط مکانی صورتبندی و پیاده‌سازی شوند.

د) **سیاست‌های موثر بر کارآفرینان:** نظام حقوقی کارآمد، سهولت در راه‌اندازی کسب و کار، تسهیل دسترسی به منابع مالی، حمایت مناسب از مالکیت فکری و مشوق‌ها از جمله محورهای اساسی تاثیرگذار بر سطح کارآفرینی هستند.

و در نهایت؛

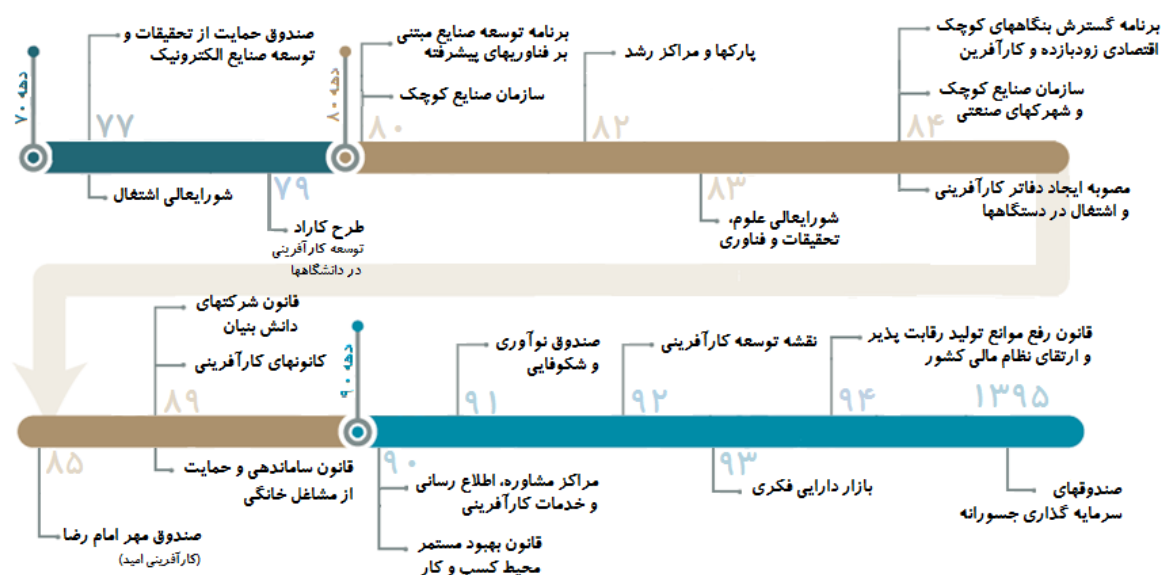
هـ) **سیاست‌های تاثیرگذار بر جامعه**

مقدمه

توجه دولتها به مقوله کارآفرینی و تلاش برای مداخله در این موضوع، پیشینه زیادی ندارد. ویژگیهای جدید اقتصاد جهانی، بویژه تنوع و تغییرات سریع در بازارها و افزایش عدم اطمینان در کسب و کارها که حاصل از پیشرفت فناوری است، موجب شده تا اهمیت سرمایه‌های غیرفیزیکی (نظیر سرمایه انسانی) برای خلق ثروت افزایش یابد. دانش، به عنوان نیروی پیشران رشد اقتصادی، جایگزین سرمایه فیزیکی شده است. امروزه دیگر بنگاه‌های بزرگ هدایت‌کننده دانش جدید نیستند و جای خود را به افراد و بنگاه‌های کوچک داده‌اند. این تغییرجهت‌ها موجب شده که سیاست‌های صنعتی سنتی (که در پی گسترش سرمایه‌گذاریهای کلان و تولید انبوه و بنگاه‌های بزرگ بودند)، به مرور جای خود را به سیاست‌های کارآفرینی (که تلاش در پیشبرد نوآوری و ایجاد کسب و کارهای پررشد دارند) بدهند. کشورهای توسعه یافته که تاکنون اقتصاد مدیریت شده را دنبال می‌کردند، خود را در مسیر اقتصاد کارآفرینانه قرار داده‌اند.

تغییر جهت سیاست‌های صنعتی ابتدا به شکل تمرکز بر SMEها با شعارهایی نظیر "کوچک زیباست" ظهور کرد. تشویق جامعه به کارآفرینی، پشتیبانی از آموزش‌های کارآفرینی و کاهش موانع مالی و مدیریتی برای ایجاد کسب و کارهای جدید از جمله تلاش‌های اولیه دولتها در این مرحله است. پس از آن، توجه سیاستگذاران به اهمیت نوآوری در پایداری کسب و کارهای کوچک جلب شد و نسل دوم سیاست‌های کارآفرینی، تمرکز بر تشویق نوآوری و انتقال فناوری از طریق استارت‌آپ‌های کوچک، پشتیبانی از ایجاد مراکز رشد و پارک‌های علمی (و فناوری) در نزدیکی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، شبکه‌سازی در میان پارک‌های علمی، سرمایه‌گذاری در R&D، تشویق همکاری میان بنگاه‌های کوچک نوآور و به طور کلی تقویت نظام‌های ملی، منطقه‌ای و بخشی نوآوری داشتند. نسل سوم سیاست‌های کارآفرینی پس از آن بوجود آمدند که مطالعات تجربی نشان داد که کسب و کارهای جدید (حتی از نوع نوآور)، به یک اندازه در رشد اقتصادی نقش ندارند و به یک اندازه شغل ایجاد نمی‌کنند؛ بلکه تنها اقلیت کوچکی از بنگاه‌های جدید هستند که حجم قابل توجهی از مشاغل جدید بوجود می‌آورند. لذا نسل سوم سیاست‌های کارآفرینی بر بنگاه‌های نوآور پررشد تمرکز دارد و سیاست‌های خدمات دانش‌بنیان و برنامه‌های شتابدهندگی مورد اقبال قرار گرفته است. هر سه نسل سیاست‌ها، مکمل یکدیگرند و ظهور نسل جدید به معنای مرگ دو نسل دیگر نیست.

در ایران مراحل توسعه صنعتی به طور کامل طی نشده و طبیعی است که در چنین شرایطی سیاست‌های کارآفرینی نیز مراحل مشابه غرب را طی نکرده و هنوز تفکر سیاست صنعتی سنتی بر سیاستگذاران غالب است؛ هر چند تلاش‌هایی پراکنده انجام شده که هر یک بخشی از سیاست‌های کارآفرینی را هدف قرار داده‌اند. اولین تلاش‌ها با تمرکز بر SMEها به پیش از انقلاب اسلامی (۱۳۴۷) و تاسیس سازمان صنایع کوچک و نواحی صنعتی ایران برمی‌گردد. توجه به آموزش‌های کارآفرینی از نیمه دوم دهه ۷۰ شمسی آغاز شد، هر چند اهمیت کارآفرینی عمدتاً به عنوان خود اشتغالی درک شده بود. در حال حاضر نهادهای متعددی در ایران به صورت‌بندی سیاست کارآفرینی از منظرهای مختلف می‌پردازند: وزارت صنایع و معادن (سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی) تمرکز بر SMEها دارد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری تمرکز بر نظام ملی نوآوری دارند، نهادهای حمایتی نظیر سازمان بهزیستی و کمیته امداد بر جنبه خوداشتغالی و پتانسیل کارآفرینی در کاهش فقر تکیه دارند و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مجموعه‌ای از هر سه رویکرد را به طور غیرهمه‌انگ دنبال می‌کند. شکل ۱-۳ به برخی از سیاست‌های موثر بر انواع کارآفرینی در کشور (اجباری و مبتنی بر فرصت)، از دهه ۷۰ تاکنون اشاره دارد.



شکل ۳-۱- روند سیاستهای کارآفرینی در کشور

شکی نیست که درک درست از مفهوم کارآفرینی، اکوسیستم کارآفرینی و اصلاحات ساختاری، از جمله پیش‌نیازهای اساسی توسعه کارآفرینی است که اساساً بر عهده دولت‌ها است. هدف از اصلاحات ساختاری در کشورها اطمینان از انطباق سطوح سیاستی با نیازها و ضرورت‌های توسعه کارآفرینی در مقاطع مختلف زمانی است، که در شرایط حاضر لازم است تا با هدف بهبود فضای موجود به نفع کسب و کارهای جدید، نوآور و دارای پتانسیل رشد بالا صورت گیرد. در این جا، اگرچه بار اصلی اصلاحات بر دوش نظام دولتی قرار دارد، اما خاستگاه اصلاحات، تقویت تعاملات بین بخشی و مذاکرات منظمی است که بین دولت و سایر ذینفعان صورت می‌گیرد. این در حالی است که حتی در میان سیاستگذاران دولتی نیز نگرش مشترک به مقوله کارآفرینی وجود ندارد. برای دگرگونی و دستیابی به جامعه کارآفرین و اقتصاد مقاومتی، لازم است تا سیاستهای توسعه کارآفرینی در اولویت سیاستهای کشور قرار گیرد. وجود یک متولی مشخص برای هماهنگ‌سازی سیاستها و برنامه‌های موثر بر کارآفرینی در کشور، می‌تواند در پیشبرد سیاستها و بهبود اکوسیستم کارآفرینی کشور بسیار مفید باشد.

۳-۱- سیاستهای موثر بر اکوسیستم کارآفرینی

سیاستهای کارآفرینی طی زمان به سمت نگاه جامع و کل نگر به کارآفرینی هدایت شده‌اند و تفکر "اکوسیستم پشتیبان کارآفرینی" تبدیل به تفکر غالب در میان سیاستگذاران این حوزه شده است. استفاده از استعاره اکوسیستم در تحلیل عوامل موثر بر کارآفرینی، بر نحوه تحلیل، روش‌های طراحی و صورتبندی سیاستی تاثیرگذار است. استعاره اکوسیستم برای تاکید بر جنبه های زمینه ای و محلی کارآفرینی استفاده می‌شود. مهمترین پیام این استعاره، یکتایی و منحصر بفرد بودن محیط (اکوسیستم) است زیرا نتیجه و برآیند تعاملات متقابل و پیچیده‌ی صدها عامل است که ریشه در نهادهایی شکل گرفته در طول تاریخ دارد. این نهادها برای کشورهای مختلف، در کنار مزیت‌های رقابتی منحصر بفرد، مجموعه‌ای خاص از چالش‌ها بوجود می‌آورند که باید بر آنها غلبه کرد. به همین سبب است که در این رویکرد، استفاده‌ی کورکورانه از الگوی توسعه‌ی کارآفرینه‌ی یک کشور (منطقه) و اعمال آن برای کشور (منطقه) دیگر ناکاراست. پیام دوم، در کنار وابستگی شدید اکوسیستم به زمینه، "غیرقابل ساخته شدن" آن است. اکوسیستم کارآفرینی قابل ساختن نیست. نهادها برحسب نیاز و

تطور جامعه بوجود آمده و در تعامل با یکدیگر به بلوغ می‌رسند. دولتها وظیفه تسهیل و روانسازی تعاملات و جریان دانش و اطلاعات را دارند. سومین پیام، لزوم گسترش نگاه سیاستگذاران از سیاستهای منحصر به تشویق ورود کسب و کارها (آموزش کارآفرینی، تامین مالی و ...) به سیاستهای پشتیبان در طول دوره عمر یک کسب و کار کارآفرینانه است. از اینرو به طور کلی برای تحقق جامعه کارآفرین باید مجموعه ای از سیاستهای متنوع عمومی مدنظر قرار گیرد:

الف) سیاست های مرتبط با اقتصاد جهانی: سیاستهای تجاری، ارتباطات جهانی و دسترسی به فناوری خارجی از جمله عوامل موثر بر شکل‌گیری و ارتقای جامعه کارآفرینانه است.

ب) سیاست‌های ملی: سیاست‌های آموزشی، سیاست‌های علم و فناوری، سیاست‌های تحقیق و توسعه، سیاست‌های مرتبط با دعای حقوقی و مقررات‌گذاری از جمله سیاست‌هایی هستند که در سطح ملی در ارتقای جامعه کارآفرینانه تاثیرگذار هستند. نظام آموزشی و فضای حقوقی کشور باید متناسب با نیازهای جامعه کارآفرین تغییر یابند.

ج) سیاست‌های منطقه‌ای: کارآفرینی ضمن اینکه از سیاست‌های ملی تاثیر می‌پذیرد به دلیل وابستگی شدید اکوسیستم به زمینه بی‌نیاز از سیاست‌های منطقه‌ای نیست.

د) سیاست های موثر بر کارآفرینان: نظام حقوقی کارآمد، سهولت در راه‌اندازی کسب و کار، تسهیل دسترسی به منابع مالی، حمایت مناسب از مالکیت فکری، مشوق ها از جمله محوره‌های اساسی تاثیرگذار بر سطح کارآفرینی هستند. و در نهایت؛

هـ) سیاست‌های تاثیرگذار بر جامعه: فرهنگ، ارزشها و باورها عوامل رفتار ساز هستند و نه تنها بر ورود افراد به کارآفرینی موثرند بلکه تعیین کننده نحوه و کیفیت تعاملات درون اکوسیستم هستند.

حوزه های سیاستی موثر بر اکوسیستم کارآفرینی را می‌توان در ۸ گروه طبقه‌بندی کرد (شکل ۳-۳) تا بر اساس این حوزه ها و نتایج حاصل از ارزیابی وضعیت ایران که در فصل قبل توصیف شد، راهکارهایی کلی برای توجه ذینفعان جهت انجام مداخلات آتی پیشنهاد گردد. در شکل ۳-۳ برخی از حوزه های مداخله، به رنگ قرمز درآمده اند. این حوزه‌ها ارتباط مستقیم با ۴ گلوگاه بحرانی اولویت دار اکوسیستم ایران دارند (بین المللی سازی، پذیرش ریسک، نوآوری محصول و پشتیبانی فرهنگی). با توجه به چرخه سیاستگذاری (شکل ۱)، لازم است تا چالشها، علت‌ها و راهکارها با استفاده از مشارکت خبرگان مورد بررسی عمیق قرار گرفته و تدقیق شوند.

شکل ۳-۲- حوزه‌های مداخلات سیاستی تاثیرگذار بر اکوسیستم کارآفرینی

پشتیبان‌ها	فرهنگ	زیرساخت	شرایط بازار	دسترسی به منابع مالی	قابلیت‌های کارآفرینانه	فناوری و R&D	چارچوب‌های قانونی
مراکز رشد	پذیرش ریسک و عدم ترس از شکست در جامعه	زیرساخت‌های عمومی (حمل و نقل، انرژی و ...)	قوانین ضد تراست	دسترسی به منابع اعتباری	تحصیلات، تجربه و دانش	سرمایه‌گذاری R&D	بورورکراسی اداری
ثبت دهنده‌ها	درک از مهارت	زیرساخت‌های مخابرات	رقابت	دسترسی به سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر	مهارت‌های کسب و کار و کارآفرینی	همکاری دانشگاه و صنعت	مقررات تولید و سرمایه‌گذاری
مراکز مشاوره	فرهنگ کارآفرینی فرصت‌گرا		میزان دولتی بودن اقتصاد	بازارهای رسمی سهام	کارآفرینی فرصت‌گرا	انتقال و جذب فناوری	مقررات بازار کار
شبکه‌ها و انجمن‌های تخصصی - متورها - خبرگان	درک فرصت‌ها و علاقمندی به راه اندازی کسب و کار		دسترسی به بازار داخلی	دسترسی به انواع دیگر مدل‌های سهام	نظام آموزشی	دسترسی به فناوری	مقررات ورشکستگی
	منزلت اجتماعی کارآفرینان در جامعه		دسترسی به بازارهای خارجی	فرشتگان کسب و کار		نظام ثبت اختراع (IP)	قوانین مالیاتی
	شناخت کارآفرینان					همکاری‌های فنی بین‌بنگاهی	چارچوب‌های حقوقی و قضایی
	باور به بهبود مسیر شغلی کارآفرینی جایگزین مزدبگیری					کیفیت نهادهای پژوهشی	قواعد بانکی و پولی
							قوانین گمرکی و مقررات صادرات و واردات
							مقررات راه اندازی و ادامه کسب و کار
							مقررات تجارت جهانی

۳-۲- راهکارهای پیشنهادی

ایران از نظر نیروی انسانی، مواد اولیه و وجود بازارهای بزرگ و دسترسی به زیرساخت‌های ارزان قیمت انرژی، آنچنانکه در سند چشم انداز نیز هدف‌گذاری شده است، امکان تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای را دارد. اما آمارها بیانگر وضعیت نامناسب ایران در منطقه است. در حال حاضر کشور در اجزای مختلف اکوسیستم کارآفرینی دارای رشد نامتقارن و گلوگاه‌های جدی است. نگاه مقطعی و تک بعدی بازیگران اصلی به موضوع کارآفرینی باعث شده تا با وجود پتانسیل‌های مناسب در کشور، به خروجی مطلوب دست پیدا نکنیم. تنوع منطقه‌ای ایران و تعدد مزیت‌ها و پتانسیل‌های استانی باعث شده تا نسخه‌های عمومی سیاستی برایمان عملی نباشد. **کشور بوضوح نیاز به اتخاذ یک رویکرد منطقه‌ای برای توسعه اکوسیستم ملی کارآفرینی خود به عنوان شبکه‌ای از اکوسیستم‌های منطقه‌ای کارآفرینی دارد.**

پروفایل به شدت نامتوازن ایران نشان می‌دهد که پتانسیل دستیابی به پیشرفت‌های اساسی از طریق تمرکز تلاش‌های سیاستی بر گلوگاه‌های اصلی و با اولویت بهبود زیرساخت‌های نهادی کسب و کار وجود دارد. تدوین راهبردهای اساسی و سیاست‌گذاری‌های بلندمدت و تعاملات هدفمند بین بخشی برای استفاده از ظرفیت بالقوه موجود در کشور می‌تواند اکوسیستم کارآفرینی ایران را بهبود بخشد. با توجه به تجارب کشورهای موفق در عرصه کارآفرینی و نیز با بهره‌گیری از مطالعات و مستندات در دسترس، امکان سیاست‌گذاری در همه سطوح سیاستی دور از امکان نیست؛ ولی برای این کار تشکیل گروه‌های کانونی متشکل از ذینفعان در تدوین و اعتبارسنجی سیاست‌ها و برنامه‌ها ضرورت دارد. با توجه به گستردگی عوامل تاثیرگذار بر اکوسیستم، هماهنگی بین نهادهای موثر و همسوسازی سیاست‌ها امری گریز ناپذیر است. در غیر این صورت، تلاش‌ها اثربخشی لازم را نداشته و بخش قابل توجهی از منابع اتلاف خواهد شد. **وجود یک دستگاه متولی جهت هماهنگ سازی تلاشها برای بهبود نظام کارآفرینی و پایش مستمر آن در سطوح ملی و منطقه‌ای ضروری است.**

در ادامه بحثی کوتاه در هر یک از سطوح سیاستی تاثیرگذار بر کارآفرینی خواهیم داشت و متناسب با گلوگاه‌های شناسایی شده، توصیه‌های سیاستی ارائه می‌گردد.

۳-۲-۱- چارچوب‌های قانونی

- ۱- قوانین هنگامی می‌توانند وظیفه مهم خود را به منظور راهنمایی مخاطبین برای برنامه ریزی فعالیت‌های اقتصادی انجام دهند که باثبات و پایدار باشند. اگر قوانین دائما تغییر یابند و اصلاح شوند، پیش‌بینی فضای کسب و کار مختل می‌شود. در نظام قانونگذاری کشور اصلاح مکرر و پراکندگی قوانین که ناشی از فرایند نامناسب تدوین و تنقیح قانون است، به شدت بر ثبات قوانین تاثیر منفی نهاده است. همچنین، رجحان قانونگذاری از سوی قانونگذار و بازماندن آنها از انجام دیگر وظایف خود، نظیر نظارت - به عنوان یکی از حلقه‌های زنجیره قانونگذاری -، منجر به تورم قوانین، اجرای نامناسب قانون و عدم کارآمدی آن شده است.^{۳۵}
- ۲- مطالعه قوانین کشور نشان می‌دهد که ظرفیت‌های قانونی مناسبی در کشور وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار، نقشه جامع علمی کشور، قانون حمایت از شرکت‌ها و موسسات دانش بنیان، احکام مندرج در برنامه ای توسعه‌ای، قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر، قانون استفاده از حداکثر توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم داخلی و ... اشاره نمود، اما آمارها حاکی از آنست که قانونگذاری صرف توانسته فضای کسب و کار کشور را بهبود دهد. از این رو لازم است الزامات تحقق جامعه کارآفرین، مبنای سیاست‌گذاری‌ها باشد که در آن، قانونگذاری تنها بخش اندکی از کلیت این سیاست‌ها است. در مقایسه فضای قانونی کشور با کشورهای پیشرو، مشخص می‌شود که در بسیاری از این کشورها سازمان‌ها موظفند قبل از وضع هر گونه قاعده، اثر اقتصادی آن را بر بنگاه‌های کوچک (در کشورهای پیشرو اکثر بنگاه‌های کوچک، نوآور و کارآفرین هستند) را بسنجند. در این کشورها ضمن ساده‌سازی قوانین، تحلیل اقتصادی قانونگذاری

^{۳۵} - گزارش "ثبات قوانین" مرکز پژوهش‌های مجلس - ۱۳۹۳

قبل از اعمال قانون صورت می‌گیرد ولی در ایران اگر صورت پذیرد، تنها بعد از اعمال قانون است و این مهم به موجب ماده ۷۶ قانون برنامه پنجم توسعه فقط بر عهده اتاق بازرگانی است.^{۳۶}

با توجه بر مشکلات مذکور در حوزه "فضای قانونی" کشور، توجه نظام قانونگذاری و مدیریتی کشور به موارد ذیل اجتناب ناپذیر است:

- اصلاح نظام قانونگذاری و تصمیم‌گیری مبتنی بر تحلیل هزینه - فایده قانون قبل از اعمال آن.
- تشدید حاکمیت قوانین در کشور
- پیش‌بینی ضمانت‌های اجرایی مناسب برای اجرای قوانین
- الزام دستگاه‌ها به آسیب‌شناسی مستمر فضای قانونی

۳-۲-۲- فناوری و R&D

- ۱- بهره‌مندی از علوم و فناوری پیشرفته، بدون رعایت قواعد بازی در عرصه روابط بین‌الملل به راحتی میسر نخواهد بود. روندها در علوم و فناوری، حکایت از ایجاد تحول در ساختار تولید و تجارت و حتی در ابعاد اجتماعی و فرهنگی دارد. فناوری، حاصل ترکیب موزون مهارت‌ها، دانش‌ها (دانش چرایی و چگونگی)، اطلاعات، سخت‌افزار و مدیریت است. فناوری جدید در واقع بر الگوی تولید جامعه تأثیر شگرف خواهد گذاشت و اقتصادهای در حال توسعه باید فرصت‌های بالقوه اقتصادی خود را در ارتباط با به‌کارگیری این نوآوری‌های علمی تعریف نمایند. بدون در نظر گرفتن نقش کلیدی علم و فناوری جدید، تعیین فرصت بالقوه در عرصه‌های مختلف تولیدی و اجتماعی دیگر معنا و مفهومی ندارد.
- ۲- در مقایسه کیفیت نهادهای پژوهشی، وضعیت ایران در منطقه مناسب است اما با این وجود در زمینه همکاری دانشگاه با صنعت (پژوهش با اجرا) چندان موفق نیست. ریشه این امر را می‌توان در آموزش محوری و مقاله محوری در دانشگاه‌ها دانست. فضای غیررقابتی صنعت و احساس عدم نیاز به تعامل جدی با دانشگاه‌ها، عملکرد نامناسب برخی پژوهش‌های دانشگاهی در جهت رفع نیازهای صنعت و ادعای بالاتر بودن سطح دانش فنی وارداتی، مزید بر علت است.
- ۳- فرایند ثبت اختراعات بر مبنای شیوه "اعلامی" است و اغلب از کارآمدی لازم و کیفیت بالا در مقایسه با اختراعات دارای آزمون ماهوی برخوردار نیست. سیستم ثبت اختراع باید دارای نظام بررسی علمی و ماهوی مبتنی بر تحقیق باشد. همچنین وضعیت کشور در زمینه حمایت از مالکیت معنوی نامطلوب است طبق گزارش مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۱ رتبه کشور در میان ۱۴۲ کشور، ۱۱۱ بوده است.
- ۴- نظام تحقیق و توسعه مورد بی‌توجهی بوده و دارای کاستی‌های اساسی است. هم‌سهم آن از GDP و هم میزان سرمایه‌گذاری بنگاه‌های غیردولتی در این بخش بسیار ناچیز است. عدم احساس نیاز ناشی از نبود محیط رقابتی، اقتصاد دولتی و متنوع نبودن منابع تامین مالی R&D؛ از علل این وضعیت است. در واقع آنچه مهم است تقاضا محور بودن تحقیقات است که در ایران وضعیت مطلوبی ندارد. در حقیقت در کلیه بازارها، تقاضا تعیین‌کننده ماهیت و کیفیت عرضه است. بخش خصوصی که بهره‌بردار بسیاری از نوآوری‌ها و تحقیقات شناخته می‌شود، در ایران جایگاه ضعیفی دارد. از سوی دیگر بخش دولتی که سهم قابل توجهی از اقتصاد ایران را به خود اختصاص داده است، اصولاً به تحقیقات، نوآوری و بهره‌برداری نیاز ندارد چرا که درآمدهای مناسب نفتی همواره نیازهای دولتها را تأمین کرده است. درست به همین دلیل بسیاری از برنامه‌های حمایت از نوآوری، دانش و تحقیقات نمادین بوده و منجر به تولید محتوی با کمیت یا کاربردی نمی‌شود. البته در حوزه‌هایی که به سبب شرایط تحریم کشور نیاز واقعی به تحقیقات داشته و بر این اساس تقاضای واقعی شکل گرفته است، نوآوری‌ها و تحقیقات ارزشمندی شکل گرفته که نتیجه آن تحقق پیشرفت‌های مهمی در عرصه‌های مرتبط بوده است.

^{۳۶} گزارش "بررسی و مقایسه الزامات و قوانین کارآفرینی و کسب و کار در ایران و امریکا" مرکز پژوهش‌های مجلس-۱۳۹۲

۵- در ماده ۱۶ قانون برنامه پنجم توسعه تنها به افزایش سهم پژوهش از هزینه ناخالص داخلی (طرف هزینه) توجه شده است. این در حالی است که پژوهش خود باید سبب افزایش تولید ناخالص داخلی از طریق تجاری سازی دانش ناشی از پژوهش شود. از همین رو در برخی از کشورها وجوه تحقیق و توسعه و مشوقهای آن تنها به آن دسته از فعالان اقتصادی که امکان تجاری سازی پژوهشی را دارند تعلق می گیرد که در قانون مذکور به این مهم توجه نشده است.

۶- غالب بنگاه های کشور از فناوری متوسط استفاده می کنند. حمایت های غیرهوشمندانه از صنایع دارای فناوری پایین و سنتی و عدم اولویت دهی و تاکید سیاستهای حمایتی بر انتشار فناوری بالا در بنگاه ها و افزایش بهره وری آنها، منجر به کاهش نرخ رسوخ فناوری های پیشرفته در بنگاه ها شده است. درصد صادرات محصولات دارای فناوری بالا از کل صادرات غیر نفتی کمتر از یک درصد است. سهم محصولات با فناوری متوسط به بالا از کل محصولات ساخته شده صنعتی معادل ۳۵,۵ درصد می باشد و ایران در جایگاه ۲۸ جهانی قرار گرفته است که از ترکیه با رتبه ۴۲ در وضعیت بهتری است. لیکن به لحاظ شاخص های اشتغال دانش بنیان، رقابت پذیری و نوآوری و ... در وضعیت مناسبی قرار ندارد.

۷- ایران از نظر کیفیت قوانین فناوری از میان ۲۰ کشور سند چشم انداز که اطلاعات شان در دسترس است، طی دو سال در جایگاه چهاردهم قرار گرفته است. این قوانین مربوط به حوزه هایی همچون حفاظت از حریم خصوصی در فضای سایبر، حفاظت از داده های شخصی، استنادپذیری، ادله الکترونیکی، تجارت الکترونیکی، دولت الکترونیکی، مالکیت معنوی در فضای تبادل اطلاعات، توسعه محتوی دیجیتال بر خط و منابع آدرس های اینترنتی می باشند.^{۳۷}

بر این اساس و با توجه به وضعیت شاخص های ذیربط، سیاست های پیشنهادی ذیل ارایه می گردد:

- تعیین مشوق ها برای رشد سرمایه گذاری بنگاه ها در بخش R&D
- اصلاح ساختار آموزش عالی و ایجاد مکانیزم ها و مشوق ها برای همکاری دانشگاه ها با صنعت
- افزایش سهم تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی
- تسهیل انتقال و جذب فناوری بالا در کشور
- اصلاح فرایند حمایت از مالکیت فکری
- تسهیل مسیر تجاری سازی پژوهش و فناوری
- متنوع سازی منابع مالی فناوری

۳-۲-۳- قابلیت های کارآفرینانه

۱- بررسی توزیع شاغلین نشان می دهد که شاغلان دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی در کشور، همواره بیشترین سهم شاغلین باسواد را به خود اختصاص داده اند. همچنین سهم تکنسین ها از سایر شاغلان کمتر می باشد که این امر به معنای ناهمگونی هرم تحصیلات شاغلان بنگاه ها است. بدون شک نامناسب بودن ترکیب تحصیلات شاغلان، یکی از مهم ترین دلایل اثربخشی ناچیز آموزش، بر رشد و توسعه و به ویژه بهره وری نیروی کار در اقتصاد کشور است. آنچه مسلم است بخش خصوصی در کشور، هنوز فاقد تخصص و دانش کافی است و به همین دلیل سهم بالایی از جمعیت شاغل بخش خصوصی، علیرغم نرخ مناسب ثبت نام در آموزش عالی، فاقد مهارت، بی سواد و یا دارای تحصیلات زیر دیپلم هستند. این موضوع موجب شده است که این بخش فاقد خلاقیت، نوآوری و کارایی لازم برای حضور در عرصه رقابت های اقتصاد جهانی باشد

۲- نرخ بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی نزدیک به دو برابر سایرین است. از سوی دیگر آموزش عالی به یک پدیده اجتماعی تبدیل شده و تقاضای اجتماعی فزونی یافته است. در این بین هرچند آموزش عالی گسترش کمی داشته اما به اعتقاد فعالان اقتصادی توسعه کیفی رخ نداده و نیروی تحصیل کرده از مهارت و دانش مورد نیاز بازار کار (به عنوان ورودی نوآوری، تشخیص فرصت ها و بروز فعالیت های کارآفرینانه) برخوردار نیست. به اعتقاد آنان در چنین فضایی نوآوری شکل نمی گیرد، تولید داخل از قدرت رقابت برخوردار نیست و این چرخه معیوب همچنان ادامه دارد.

^{۳۷} - گزارش مرکز پژوهش های مجلس، (۱۳۹۱)، "قوانین و مقررات مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات در مقایسه با کشورهای واقع در آسیای

۳- دست‌اندرکاران نظام آموزشی بر این باورند که به دلیل سنتی بودن اقتصاد، محیط نامناسب کسب و کار، فقدان امنیت سرمایه‌گذاری، توان جذب فارغ التحصیلان دانشگاهی در اقتصاد کشور وجود ندارد و حتی بنگاه‌ها نیز سرمایه‌گذاری مناسبی برای افزایش قابلیت‌های نیروی کار خود انجام نمی‌دهند. می‌توان گفت هر دو گزینه (ضعف نظام آموزشی، اقتصاد معیوب) محتمل است و هر دو علت و معلول یکدیگرند.

۴- جمع کثیری از جوانان دارای ایده و علاقمند به ایجاد کسب و کار، با قوانین بازی و تهدیدات بالقوه و بالفعل فضای کسب و کار آشنایی ندارند و بعد از سعی و خطا و شکست، از فعالیتهای پرریسک دوری کرده و در پی مشاغل امن و استخدام می‌روند. در صورتی که آموزش می‌تواند ریسک محیط کسب و کار را کاهش و احتمال موفقیت کارآفرینان را افزایش دهد. از این رو یکی از بنیادی‌ترین سیاست‌های توسعه کارآفرینی در کشورها، آموزش کارآفرینی است. مطالعه تجربیات جهانی نشان می‌دهد که دولتها فعالانه و به طرق مختلف در آموزش کارآفرینی دخالت می‌کنند. در ایران نیز، توجه به فرآیند آموزش منسجم کارآفرینی در دستور کار دولتها قرار داشته و به طور مشخص نهادهایی نظیر موسسه کار و تامین اجتماعی، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، جهاد دانشگاهی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و برخی دیگر در سالهای گذشته تلاش‌های ارزشمندی در این زمینه داشته و ضمن تربیت مربیان کارآفرینی به طراحی و استانداردسازی محتوای آموزشهای عمومی و در موارد معدودی تخصصی پرداخته‌اند. با این وجود تلاشهای انجام شده کافی نبوده و کماکان مداخله دولت بویژه در هدفمندسازی آموزشها (با توجه به اولویت های فناوری، مزیت ها و فرصتهای منطقه‌ای و همچنین تهدیدهای ناشی از تغییرات سریع فناوری و رکود صنایع قدیمی پیامد آن) ضروری است. آموزشهای هدفمند، قابلیت کاهش نرخ خروج و شکست کسب و کارهای جدید را بدلیل کاهش ریسک‌های موجود و ذاتی این کسب و کارها (نظیر ریسک های ناشی از کم تجربگی مدیریتی، ریسک بازار، ریسک مالی، ریسک قوانین و مقررات، ریسک صنعت و ...) دارا هستند.

به هر صورت آنچه مسلم است در حال حاضر، جمعیت ۳۵ میلیونی زیر ۲۵ سال برای کشور یک موهبت است، مشروط بر آن که بتوان با آموزش مناسب و رفع کاستی های سایر سطوح سیاستی از این سرمایه انسانی بهره جست. بر همین اساس و بر اساس گلوگاه‌های شناسایی شده در فصل قبل، در سطح "قابلیت های کارآفرینانه" مجموعه سیاست های زیر پیشنهاد می شود:

- آموزش های تخصصی کارآفرینی متناسب با حرف مختلف
- برقراری انطباق نظام آموزش عالی با نیاز بازار و افزایش ضریب نفوذ بنگاه‌های اقتصادی در برنامه‌ریزی‌های آموزشی
- توانمندسازی استارت آپها و بهبود شایستگی های مدیریتی
- ایجاد زنجیره آموزش، مشاوره و کسب و کار
- مشوقها برای افزایش سرمایه گذاری بنگاه‌ها بر آموزش های ضمن کار

۳-۲-۴- دسترسی به منابع مالی

۱- محیط مالی نامناسب و بهره‌وری ضعیف بازار مالی یکی از بزرگترین موانع بهبود محیط کسب و کار در کشور محسوب می‌شود که از مهمترین شاخص های آن می‌توان به نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیررسمی و همچنین نرخ بالای دریافت تسهیلات از بانکها اشاره نمود. اگرچه ممکن است بنگاه‌ها به لحاظ مدیریت مالی و بودجه بندی خود عملکرد مناسبی نداشته باشند، اما بالا بودن نرخ تأمین سرمایه به عنوان متغیری که در نظام بازار آزاد و خارج بنگاه تعیین می‌شود، نشان می‌دهد که ساز و کارهای حاکم بر اقتصاد در جهت ارتقای محیط کسب و کار نیستند. ساز و کارهایی که ریشه در سیاستگذاری های مالی نادرست دولت و عملکرد نامطلوب نظام مالی و بانکی و بازار سرمایه دارد.

۲- افزایش کسری بودجه غیرنفتی به معنی سیاست مالی انبساطی و افزایش تقاضای دولت برای کالاها و خدمات است که به نوبه خود به افزایش تقاضا برای پول و در نتیجه افزایش نرخ بهره (با فرض آنکه به صورت دستوری کنترل نشود) منجر می‌شود. اما از آنجا که نرخ بهره به صورت دستوری کنترل می‌شود، محدودیت های مقداری در دستور کار سیستم بانکی قرار می‌گیرد و دریافت تسهیلات از بانکها برای کسب و کارها سخت می‌شود. سیاست مالی نامناسب دولت، بازار سرمایه و بازار غیررسمی را نیز تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد به طوری که تأمین مالی سرمایه از بازار غیررسمی با هزینه بالایی صورت می‌گیرد. بنابراین سیاست مالی نامناسب دولت سبب می‌شود که کسب و کارها و کارآفرینان با مشکل تأمین مالی سرمایه مواجه شوند و محیط مالی از شرایط مناسبی برای کسب و کار برخوردار نباشد.

۳- ضعف جدی در سهولت دسترسی به وام و دسترسی به سرمایه‌های خطرپذیر، پایین بودن ضریب نفوذ بازار سرمایه، فقدان شناسایی ریسک‌های مختلف در بازار سرمایه باعث شده تا نهادهای تامین مالی سنتی قادر به پذیرش ریسک بالا و تامین مالی کسب و کارهای کارآفرینانه در مراحل مختلف چرخه رشد نباشند. از سوی دیگر به دلیل ماهیت بلندمدت بازگشت سرمایه و ضریب خطرپذیری نهفته در فعالیت‌های کارآفرینی، نحوه تامین مالی آن، نیازمند ساز و کارهای متفاوتی بوده و روش‌های سنتی تامین مالی نمی‌تواند در توسعه کارآفرینی و رفع تنگنای مالی شرکت‌های کوچک و نوپا موثر واقع شود و از این رو رشد فعالیت‌های کارآفرینانه در گرو طراحی شیوه‌های نوین تامین مالی است. از جمله آنها می‌توان به سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر (VC) و تامین مالی جمعی (CF) اشاره داشت. ورود بخش خصوصی (در قالب موسسات VC) و اشخاص حقیقی (فرشتگان کسب و کار) به این حوزه بسیار ضروری است. که متأسفانه در کشور مورد توجه قرار نگرفته و لازم است تا تقویت شود.

بر این اساس راهکارهای ذیل پیشنهاد می‌گردد:

- ایجاد مسیرهای جدید به غیر از بانک‌ها برای تامین مالی کسب و کارها؛ از جمله بسترسازی قانونی برای پیاده سازی شیوه‌های تامین مالی جمعی (crowdfunding)
- ارتقا کارایی بازار سرمایه
- طراحی ابزارهای جدید مالی برای دسترسی استارت‌آپ‌ها به بازارهای رسمی سرمایه
- برقراری مشوق‌ها برای ترغیب فرشتگان کسب و کار و سرمایه‌گذاران در روش‌های نوین تامین مالی
- برقراری پوشش‌های بیمه‌ای برای کاهش ضریب مخاطره فعالیت‌های کارآفرینانه نوپا

۳-۲-۵- بازار

۱- از آنجا که ایران یکی از کشورهای مهم صادرکننده نفت و گاز می‌باشد، به واسطه وجود بیماری هلندی از ویژگی منحصر به فردی برخوردار است. افزایش درآمدهای حاصل از منابع طبیعی مانند نفت نه تنها ظرفیت بیشتری را برای واردات کالاهای قابل تجارت ایجاد نمی‌کند، بلکه موجب تقاضای بیشتر برای همه کالاهای غیرقابل تجارت نیز می‌شوند. لذا به نظر می‌رسد وجود بیماری هلندی می‌تواند سبب تغییر در اندازه و دینامیک بازارها در یک حوزه اقتصادی شود.

۲- سیاست‌های مالی ادواری می‌تواند عامل بسیار مهم در بی‌ثبات کردن محیط اقتصاد کلان باشد. به گونه‌ای که منابع مالی براساس منطق اقتصادی هزینه نمی‌شود و با افزایش قیمت جهانی مواد اولیه سرمایه‌گذاری‌های عمرانی افزایش و با کاهش آن سرمایه‌گذاری عمرانی کاهش می‌یابد. چراکه قیمت مواد اولیه با قیمت جهانی نفت و قیمت جهانی نفت نیز با درآمدهای نفتی کشور همبسته است.

۳- محیط کسب و کار نامناسب، فضای رقابتی نامناسب، وجود رانت و فساد، زمینه‌های ورود بخش خصوصی به اقتصاد را کاهش می‌دهد.

۴- با وجود درآمدهای حاصل از منابع طبیعی فراوان، سیاست‌های مالی نامناسب در سطح کلان در مدت زمان طولانی‌تری دوام می‌یابد. به نحوی که یک سیاست مالی انبساطی ناشی از سرازیر شدن منابع نفتی به بودجه، قیمت مسکن را به شدت افزایش داده و صنایع ساختمانی و خدماتی را رونق می‌دهد و در عوض صنایع مربوط به کالاهای قابل تجارت در رکود است، و با یک سیاست مالی انقباضی ناشی از کاهش منابع نفتی در بودجه (مانند کاهش قیمت نفت یا تحریم صنایع ساختمانی و خدماتی به کساد می‌روند) (مانند اتفاقی که در چند سال اخیر در کشور رخ داده است) و در عوض صنایع مربوط به کالاهای قابل تجارت رونق می‌گیرند. براین اساس به نظر می‌رسد دولت به عنوان یک مجموعه بزرگ اقتصادی تعادل در بازارهای مختلف را با استفاده از منابع فوق حفظ کرده و اجازه تغییرات در بازار را نمی‌دهد. این بی‌ثباتی بقای کسب و کارهای کوچک را به خطر می‌اندازد و کارآفرینی که یک کسب و کار را تازه راه اندازی کرده است، نمی‌تواند در برابر این نوسانات مقاومت کرده و از بازار خارج می‌گردد.

بر این اساس و با توجه به وضعیت فعلی بازار کشور، بر خط مشی‌های کلی مصرح در در اسناد بالادستی تاکید مجدد می‌گردد:

- کاهش واقعی سهم اقتصاد دولتی و باز کردن فضا برای فعالیت گروه‌های کارآفرین خصوصی
- بهبود محیط کسب و کار

- بهبود محیط تجاری
- افزایش قدرت رقابت پذیری بخش تولید
- تحریک تقاضا و ایجاد بازار برای محصولات نوآورانه

۳-۲-۶- زیرساخت

۱- زیرساخت گسترده و کارآمد، عملکرد اقتصادی را کشور را بهبود می بخشد و همچنین مکان فعالیت های اقتصادی، نوع فعالیت ها و بخش های قابل توسعه در اقتصاد را تعیین می کند. زیرساخت مناسب برای کاهش فاصله میان مناطق ضروری است. وجود شبکه مخابراتی کارآمد، زیرساخت های مناسب حمل و نقل، دسترسی آسان به شبکه های تامین انرژی، کارایی کلی اقتصاد را بالا می برد. طبق گزارش رقابت پذیری جهانی سال ۲۰۱۵-۲۰۱۴ ایران از نظر زیرساخت در بین ۱۴۴ کشور رتبه ۶۹ را دارد. زیرساخت مناسب برای کشور ما که در حال خروج از مرحله توسعه نهاده محور قرار دارد از اهمیت بالایی برخوردار است. از اینرو بهبود و توسعه زیرساخت های عمومی در همه مناطق کشور تاکید می گردد. بدون وجود زیرساخت مناسب، بهبود در شاخص های سه گانه اکوسیستم کارآفرینی (گرایش، توانایی، اشتیاق) محال است.

۳-۲-۷- فرهنگ

- ۱- در بین عوامل تقویت یا تضعیف کننده کارآفرینی، فرهنگ عامل بسیار مهمی تلقی می شود. ارزش ها و هنجارهای جامعه تا حد بسیار زیادی توسعه کارآفرینی را تحت تأثیر قرار می دهد. بنابراین، نوع نگرش ها، ارزش ها و هنجارهای موجود، فرهنگ را تعیین می کند و چگونگی رشد و پیشرفت نوآوری را فرهنگ را رقم می زند. لذا، به نظر می رسد، در جامعه ای که ارزش ها و هنجارهای اجتماعی در سطح بالایی قرار داشته و افراد متعهد به رعایت آنها هستند، اعتماد وجود داشته و تمایل به درگیر شدن در رفتار فرصت طلبانه و رانتی محدود است. توزیع ناموزون رانت های حاصل از فروش نفت و گاز و افزایش بازدهی رانت جویی، فرهنگ کار و کارآفرینی و ارزش کار را تغییر داده است. مطالعات نشان می دهد رقابت پذیری، نوآوری و پذیرش ریسک از جمله هنجارهایی است که در سطح بسیار پایینی در کشور قرار داشته و پشتیبانی ضعیفی از آنها صورت می گیرد. از اینرو به نظر می رسد انگیزه کافی در بهره برداری از فرصت های کارآفرینانه وجود ندارد.
- ۲- مشارکت کارآفرینان برجسته کشور در نظام تصمیم سازی ضعیف بوده و عموماً از دانش و تجربیات آنان در تصمیم گیری ها استفاده نمی شود. همچنین رسانه ها نیز کمتر به معرفی آنان پرداخته اند. رسانه ها نقش موثری در فرهنگ سازی کارآفرینی و القای تعبیر درست از آن، در اذهان عمومی دارند؛ ولی به دلیل عدم وجود شفافیت میان مفاهیم خوداشتغالی، کارآفرینی، سرمایه داری و ... متأسفانه در بسیاری موارد جهت گیری رسانه ها نیز معطوف به خوداشتغالی در حوزه های دارای ارزش افزوده پایین بوده و یا سرمایه داران را به عنوان کارآفرین معرفی کرده و به عنصر حیاتی نوآوری در بروز کارآفرینی مولد کمتر توجه می شود.

مبتنی بر موارد مذکور مجموعه سیاست های زیر در سطح موثر "فرهنگ" پیشنهاد می شود:

- ارتقا منزلت کارآفرینان در جامعه
- افزایش نقش رسانه ها در ترویج فرهنگ کارآفرینی
- ارتقای سطح دانش عمومی در خصوص کارآفرینی و نقش آن در توسعه فرد، سازمان و جامعه
- مبارزه با فساد و کاهش رانت

۳-۲-۸- پشتیبانها

۱- نهادهای پشتیبان و تنظیم‌گر از مهمترین بازیگران اکوسیستم کارآفرینی هستند که به منظور توانمندسازی و تسریع رشد و موفقیت شرکت‌های نوپا ایجاد می‌شوند. مراکز رشد، شتابدهنده‌ها، مراکز مشاوره کارآفرینی و ... از جمله این نهادها هستند. این نهادها در جهان به سرعت در حال تکثیر هستند و اکثر آنها به صورت غیر دولتی اداره می‌شوند. در ایران خوشبختانه از برنامه چهارم توسعه به بعد، رویکرد توسعه کارآفرینی از "آموزش کارآفرینی و ارایه تسهیلات" و "کارآفرینی اجباری" به "رفع کاستی‌های نهادی" و "کارآفرینی مبتنی بر فرصت" تغییر یافت. به موجب این تغییر رویکرد، مراکز تحت نظارت وزارت علوم و مراکز مشاوره کارآفرینی تحت نظارت وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی ایجاد شدند. همچنین از سال ۹۱ تاکنون بالغ بر چند مجموعه خصوصی در قالب شتاب‌دهنده در ایران مشغول به فعالیت هستند. این مجموعه‌ها به دلیل سودآوری بالایی که نشان داده‌اند به سرعت در حال تکثیر می‌باشند به نحوی که طی یک سال اخیر تعداد آنها قریب به سه برابر افزایش داشته است. همچنین چند بانک دولتی و غیر دولتی نیز درصدد ایجاد شتاب‌دهنده هستند. هنوز هیچکدام از نهادهای دولتی بر این مراکز نظارت ندارند.

اطلاعاتی از اینکه ایجاد این مراکز تا چه حد به کارآفرینی نوآور و پررشد منجر شده است در دست نیست. اما آنچه به روایت گزارش GEDI قابل استنتاج است ضعف کشور در این زمینه است.

در مجموع در ایران به جهت قدرتمندبودن بخش عمومی در کشور و انحصار دولتی؛ تاکنون نهادهای خصوصی پشتیبان به شکل قوی و پویا در اقتصاد شکل نگرفته‌اند. بر این اساس لازم است "ایجاد و ساماندهی نهادهای پشتیبان کارآفرینی" همچنان مورد تاکید سیاستگذار قرار گیرد.

۳-۳- جمع‌بندی

در این بخش مروری کوتاه به روند توسعه سیاستهای کارآفرینی در جهان و ایران داشتیم. از آنجا که هدف گزارش حاضر شناخت وضع موجود اکوسیستم کارآفرینی ایران و شناسایی گلوگاههای بحرانی توسعه کارآفرینی است، بحث در مورد سیاستها به صورت اجمالی انجام شد و بحث عمیقتر به گزارشهای آتی و پس از تدقیق موارد با مشارکت ذینفعان موضوع، واگذار شد. بسیاری از سیاستهایی که در اسناد و قوانین توسعه ای کشور بدانها پرداخته شده است، بر فعالیتهای کارآفرینانه شهروندان تاثیرگذارند. اما عملکرد کلی اکوسیستم کارآفرینی کشور در دستیابی به نتایج مورد انتظار مطلوب نبوده است. این موضوع از چند منظر قابل بررسی است (۱) حاکمیت قانون ضعیف است، (۲) مجریان در اجرای برنامه‌ها و تعاملات بین بخشی ضعیف عمل می‌کنند. (۳) توسعه اکوسیستم کارآفرینی در اولویت های سیاستی کشور قرار ندارد. هر سه منظر قابل تامل و بررسی است چرا که اسناد بالادستی و سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی بر اهمیت سیاستهای کارآفرینی در کشور صحنه می‌گذارند. لیکن تجربه برنامه ریزی در کشور نشان داده که پیش زمینه‌های عملیاتی شدن سیاستگذاری توسعه کارآفرینی در کشور فراهم نشده است و از این رو لازم است سیاست پذیر کردن جامعه از طریق اصلاح نظام مدیریت عمومی در دستور کار نظام تصمیم گیری قرار گیرد.

لازم به ذکر است در انجام این گزارش محدودیتهایی از جمله موارد ذیل وجود داشت:

- دسترسی به سری‌های زمانی، امکان ارزیابی‌های دقیق تری را از وضعیت کشور فراهم می‌سازد. لیکن اطلاعات قبل از سال ۲۰۱۳ از سلسله گزارش های GEDI در دسترس نبود و از همین رو به اطلاعات سال های ۲۰۱۶-۲۰۱۳ بسنده گردید.
- همانطور که اشاره شد GEDI در ارایه گزارش های سالانه شاخص جهانی کارآفرینی از داده های دست دوم (ثانویه) استفاده می‌کند. به نحوی که اطلاعات مربوط به متغیرهای فردی، از پیمایش جهانی دیده بان جهانی استخراج می‌گردد و برای متغیرهای نهادی از اطلاعات مربوط به پیمایش های انجام یافته توسط دیگر نهادهای بین المللی و موسسات پژوهشی (پیوست) استفاده می‌شود. از آنجا که مخاطبان، تعداد نمونه‌ها و شیوه‌های پردازش اطلاعات در منابع متنوع مورد استفاده متفاوت است، این روش می‌تواند باعث پایین آمدن دقت اطلاعات نهایی شود.
- تهیه و تدقیق بسته سیاستی کارآفرینی مستلزم تشکیل گروههایی از نخبگان و ذینفعان در هر یک از سطوح سیاستی اکوسیستم کارآفرینی است. هدف از ارایه گزارش حاضر شناخت وضعیت ایران بود و اگر چه سیاستهایی متناسب با سطح عملکرد کشورمان نیز پیشنهاد شد؛ اما برای اعتباربخشیدن به این سیاستها، اجماع و مشارکت همه بازیگران الزامی است.

- از آنجا که گزارش حاضر، اولین گزارش از مجموعه گزارشات تحلیلی در خصوص پایش و بهبود اکوسیستم کارآفرینی کشور است، بی نقص نبوده و دارای اشکالات فراوان است. از کلیه خبرگان و متخصصین موضوع درخواست داریم با گوشزد کردن اشکالات و ارسال نظرات و تحلیلهای تکمیلی، ما را در بهبود کیفیت گزارشات یاری رسانند.

پیوست الف - شرح متغیرهای مورد استفاده در محاسبه شاخص جهانی کارآفرینی

جدول زیر شرح هر یک از متغیرهای مورد استفاده در محاسبه شاخص جهانی کارآفرینی را نشان می دهد. اطلاعات متغیرهای فردی، همگی از پیمایش جهانی دیده بان جهانی کارآفرینی (GEM) که سالانه انجام می شود استخراج می گردد. متغیرهای نهادی از منابع مختلف بین المللی که به محاسبه این شاخص ها برای کشورها می پردازند استخراج می گردند .

شاخص های فرعی گرایش کارآفرینانه

رکن	متغیرها	تعریف	منبع
درک فرصت	فردی: درک فرصت	درصدی از جمعیت ۱۸ تا ۶۴ ساله که در محل زندگی خود، شرایط و فرصت های خوبی را برای شروع یک کسب و کار طی ۶ ماه آینده، تشخیص می دهند	پیمایش GEM
	نهادی: تراکم بازار	مقیاسی ترکیبی از "اندازه ی بازار داخلی" و "شهری سازی" است که از حاصل ضرب دو مقیاس فوق بدست می آید. اندازه ی بازار داخلی عبارتست از حاصل جمع تولید ناخالص داخلی به اضافه ی ارزش واردات کالاها و خدمات، منهای ارزش صادرات کالا و خدمات که در مقیاسی از ۱ تا ۷ (بهترین) نرمال سازی شده است. شهری سازی عبارتست از درصدی از جمعیت که در مناطق شهری زندگی می کند	-مجمع جهانی اقتصاد (گزارش رقابت پذیری جهانی) -گزارش تقسیمات جمعیتی سازمان ملل
مهارتهای کسب و کارهای نوپا	فردی: درک از مهارت	درصدی از جمعیت ۱۸ تا ۶۴ ساله که ادعا می کنند دانش/مهارت لازم برای شروع یک کسب و کار را دارند.	پیمایش GEM
	نهادی: آموزش عالی	نرخ ناخالص ثبت نام در مقطع تحصیلات عالی	یونسکو
پذیرش ریسک	فردی: پذیرش ریسک	درصدی از جمعیت بین ۱۸ تا ۶۴ سال که اذعان می کنند ترس از شکست مانع شروع یک کسب و کار توسط آنها نمی شود.	پیمایش GEM
	نهادی: ریسک کسب و کار	این شاخص، بخشی از شاخص نرخ ریسک کشورها است و کیفیت محیط کلی کسب و کار یک کشور را برآورد می کند شامل در دسترس و قابل اعتماد بودن اطلاعات مالی شرکتها، حفاظت مؤثر و کارآمد از بستانکاران و چارچوبهای نهادی مناسب برای معاملات بین شرکتی است.	http://www.coface.com
شبکه سازی	فردی: پیوند با اراقرینان	درصد جمعیت ۱۸ تا ۶۴ ساله که برخی از افرادی را که طی دو سال گذشته کسب و کار راه اندازی کرده اند می شناسند.	پیمایش GEM
	نهادی: کاربری اینترنت	تعداد کاربران اینترنت در یک کشور به ازای هر ۱۰۰ نفر(ضریب نفوذ اینترنت)	اتحادیه بین المللی ارتباطات
پشتیبانی فرهنگی	فردی: باور به مسیر شغلی کارآفرینی	جایگاه و احترامی که کارآفرینان در جامعه برخوردار هستند. این متغیر از طریق میانگین "شغل" و "جایگاه و منزلت" محاسبه می گردد.	پیمایش GEM
	نهادی: فساد	شاخص احساس فساد (CPI)، شاخص ترکیبی است که سطح فساد در بخش عمومی کشور را اندازه گیری می کند. رشوه گیری مقامات دولتی، میزان ارتکاب به جرایم فساد توسط مقامات سیاسی، میزان ارتکاب به اختلاس و کلاهبرداری در خریدهای دولتی، قوت و تداوم سیاست های ضد فساد از جمله مولفه ای این شاخص است. شاخص CPI نتیجه ۱۳ پیمایش و نظرسنجی از کارشناسان و فعالان اقتصادی در هر کشور است.	گزارش شفافیت بین الملل

شاخص های فرعی توانایی کارآفرینانه

منبع	تعریف	متغیرها	رکن
پیمایش GEM	درصدی از کسب و کارهای نوپا که به دلیل انگیزه فرصت، راه اندازی می شوند.	فردی: کسب و کار مبتنی بر فرصت	کسب و کار نوپا مبتنی بر فرصت
بانک جهانی-گزارش سهولت کسب و کار	آزادی کسب و کار یک متغیر کمی قابل اندازه گیری است که آغاز، اجرا و اتمام یک کسب و کار را تحت قوانین و مقررات و کارایی دولت در روند نظارتی نشان می دهد. این شاخص عددی است بین ۱۰۰-۰ مبتنی بر عواملی که همه دارای وزنی برابر هستند و عدد ۱۰۰ نشاندهنده محیط کسب و کار کاملاً آزاد است. آزادی کسب و کار شامل ۱۰ مولفه شروع یک کسب و کار، دریافت مجوز ساخت و ساز، برخورداری از نیروی برق، ثبت دارایی، دریافت وام، حمایت از سرمایه گذاران، پرداخت مالیات ها، تجارت فرامرزی، اجرای قراردادهای و رفع ورشکستگی می باشد	نهادی: آزادی اقتصادی	
پیمایش GEM	درصدی از کسب و کارهای نوپا که در بخش فناوری متوسط و بالا مشغولند .	فردی: فعالیت بخش فناوری	جذب فناوری
پیمایش مجمع جهانی اقتصاد (گزارش رقابت پذیری جهانی)	- توانایی جذب بنگاه ها در جذب تکنولوژی طیف ۱ تا ۷: (۱: قادر نبودن بنگاه به جذب تکنولوژی، ۷: بیشترین توانایی در جذب تکنولوژی)	نهادی: جذب فناوری	
پیمایش GEM	درصدی از صاحبان/مدیران کسب و کارهای نوپا (TEA) که دارای تحصیلات دانشگاهی هستند	فردی: کسب و کارهای نوپا توسط دانش آموختگان	سرمایه انسانی
پیمایش مجمع جهانی اقتصاد (گزارش رقابت پذیری جهانی)	میزان آموزش ضمن خدمت نیروی کار (که از میانگین وزنی دو سال متوالی بدست می آید). طیف لیکرت ۷ تایی.	نهادی: آموزش کارکنان	
پیمایش GEM	درصد کسب و کارهای نوپایی که محصولاتشان به گونه ایست که تعداد زیادی از کسب و کارهای دیگر همان محصول را عرضه نمی کنند. (یکتایی محصول در بازار)	فردی: رقابت در بازار	رقابت
پیمایش مجمع جهانی اقتصاد (گزارش رقابت پذیری جهانی)	میزان غلبه گروه های تجاری قدرتمند بر بازار	نهادی: غلبه بازار	

شاخص های فرعی اشتیاق کارآفرینانه

رکن	متغیرها	تعریف	منبع
نوآوری محصول	فردی: کارآفرینی با محصول نوآورانه	درصدی از کسب و کارهای نوپا (TEA) که محصولات عرضه شده آنها برای حداقل تعدادی از مشتریان، جدید است.	پیمایش GEM
	نهادی: انتقال فناوری	شاخص ترکیبی است که از برخی از متغیرهای شاخص نوآوری از گزارش رقابت پذیری جهانی شامل ۱- سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه توسط بخش خصوصی، ۲- وجود موسسات تحقیقات علمی با کیفیت بالا، ۳- همکاری در پژوهش بین صنعت و دانشگاه و ۴- حمایت از مالکیت معنوی می باشد	پیمایش مجمع جهانی اقتصاد (گزارش رقابت پذیری جهانی)
نوآوری فرایند	فردی: کارآفرینی با فناوری جدید	درصدی از کسب و کارهای نوپا (TEA) که از فناوری جدید با متوسط عمر کمتر از ۵ سال (از جمله یک سال) استفاده می کنند.	پیمایش GEM
	نهادی: GERD	هزینه ناخالص داخلی تحقیق و توسعه (سهم از GDP)	یونسکو
رشد بالا در کسب و کارها	فردی: فعالیت کسب و کارهای پررشد (غزالها)	درصدی از کسب کار نوپا TEA با انتظارات رشد بالا (بیش از ۱۰ کارکنان و یا ۵۰٪ در عرض ۵ سال)	پیمایش GEM
	نهادی: پیچیدگی استراتژی کسب و کارها	این متغیر توانایی بنگاهها را در بکارگیری استراتژی های متمایز و نوآورانه نشان می دهد. پیشرفته بودن بنگاههای تجاری به کارایی بالاتر در تولید کالا و خدمات بستگی دارد . دومولفه پیشرفته بودن عبارتند از : - کیفیت شبکههای کسب و کار هر کشور - کیفیت عملیات و راهبردهای هر بنگاه	پیمایش مجمع جهانی اقتصاد (گزارش رقابت پذیری جهانی)
بین المللی سازی	فردی: جهت گیری صادرات	درصدی از کسب و کارهای نوپا که حداقل تعدادی از مصرف کنندگان آنها از خارج از کشور هستند (بیشتر از ۱٪).	پیمایش GEM
	نهادی: جهانی سازی	بخشی از شاخص جهانی سازی، ابعاد جهانی سازی اقتصاد را اندازه گیری می کند و متغیرهای آن شامل سیکل واقعی تجاری، سرمایه گذاری مستقیم خارجی، سید سرمایه گذاری و پرداخت های درآمدی به اتباع خارجی همچنین محدودیت های پنهان وارداتی ، متوسط نرخ تعرفه، مالیات ها در تجارت جهانی و محدودیت های حساب دارایی می باشد.	انستیتو اقتصادی سوئیس KOF
سرمایه ریسک پذیر	فردی: فعالیت سرمایه گذاری غیررسمی	میزان سرمایه گذاری غیررسمی که حاصل ضرب "میانگین سرمایه گذاری غیررسمی" و "فرشته کسب و کار" می باشد	پیمایش GEM
	نهادی: در دسترس بودن VCها	این متغیر شاخص ترکیبی از اندازه و نقدینگی بازار سهام، عرضه عمومی سهام، ادغام و خرید و نیز فعالیت های بازار بدهی و اعتباری می باشد	دانشکده تجارت EMLYON فرانسه و دانشکده ی تجارت IESE، اسپانیا

پیوست ب- ارتباط GEI با ۶ مؤلفه توسعه اقتصادی^{۳۸}

سوال قابل توجه‌ای که در اذهان بسیاری وجود دارد این است که کارآفرینی دقیقاً تا چه حد با تصویر بزرگتر قرین است. یعنی آیا انجام چیزهایی که بیشتر جهان در حال تلاش برای رسیدن به آنها است - نظیر محیط زیست بهتر، رشد اقتصادی و صلح جهانی - با ابتکارات فردی هم‌زمانی دارد؟ آیا بدون آنها، مسیر امکان‌پذیر توسعه نمیتواند به جهانی بهتر تا سال ۲۰۵۰ هدایت شود؟ در اینجا تلاش می‌نمائیم که به سوال مذکور با توجه به اقتصاد جهان و جامعه جهانی پاسخ بدهیم. مدت زمان زیادی است ادعا می‌کنیم که کارآفرینی می‌تواند جهان را برای بهتر شدن تغییر دهد، در اینجا ما شواهدی برای این تأثیرگذاری ارائه خواهیم کرد.

اما کارآفرینی چگونه با چنین جنبه‌هایی از رفاه انسانی نظیر تولید ناخالص داخلی، برابری درآمدی، دموکراسی، کیفیت محیط زیست، آزادی اقتصادی، صلح و تقابل مرتبط شده است؟

جدول زیر خلاصه‌ای از همبستگی بین GEI و هر یک از متغیرهای مورد مقایسه ما یعنی سرانه تولید ناخالص داخلی (PPP)؛ برابری درآمدی (GINI)؛ سیر تکاملی دیجیتال (شاخص تکامل دیجیتال، Tufts)؛ عملکرد زیست محیطی (شاخص عملکرد زیست محیطی Yale)؛ آزادی اقتصادی (شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج)؛ و صلح (شاخص صلح جهانی موسسه اقتصاد و صلح) را نشان می‌دهد.

متغیر همبسته با GEI	مجذور R
سرانه GDP	۰,۵۸
برابری درآمدی	۰,۱۳
تکامل دیجیتالی	۰,۷۲
عملکرد زیست محیطی	۰,۷۲
آزادی اقتصادی	۰,۵۱
صلح	۰,۳۴

می‌بینیم که رایج ترین سنجه اقتصادی، یعنی تولید ناخالص داخلی GDP، با شاخص جهانی کارآفرینی همبستگی نسبتاً زیادی دارد. در هر صورت، مجذور R برابر با ۵۸. نشان می‌دهد که این سنجه بیش از آن که تنها مرتبط با سطوح درآمدی باشد با کارآفرینی مرتبط است. همچنین می‌بینیم که کارآفرینی بطور ضعیفی با برابری درآمدی، که یکی دیگر از سنجه‌های معمولاً مورد توجه است، همبستگی مثبت دارد.

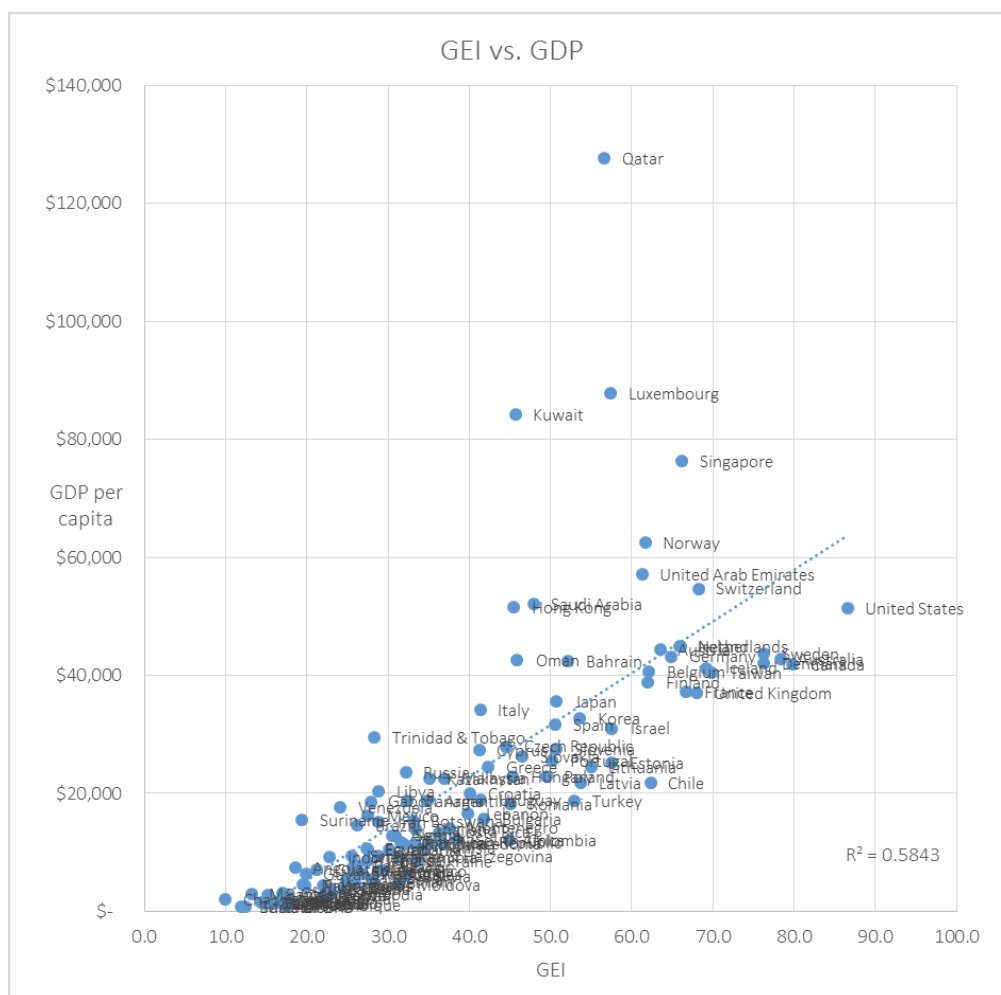
همانطور که ما به سمت نمایه‌های دقیق‌تری از ظواهر موفقیت حرکت می‌کنیم، می‌بینیم که بیشترین همبستگی بین کارآفرینی و تکامل دیجیتالی و عملکرد زیست محیطی (هر دو ۷۲) وجود دارد. آزادی اقتصادی (۵۱) و صلح (۳۴) نیز با میزان کمتری با کارآفرینی همبستگی دارند.

می‌بینیم که کارآفرینی از آنجا که با تمام این شش سنجه همبستگی مثبت دارد، کاملاً می‌تواند یک "منفعت جهانی" در نظر گرفته شود. از این رو غیر محتمل است که به کارآفرینی اهمیت کمتری داده شود و بیشتر احتمال دارد که در بسیاری از دسته‌بندی‌های رفاه انسانی حضور پیدا کند.

^{۳۸} برگردان از گزارش GEI 2016

آیا کارآفرینی کشوری را ثروتمند می‌کند؟

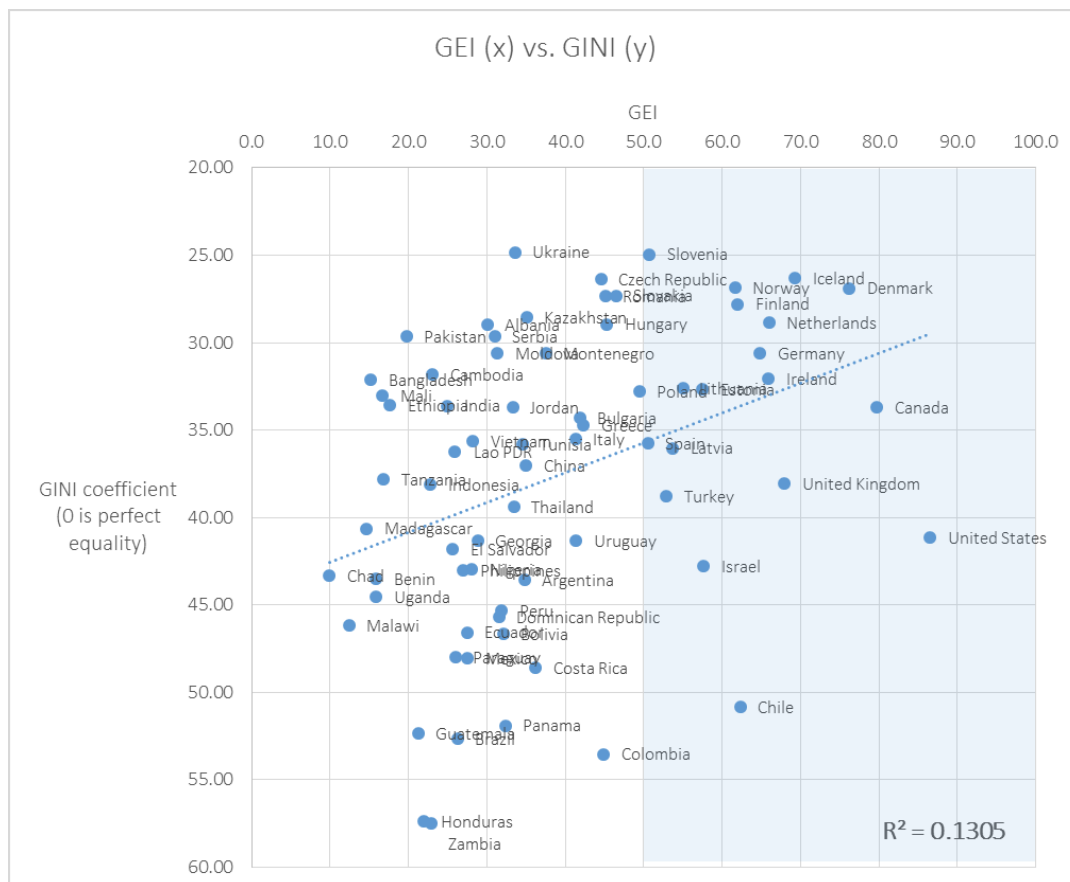
شاخص کارآفرینی جهانی در برابر تولید ناخالص داخلی



داده‌ها نشانگر آنست که کشورهای پردرآمد تمایل به داشتن اکوسیستم‌های کارآفرینی بهتر دارند و بالعکس. امتیازات شاخص کارآفرینی جهانی، ۵۸ درصد از تغییرات سرانه GDP را تبیین می‌نماید. با این وجود، بسیاری از عوامل دیگر نیز در بازی تولید ناخالص داخلی نقش‌آفرین هستند. برای مثال، کشورهایی با ثروت معدنی بالا (کشورهای حوزه خلیج فارس و نروژ) در مقایسه با امتیازات کارآفرینی‌شان، تولید ناخالص داخلی بسیار بالایی دارند. سنگاپور و هنگ کنگ نیز سطوح درآمدی بالایی در مقایسه با امتیازات کارآفرینی خود (که آن نیز بالا است) دارند، این امر بازتابی از نسبت شهرنشینی بالا و فعالیت‌های اقتصادی متمرکز آنها است. این امر نشان می‌دهد که کارآفرینی لزوماً یک کشور را ثروتمند نمی‌کند، بلکه، بیش از یک مسیر برای رسیدن به ثروت فراهم می‌کند. همچنین درآمد بالا برای پیشبرد کارآفرینی کافی نیست؛ بلکه ساختار اقتصادی و کیفیت فرهنگی نیز از عوامل مهم یک اکوسیستم کارآفرینی سالم هستند.

آیا محیط دوستدار کارآفرینی، برابری درآمدی ایجاد می‌کند؟

شاخص کارآفرینی جهانی در برابر ضریب جینی



یادداشت: ضریب جینی صفر نشان‌دهنده برابری کامل است، بنابراین امتیازات پایین‌تر بهتر هستند. به همین دلیل محور در جهت معکوس رسم شده است.

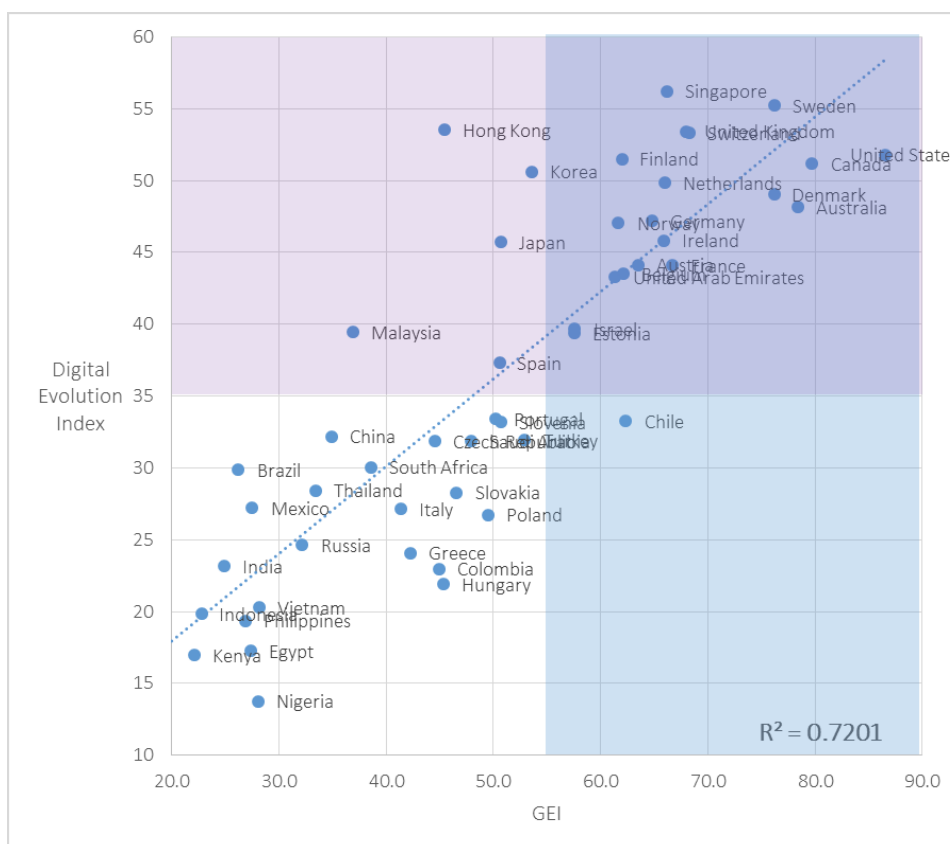
داده‌های جینی مقایسه سال ۲۰۱۰ و یا پس از آن هستند.

یکی از انتقاداتی که از اقتصاد سرمایه‌داری و مظهر آن در ایالات متحده آمریکا وجود دارد این است که، سرمایه‌داری در حالیکه برای برخی افراد درآمدهای بالایی ایجاد می‌کند، سطوح بالای نابرابری درآمدی را نیز بوجود می‌آورد. براساس ارتباط قابل مشاهده در نمودار بالا، به نظر نمی‌آید که کارآفرینی، نابرابری درآمدی ایجاد نماید. وقتی که GEI در برابر ضریب جینی (سنجه معمول نابرابری/برابری درآمدی)، رسم شده است، رابطه بین GEI و برابری مجذور R معادل ۰,۱۳- دارد- یعنی شاخص کارآفرینی جهانی ۱۳ درصد از تغییرات در ضریب جینی را در جهت مثبت تبیین می‌کند (برابری بیشتر، همبسته با GEI بالاتر است).

هرچند مواردی همچون ایالات متحده آمریکا، فلسطین اشغالی و شیلی وجود دارند که در آنها شرایط مناسب کارآفرینی در کنار سطوح نسبتاً بالایی از نابرابری درآمدی وجود دارد، اما این الگوی جهانی نیست. کشورهای اسکاندیناوی از جمله کشورهایی هستند که قویترین عملکرد را در هر دو مقوله برابری درآمدی و کارآفرینی دارند. این الگوها نشان می‌دهند که اکوسیستم بسیار عالی کارآفرینی لزوماً نابرابری درآمدی بالا ایجاد نمی‌کند، بلکه در واقع، شرایط خوب برای کارآفرینی تمایل به هم قرینی با برابری درآمدی بیشتر دارد. تاثیر نهادهای استعماری را نیز در این مقایسه می‌توان دید. کشورهای آمریکای لاتین و جنوب صحرای آفریقا در هر دو مقوله برابری درآمد و کارآفرینی عملکرد ضعیفی دارند، که با میراث استعماری توزیع نابرابر ثروت میان استعمارگران و مستعمرات، و اقتصادهایی که بیش از توسعه سرمایه‌گذاری علاقمند به استخراج منابع طبیعی هستند پیوند دارد.

آیا کارآفرینی و نوآوری به یکدیگر وابسته هستند؟

GEI در برابر شاخص تکامل دیجیتالی



شاخص تکامل دیجیتالی (تافتز) "پیشرانها و موانع اساسی کلیدی حاکم بر تطور یک کشور به سوی اقتصاد دیجیتال شامل تقاضا، عرضه، محیط نهادی و نوآوری را تجزیه و تحلیل می کند". داده ها برگرفته از DEI سال ۲۰۱۴ است.

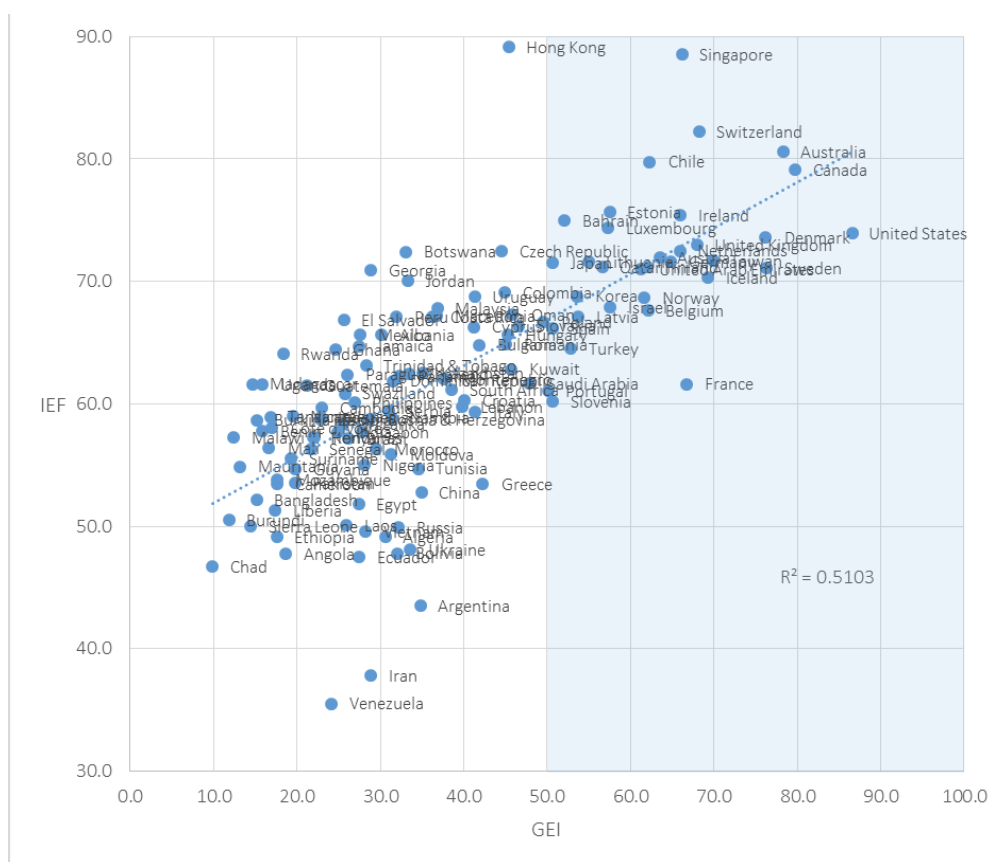
فناوری دیجیتال پتانسیل دگرگونی بسیاری از مسیرهایی را دارد که از طریق آنها زندگی خود را به جلو میبریم. فناوری دیجیتال بر زندگی روزمره ما در خانه، محل کار، مدرسه و اوقات فراغت ما سایه افکنده است. امروزه بیش از یک سوم مردم دنیا با هم ارتباط پیدا کرده اند، ارتباطی که تمامی جوانب زندگی مردم اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را دگرگون می کند. دیجیتالی شدن، طرز زندگی مردم، چگونگی تسهیم دانش و چگونگی خلق، تولید، توزیع و مصرف آنها را تغییر می دهد. دیجیتالی شدن، چگونگی ارتباط شهروندان با سیاستگذاران و چگونگی خلق ثروت توسط ملت ها را تغییر می دهد.

اقتصاد دیجیتال از طریق چهار بخش صنعتی قدرتمند می شود: ارتباطات از راه دور، فناوری اطلاعات، لوازم الکترونیکی مصرفی و رسانه ها. هر کدام از این بخش ها شامل بازارهای مختلف است و مجموعه آنها نماینده بخش بزرگی از اقتصاد جهانی است. رقابت در داخل و بین این بازارهای دیجیتالی شدید است: شرکت ها اغلب از یک بازار دیجیتال وارد شده و سایرین را تخریب می نمایند. این محیط، محیطی سریعاً در حال حرکت است که در آن شرکت های مختلف فعالانه در بخشهای همجوار زنجیره ارزش، در جستجوی کارایی و توانمندی بازار، به حرکت در می آیند.

همزمان، مدل های کسب و کار نیز تغییرات قابل توجهی داشته است: برخی از خدمات بواسطه تبلیغات پول بدست می آورند، اغلب هدفگذاری های آنها براساس آنالیز داده ها انجام می شود؛ برخی دیگر برپایه پذیرش مشترک خدمات ارائه می دهند. بسیاری از خدمات دیجیتال در نتیجه هزینه حاشیه ای پایین و اثرات شبکه ای به سرعت در حال رشد هستند. در مقابل، مشخصه زیرساخت دیجیتال، سرمایه گذاری های عظیم و زمان استهلاک بسیار طولانی است. این "اقتصاد کارآفرینانه"، با تنوع فراوان مدل های کسب و کار خود، بزرگترین بازار بر روی زمین است و قلب موفقترین اقتصادهای فردا خواهد بود.

آیا آزادی اقتصادی برای تشویق کارآفرینی کافی است؟

GEI در برابر شاخص آزادی اقتصادی



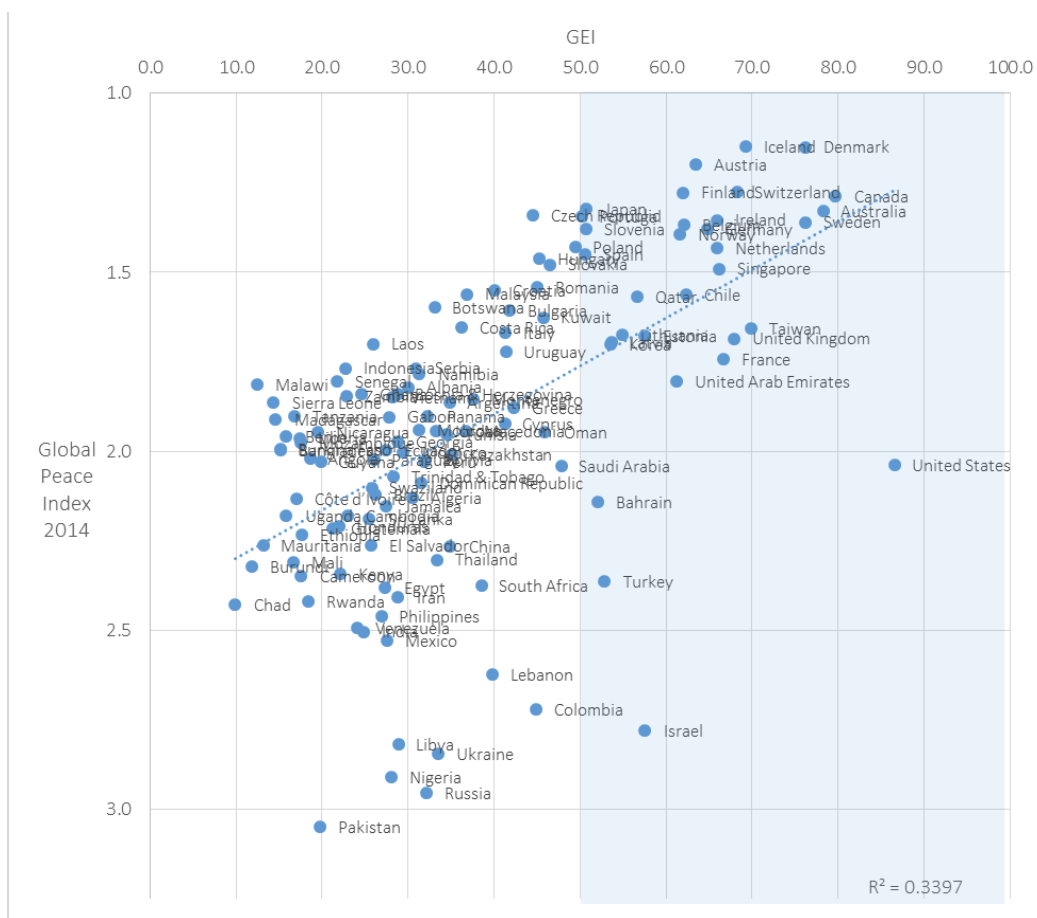
شاخص آزادی اقتصادی (بنیاد هرتیج)، آزادی اقتصادی را در میان چهار مقوله: حاکمیت قانون، اندازه دولت، کارایی قانونگذاری، و بازار باز می‌سنجد. داده‌ها از شاخص سال ۲۰۱۵ استخراج شده‌اند. باید اشاره کرد که شاخص کارآفرینی جهانی یکی از متغیرهای IEF در مورد آزادی کسب و کار را بکار گرفته است. به همین دلیل برای رسم این نمودار متغیر IEF حذف شده است و مجدداً با ۹ عامل (به جای ده تای اصلی) مجدداً محاسبه شده است. محور آزادی اقتصادی از آنجایی که هیچ کشوری کمتر از ۳۰ و یا بالاتر از ۹۰ امتیاز نداشته، تعدیل شده است.

نتایج مطابق انتظار است – علیرغم سطح بالایی از آزادی اقتصادی، کشورهای شرق آسیا نظیر هنگ کنگ و سنگاپور برای ترجمان آزادی اقتصادی به یک اکوسیستم شکوفای کارآفرینی تلاش می‌کنند. شیلی برای دستیابی به آزادی اقتصادی بسیار خوب عمل کرده است که برخی از عملکرد منطقه‌ای رو به فزونی آن را هم در GEI و هم در شاخص کارآفرینی زنان (FEI) تبیین می‌کند.

آزادی اقتصادی باید با فرهنگی که برای کارآفرینی ارزش قائل است به منظور تشویق افراد با انگیزه به کارآفرینی همراه شود. هیچ کشوری نیست که امتیاز کارآفرینی بالا و آزادی اقتصادی پایین داشته باشد.

آیا کارآفرینی و صلح باهم مرتبط هستند؟

GEI در برابر شاخص صلح جهانی



شاخص صلح جهانی (موسسه صلح و اقتصاد) "با استفاده از سه موضوع گسترده صلح جهانی را می‌سنجد: سطح ایمنی و امنیت در جامعه، میزان درگیری‌های داخلی و بین‌المللی و میزان نظامی‌گری".

یادداشت: مرز آبی و بنفش با توجه به میانه داده‌ها مشخص شده است. از آنجا که محدوده شاخص صلح جهانی از ۱,۲ الی ۳,۱ (برای کشورهای GEI) است، نقطه میانه ۲,۱۵ است- مقصود این، نبوده که امر یکا در ربع راست بالای ۲,۱۵ بفتد، هر چند این اتفاق افتاده است. داده‌ها از شاخص سال ۲۰۱۴ استخراج شده‌اند.

بسیار شبیه به رابطه آزادی اقتصادی، می‌بینیم که صلح شرطی لازم اما ناکافی برای یک اکوسیستم شکوفای کارآفرینی است: کشورهای اندکی در ربع پائینی سمت راست افتاده اند، بیشتر کشورها در سمت چپ بالا قرار دارند.

یک تعبیر برای این نحوه قرارگیری این است که نهادهای دارای عملکرد خوب و پایدار برای شکوفایی کارآفرینی الزامی هستند، زیرا ریسک کلی را برای کسانی که فعالیت کارآفرینی، که ذاتاً پرخطر است را انجام می‌دهند، کاهش می‌دهند. زمانی که قواعد بازی استوار باقی بماند، پیش‌بینی فروش، سود و فرصت‌های آتی آسانتر شده و کارآفرینی ارزش انجام دارد.

اما عکس این قضیه نیز صادق است: کارآفرینی، از طریق تمایل به خلق فرصت‌های اقتصادی برای افراد، در جهت کاهش آشفتگی - های مدنی حرکت می‌کند. پس یک اکوسیستم کارآفرینی سالم باید دست در دست صلح حرکت نماید. در واقع، فقدان فرصت‌های اقتصادی، به پدیده‌های قهرآمیز نظیر قتل عام در رواندا، ظهور حزب نازی در آلمان، و قیام مائو مائو در کنیا دامن زده است.

با افزایش جمعیت در سراسر جهان در حال توسعه، و فشار حاصل از آن برای ایجاد مشاغل بیشتر برای جمعیت رو به فزونی در سن کار، کارآفرینی عامل حیاتی برای حفظ صلح در سطح جهان خواهد بود.